صبح صادق

دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۶
۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۴۰
۱۲ صفحه

هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

www.sobhesadeghweekly.ir

میلاد فرخنده
حضرت فاطمه زهرا(س)
مبارک باد

صبح صادق راهبردهای جدید دشمنی با جمهوری اسلامی ایران و راه‌های خنثی‌سازی آن را بررسی می‌کند

امید و اراده پولادین در برابر سونامی ناامیدی

دو برنامه شاخص و کلیدی «استراتژی اوراق کردن» عبارت است از؛ «بی‌ثبات‌سازی» به عنوان برنامه‌ای نیمه‌سخت و «ناامیدسازی» به عنوان برنامه‌ای نرم؛ دشمن برای هدف قرار دادن قلب و مغز مردم، برنامه‌های متنوع و متعددی در دستور کار خود دارد که نقطه ثقل آنها را باید تلاش برای ناامیدسازی دانست. امید به آینده زمینه و بستر حرکت و تلاش است

صفحه۶

دلایل استقبال ریاض از سعد حریری

صفحه۳

نابرابری اقتصادی و راه‌های مقابله با آن

صفحه۴

تقسیم کار میان برهم‌زنندگان امنیت غرب آسیا

صفحه۵

مسابقه داخلی برای فروش اطلاعات بانکی به غرب

صفحه۷

دلالان سینمایی؛ پشت پرده وطن‌فروشی در جشنواره‌ها

صفحه۱۲

گزارش صبح صادق از افتتاح مهم‌ترین پروژه‌های هوانیروز سپاه

توانایی تعمیر همه بالگردهای سپاه را داریم

صفحه۱۰

حجت‌الاسلام والمسلمین علی سعیدی عنوان کرد

بصیرت و معنویت عوامل پیروزی‌های سپاه

در مجموعه سپاه بایستی عنصر معنویت سرلوحه تمامی اقدامات قرار بگیرد و وظیفه نمایندگی در سپاه تقویت این عنصر ارزشمند است و یک پاسدار باید ضمن داشتن بصیرت سیاسی نسبت به ارتقای معنویت و افزایش دانش دینی خود تلاش کند

صفحه۱

گزارش خبری ششمین آیین اهدای جایزه ملی شهید دکتر رهنمون و هشتمین کنگره علمی طب رزم

طب رزمی و اخلاق پزشکی در دفاع مقدس به هم آمیخته شد

صفحه۱۱

گزارش خبری - تحلیلی صبح صادق از طرح «اعاده اموال نامشروع مسئولان»

مطالبه ۴۰ ساله

صفحه۲

مدیرعامل جوان شرکت گسترش امواج کرخه

هر ماه پنج‌هزار گوشی تلفن همراه تولیدمی کنیم

صفحه۷

همسر شهید مدافع حرم عبدالصالح زارع

عاشق شب عاشورای فکه بود

صفحه۱۱

سرمقاله

خودشیفتگی منتهی به سقوط آزاد

□ رسول سنائی راد/ غرور و خودشیفتگی از جمله آفاتی است که گریبانگیر صاحبان قدرت و نفوذ و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی شده و وقتی با توهم داشتن تأیید و پایگاه اجتماعی یا توان فائق آمدن بر تمامی رقبا و منتقدان همراه باشد، به دیکتاتوری و تمامیت‌خواهی می‌انجامد که البته با اخلاق، عقلانیت و معنویت و در عرصه سیاسی جامعه امروز ما، هم با اسلامیت و هم با جمهوریت مغایرت دارد.

رئیس‌جمهور سابق که روزگاری با رفتار مردمی و انتقاد از روحیه اشرافی و دیکتاتورمآبانه رقبای خود، قبیله‌سالاری و قدرت‌طلبی سیاسی را مورد تهاجم قرار داد و فریاد برآورد که اگر برادرش هم دستگیر شود یک زنگ به دادگاه و مجموعه قضایی نخواهد زد، روزی با احتمال دستگیری برخی از اطرافیانش، خط قرمز اعلام کرده و زبان به تهدید گشود و امروز با احتمال تأیید حکم محکومیت آنان نه تنها به قوه قضائیه بلکه به کلیت نظام سیاسی تهاجم کرده و دقیقاً به همان مسیری افتاده که روزگاری به نقد و نفی آن می‌پرداخت و از ویژگی‌های رقبای او به شمار می‌آمد. البته وی آن زمان که دفاع از اطرافیان فاسد را برنمی‌تافت، مورد تأیید مردم بود که او را نماد عدالت‌خواهی برشمرده و از او اقبال می‌کردند، اما چه شده است که او پس از دستگیری اطرافیانش که به فساد و دستبرد به بیت‌المال متهم هستند، باز عدالت را پوشش حمایت از اطرافیان قرار داده است؟ اگر پای دفاع از اطرافیان و اعضای قبیله و باند سیاسی وی در میان نیست، چرا این شور و شتاب و جسارت را وی در دورانی که در قدرت بود و مدعی داشتن لیست مفسدان در جیب، به خرج نداد؟ اما هرگاه که عدالت متوجه اطرافیان و اعضای حلقه انحراف شده او به دفاع تمام‌قد از اطرافیانش پرداخته که با ادعاهای گذشته‌ای که مورد تأیید مردم بوده در مغایرت آشکار است.

اگرچه او با بهره‌گیری از هوش خودش و کنار گذاشتن تقوای سیاسی تلاش کرده با شروع از پله دوم اصل دستگیری و محاکمه اطرافیانش را تسویه حساب سیاسی از سوی دستگاه قضا و شخص رئیس این دستگاه جلوه داده و با پرده انداختن به اتهامات و تخلفات صاحبان پرونده، آنان را قربانی این تسویه حساب‌های شخصی و سیاسی معرفی کند. همچنین وی با زیرسؤال بردن صلاحیت و عدالت دستگاه قضا و دادگاه تلاش کرده با مظلوم‌نمایی برای اطرافیان متهم خویش، جای شاکی و متشاکی را عوض کرده و در این عرصه چالشی، دست بالاتر را بگیرد. او با سیاسی جلوه دادن دستگیری و محاکمه اطرافیان برای تحقق چند هدف دست و پا می‌زند:

۱ـ بی‌اعتبارسازی فلسفه این دستگیری‌ها و سیاسی جلوه دادن آن؛
۲ـ بی‌اعتبار کردن احکام صادره و القای سیاسی بودن آن؛
۳ـ متوقف کردن روند بررسی‌های حقوقی و قضایی و جلوگیری از ادامه دستگیری‌ها و محاکمه اطرافیان آلوده و متهمش.

رئیس‌جمهور سابق که در محاسباتش در توهم برخورداری از رأی و حمایت ۳۰ میلیونی به سر می‌برد و تصور اجتناب‌ناپذیر بودن مدارای نظام با خویش را نیز دارد، در عین حال که سال‌ها در درون نظام از بالاترین سطح مسئولیت برخوردار بوده و هم‌اینک نیز در درون حاکمیت حضور دارد، لباس اپوزیسیون و مخالف نظام به تن کرده و به مخالف‌خوانی علیه مسئولان و نظام رو آورده که یک طنز تلخ را رقم می‌زند. آن هم اینکه وی در کنار برخی فتنه‌انگیزان که زمانی در مسند قدرت بوده و باید پاسخگوی برخی مسائل برآمده از آن دوران باشند، امروز در زمره طلبکاران قرار گرفته و به طرح ادعاهایی می‌پردازند که خود مولد بخشی از همین مسائل ادعایی هستند.

ادامه در صفحه۲

بصیرت و معنویت عوامل پیروزی‌های سپاه

حجت‌الاسلام والمسلمین علی سعیدی گفت: «وظیفه و رسالت نمایندگی‌های ولی‌فقیه در سپاه ایجاد قوت و ایمان و بصیرت در پاسداران است.»

نماینده ولی‌فقیه در سپاه در مراسم تکریم و معارفه مسئول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در فرماندهی حفاظت سپاه با اشاره به این سخن شهید مطهری که اگر قدرت بیرونی به همراه قوت درونی با هم ترکیب شوند به اقتدار منجر می‌شود، گفت: «ما باید مؤمن مثل آهن تربیت کنیم و آن وقت موشک در اختیارش قرار دهیم و درباره حکومت هم همین طور است.»

حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی با اشاره به اقتدار ایران و پیروزی‌های محور مقاومت ادامه داد: «وضعیتی که امروز در پی رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در منطقه به وجود آمده، ناشی از ترکیب قدرت و قوت و ایجاد انگیزه در بین مردم فلسطین، لبنان، سوریه، عراق و انتقال فرهنگ بسیجی بوده است.»

نماینده ولی‌فقیه در سپاه در ادامه با اشاره به ضرورت توجه به معنویت در سپاه مهم‌ترین عامل موفقیت این نهاد انقلابی در تمامی عرصه‌ها را تکیه بر عامل معنویت بیان کرد و اظهار داشت: «در مجموعه سپاه بایستی عنصر معنویت سرلوحه تمامی اقدامات قرار بگیرد و وظیفه نمایندگی در سپاه تقویت این عنصر ارزشمند است و یک پاسدار باید ضمن داشتن بصیرت سیاسی نسبت به ارتقای معنویت و افزایش دانش دینی خود تلاش کند و آنچه امروز در سپاه مورد توقع است این است که نمایندگی و فرماندهی فرمول اقتدار و پیروزی که همان ترکیب معنویت و مهارت و تجربه و تجهیزات دفاعی است را در این مجموعه نهادینه کنند و تولید ایمان راسخ و معنویت تأثیرگذار در سپاه و بین پاسداران برعهده ما است.»

گفتنی است؛ در این مراسم که با حضور فرماندهان و مدیران فرماندهی حفاظت سپاه و دو مجموعه حفاظتی سپاه انصارالمهدی(عج) و حفاظت هواپیمایی برگزار شد از زحمات ارزشمند حجت‌الاسلام محمدجواد موحد تقدیر و حجت‌الاسلام ابوالقاسم علیزاده به سمت مسئول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در فرماندهی حفاظت سپاه معرفی شد.

فعالان قرآنی سپاه تولید محتوا کنند

سردار محمدحسین سپهر، معاون هماهنگ‌کننده نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه در آیین اختتامیه سی‌وششمین دوره مسابقات قرآن کریم برادران سپاه با تأکید بر اینکه نخبگان قرآنی سپاه باید در امر تهیه محتوای مورد نیاز انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران در کنار دیگر نهادهای مرتبط تلاش کنند، اظهار داشت: «امروزه ما شاهد ساخت پایه‌های تمدن اسلامی در منطقه غرب آسیا هستیم و شاهد تحول بزرگی در کشورهای اسلامی هستیم که اینها به برکت انقلاب اسلامی، رهبری انقلاب و سپاه پاسداران و شهدا و جانبازان عرصه‌های پیکار با استکبار جهانی است.» وی ادامه داد: «اگر در جمهوری اسلامی موفقیتی به دست آوردیم در گرو عمل به آموزه‌های دینی و قرآنی بوده است و اگر شکست و ناکامی و عدم موفقیت داشته‌ایم، بی‌توجهی به نسخه‌های قرآنی و توحیدی بوده است. توفیق ما زمینه‌اش عمل به احکام الهی بوده است و عدم توفیق و ناکامی ما نشئت گرفته از دوری و فاصله گرفتن و متأسفانه پشت کردن به نسخه‌های الهی و دینی بوده است.»

سردار سپهر ادامه داد: «در سپاه برای پاسداری از انقلاب مفاهیم قرآنی که نسخه عملیاتی است را می‌خواهیم. امروزه برای سبک زندگی اسلامی‌ـ انقلابی نیازمند کمک هستیم. امروز برای اینکه به فرامین رهبری عمل کنیم باید به پنج خواسته قرآنی ایشان شامل معنویت، ولایت‌مداری، بصیرت نافذ، شهادت‌طلبی و مردم‌داری جامه عمل بپوشانیم و در سراسر جامعه رواج دهیم.»

همچنین بر اساس اعلام سردار محبی، معاون فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه در این دوره از مسابقات از میان ۱۰۷۰۰ نخبه قرآنی سپاه، ۷۹۰۰ نفر شرکت داشتند که در مرحله مقدماتی و نیمه نهایی شرکت کرده و از این میان ۵۸۳ نفر به مرحله نهایی راه پیدا کردند که در انتها ۳۰ نفر از پایوران و ۳۰ نفر از نیروهای وظیفه در جایگاه نفرات برتر اول تا سوم در ۱۰ رشته تجلیل شدند.

یادواره شهدای تدارکات سپاه سیدالشهداء

سومین یادواره سرداران شهید و ۱۱۰ شهید تدارکات سپاه حضرت سیدالشهداء استان تهران در تالار دعای ندبه گلزار شهدای بهشت زهرا(س) برگزار شد.

سردار علی نصیری، فرمانده سپاه حفاظت اظهار داشت: «در دفاع مقدس بخشی از قشر درگیر، دلاورمردان تدارکات جبهه‌ها هستند که با جانفشانی شرایط مناسبی را برای مبارزه دیگر رزمندگان و فرماندهان و مردان جنگ فراهم کرده‌اند به همین منظور سه سال است که برپایی یادواره ۱۱۰ شهید تدارکات در دستور کار سپاه حضرت سیدالشهداء استان تهران قرار گرفته است و مفتخریم که به این بهانه فرصتی فراهم می‌شود تا خانواده معظم شهدای تدارکات و فرماندهان و سرداران سپاه سیدالشهداء استان تهران را گرد هم آوریم و یاد و خاطره شهدا را گرامی داریم.»

همکار محترم جناب آقای مصطفی نظری

با تأسف و تأثر فراوان ضایعه درگذشت مادر گرامی‌تان را به جناب‌عالی و خانواده محترم‌تان تسلیت گفته و برای آن مرحومه رحمت و مغفرت و برای شما و دیگر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌کنیم.

همکاران شما در هفته‌نامه صبح صادق

یادداشت

گامی مهم در تقویت اعتماد عمومی

□ دکتر یدالله جوانی/ یکی از اقدامات اساسی برای تحقق عدالت و پایان‌بخشی به کم‌کاری‌ها و بی‌توجهی‌ها به این مهم، حسابرسی از اموال، دارایی‌ها و در یک کلام، ثروت مسئولان کشور از ابتدای انقلاب تاکنون است. هر چند این کار ممکن است سخت، زمان‌بر و پر دردسر و همراه با هیاهوها و نعره‌ها باشد؛ لکن اقدامی ضروری و بن‌بست‌شکن برای عبور از مرحله دولت‌سازی اسلامی به شمار می‌آید. این یک واقعیت تلخ است که انقلاب اسلامی و ملت ایران، در مرحله دولت‌سازی اسلامی در حال در جا زدن است. تحقق آرمان نهایی انقلاب اسلامی، یعنی تمدن‌سازی اسلامی و حیات طیبه، در گرو عبور از مراحل ساخت دولت اسلامی و جامعه اسلامی است. جامعه اسلامی به عنوان یک جامعه الگو و نمونه برای ارائه به ملل جهان، ساخته نخواهد شد، مگر به کمک یک دولت اسلامی به معنای دقیق کلمه. دولت اسلامی دولتی است که از مسئولان پاکدست و دارای خط‌مشی اسلامی برخوردار باشد. دولت اسلامی دولتی است که در آن از رانت‌خواری، خاصه‌خواری، حیف و میل بیت‌المال و مسابقه برای اشرافی‌گری هیچ خبری نباشد. دولت اسلامی دولتی است که مسئولان، مدیران و کارگزارانش در خدمت مردم و دارای زندگی متعارف و هم‌سطح اقشار متوسط جامعه باشند. اکنون چنین قضاوتی در خصوص همه کارگزاران، مسئولان و مدیران نظام جمهوری اسلامی از گذشته تا حال، از سوی مردم وجود ندارد. مردم اکنون در بین مسئولان عده‌ای را می‌بینند که قبل از انقلاب، افرادی فقیر، تهیدست و بدون ثروت بودند؛ لکن پس از انقلاب با تصدی مسئولیت‌های حکومتی، صاحب ثروت‌های کلان و خارج از تصور شده‌اند! هر چند ممکن است از میان هزاران نفر مسئول در طول چهل سال گذشته که با ساده‌زیستی، کار و تلاش شبانه‌روزی و برخورداری از کمترین امکانات و خدمات به کشور و ملت خدمت کرده‌اند؛ تعداد این افراد بسیار کم باشد، لکن همین تعداد کم اکنون به یک آفت بزرگ برای انقلاب اسلامی تبدیل شده است. اگر از همان سال‌های گذشته، با اولین نفرات ثروت‌اندوز از طریق دست‌اندازی به بیت‌المال، یا دیگر راه‌های کسب درآمدهای نامشروع، برخورد جدی صورت می‌گرفت؛ اکنون شاهد بی‌اعتمادی مردم به مسئولان نظام نبودیم. برخورد نکردن با صاحبان ثروت‌های بادآورده و نوکیسه‌ها، موجب شده تا توده‌های مردم نسبت به همه مسئولان کشور نوعی بی‌اعتمادی پیدا کنند. مردم می‌گویند، اگر عمده مسئولان کشور دارای زندگی سالم و درآمدهای کاملاً مشروع هستند؛ چرا با کسانی که دست‌اندازی آنان به بیت‌المال کاملاً محرز شده است، برخورد جدی صورت نمی‌گیرد؟ باید بپذیریم که در اینجا، حق با مردم است. مردم اکنون خواهان مبارزه جدی با فساد، تبعیض و بی‌عدالتی هستند. مردم اکنون خواهان قطع کردن دستان متجاوزان به بیت‌المال هستند. مردم اکنون خواهان بازگرداندن ثروت‌های هزاران میلیاردی کسانی هستند که، در سال‌های گذشته با تصدی مسئولیت در جمهوری اسلامی، به جای خدمت به کشور و مردم، از طریق رانت‌خواری و خاصه‌خواری و تجارت، این ثروت‌ها را کسب کرده‌اند. البته این خواسته بحق مردم، خواسته و مطالبه جدی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سه دهه گذشته بوده است. اگر به ۱۶ سال پیش برگردیم و فرمان هشت ماده‌ای معظم‌له در سال ۱۳۸۰ به رؤسای قوای سه‌گانه با موضوع مبارزه با مفاسد مالی و اقتصادی را مرور کنیم، درخواهیم یافت که ایشان چه نوع نگاهی را به موضوع عدالت به مثابه شعار اصلی جمهوری اسلامی ایران داشته و دارند. متأسفانه مسئولان در قوای سه‌گانه، در این سال‌ها بسیار کوتاهی کردند و کوتاهی آنان موجب پدیدآیی یک رویکرد اشرافی‌گری در برخی مسئولان کشور با ثروت‌های بادآورده شده است. این وضعیت برای مردم مؤمن، انقلابی، شهید داده و رنج‌کشیده، قابل تحمل نیست. این وضعیت برای توده‌های مردم و خصوصاً اقشار ضعیف جامعه که تحت فشار مشکلات معیشتی و اقتصادی قرار دارند، به هیچ عنوان قابل تحمل نیست.

ادامه در صفحه۲

قدس به زودی آزاد خواهد شد

رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر اوقاف و جمعی از علمای سوریه گفتند: به زودی در قدس نماز خواهید خواند، ما معتقدیم که این روز خواهد آمد. ممکن است شخص این حقیر یا امثال ما نباشند، امّا این روز خواهد آمد و دیر هم نخواهد شد. چند سال پیش، این همان دولتِ صهیونیستیِ همسایه شما گفت که ایران را ما تا مثلاً ۲۵ سال دیگر، چنین می‌کنیم، چنان می‌کنیم؛ من گفتم که شما ۲۵ سال دیگر را درک نخواهید کرد که بخواهید آن‌وقت شما آن کار را انجام بدهید!

یادداشت

رؤیای مبهم «پارلمان اصلاحات»

□ **مهدی سعیدی/** نابسامانی این روزها در اردوگاه جریان‌های سیاسی مختص یک جریان نیست و اصلاح‌طلبان و اصولگرایان، هر دو مدت‌ها است که دچار سردرگمی در فرایند تصمیم‌گیری هستند.

اصولگرایان پس از ایجاد چندگانگی‌های متعدد در سال‌های اخیر، در آخرین گام در انتخابات سال ۹۶ در قالب شکل‌دهی به جبهه مردمی، نیروهای انقلاب خود را سامان بخشیدند که این اقدام نیز موفق نبود و بخشی از اضلاع اصولگرایی خارج از چتر «جمنا» باقی ماندند! ضمن آنکه پس از ناکامی در انتخابات نیز نتوانستند شادابی و طراوت اولین خود را حفظ کنند و مدتی است که دچار انفعال شده‌اند.

اردوگاه اصلاح‌طلبان نیز پس از حوادث سال ۸۸ اوضاع سامان یافته‌ای ندارد. هرچند این جریان توانست در انتخابات سال‌های ۹۲، ۹۴ و ۹۶ ریاست‌جمهوری و شوراها و انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای کسب کند؛ اما این موفقیت‌ها از دل فرایندی سیستماتیک و تشکیلاتی بیرون نیامده و ضعف تشکیلاتی و فقدان انسجام لازم برای تصمیم‌گیری همه‌جانبه و حداکثری مشهود است. به واقع تصمیم‌گیری‌های چند ساله اخیر اردوگاه اصلاح‌طلبی بیشتر مبتنی بر فرد محوری و ریش‌سفیدی بوده است تا کار تشکیلاتی! در کنار این موضوع عملاً شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان از یک‌سو و شورای هماهنگی جبهه اصلاحات از سوی دیگر دچار اختلافات جدی بوده‌اند و به وحدت و انسجام نرسیده‌اند تا بتوانند تصمیم‌گیری در این اردوگاه را متمرکز کنند.

در این بین مدتی است که سخن از پارلمان اصلاحات مطرح است و به تازگی مصطفی کواکبیان، دبیرکل حزب مردم‌سالاری و یکی از طراحان ایده «پارلمان اصلاحات» از رونمایی از آن در روز دوم خرداد ماه سال آینده خبر داده است. ایده شکل‌گیری این پارلمان را به ظاهر اولین بار محمدعلی نجفی، شهردار تهران پیشنهاد داده است که با اقبال بخشی و عدم اقبال بخشی دیگر از اصلاح‌طلبان همراه بوده است. آن‌طور که مشخص است طراحان این ایده برآنند تا با ایجاد مجموعه‌ای بالادستی و فراگیر همه احزاب و گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب را در این مجموعه گرد آورند و نظام تصمیم‌گیری در این اردوگاه را از تصمیم‌گیری فردی به اجماعی و دموکراتیک ارتقا بخشند! و مانع از تکرار آشفتگی‌های پیش آمده در زمان انتخابات شوند؛ اما این ایده برای عملیاتی شدن با موانع و مشکلاتی مواجه است:

اول آنکه، هنوز کمتر کسی از جزئیات و حتی برخی از کلیات این طرح خبر دارد. طراحان این ایده معلوم نکرده‌اند که چگونه می‌خواهند نظام درونی خود را ایجاد کرده و اعضا را بر کرسی‌های این پارلمان بنشانند! آیا احزاب و گروه‌ها پایه شکل دادن به این پارلمان هستند یا آنکه افراد و شخصیت‌های اثرگذار سیاسی نیز در این مجلس صاحب رأی خواهند بود؟ اعضای پارلمان از طریق انتخاب نخبگان سیاسی صورت خواهد گرفت یا آنکه هواداران در رأی دادن به اعضای پارلمان نقش خواهند داشت؟

نکته دیگر آن است که این ایده از جانب بزرگان و شخصیت‌های مؤثر اصلاح‌طلبی مطرح نشده و پس از طرح نیز با استقبال آنان مواجه نگردیده است. اعضای مجموعه‌هایی چون شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان به سادگی حاضر نخواهند بود که خود را از قدرت خلع کرده و امور را به تشکیلاتی جدید بسپارند که در آن طبیعتاً از اختیارات کمتری برخوردار خواهند بود. حزب مردم‌سالاری و دبیرکل آن نیز که امروز پیشگام عملیاتی کردن طرح پارلمان اصلاحات شده‌اند از توان لازم برای ایجاد اجماع نزد اصلاح اصلاح‌طلبان برخوردار نیستند!

سوم، باید یادآوری کرد که مشکلات اردوگاه اصلاح‌طلبی ریشه‌ای‌تر از آن است که تغییرات صوری درمانگر اختلافات جدی در این اردوگاه باشد. این جریان از ضعف‌های تئوریک و مناقشات گفتمانی رنج می‌برد و مدت‌هاست که در تعریف گفتمان اصلاح‌طلبی و مؤلفه‌ها و شاخصه‌های آن اجماع کافی در این اردوگاه وجود ندارد. مرزهای گفتمانی این جریان در طول سال‌های اخیر به شدت دچار التقاط و درآمیختگی شده است و تعریف واحدی از بسیاری از آموزه‌های اصلاح‌طلبی وجود ندارد. همین امر موجب شده تا تئوری‌پردازان برجسته این اردوگاه به نوعی از تعبیر «عبور از اصلاحات» یا «نواصلاح‌طلبی» سخن بگویند! نبود مرزبندی معین و عملی با نیروهای سیاسی اعم از اعتدالیون، اپوزیسیون، تجدیدنظرطلبان، ضدانقلاب و سرنگون‌طلبان یکی از معضلات مهم اردوگاه اصلاح‌طلبان است که به مانعی برای ساماندهی منطقی این اردوگاه بدل شده است؛ از این رو این جریان پیش از آنکه به ارتقای سازماندهی خود بیندیشد، ابتدا باید مکانیزمی برای ترمیم این مرزها مشخص کند تا وضعیت اعضای این اردوگاه از اغیار مشخص شود. در پایان باید گفت آن‌گونه که مشخص است «پارلمان اصلاحات» به مثابه رؤیایی مبهم و ناپیدایی است که صاحبانش برای تحقق عینی آن باید موانع بزرگی را از پیش رو بردارند.

یادداشت

ادامه از صفحه اول

مردم با صراحت می‌گویند، فشارها و سختی‌ها را تحمل می‌کنیم، لکن فسادها، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها را که با روح انقلاب اسلامی در تضاد است؛ تحمل نخواهیم کرد. در چنین وضعیتی، اقدام انقلابی برای بازگرداندن اموال نامشروع و ثروت‌های بادآورده به بیت‌المال یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. طرح دوفوریتی تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با عنوان «طرح اعاده اموال نامشروع مسئولان»، می‌تواند نویدبخش یک حرکت انقلابی برای برداشتن موانع از مسیر دولت‌سازی اسلامی و شتاب‌بخشی به حرکت انقلاب اسلامی باشد. توقع رهبر معظم انقلاب از قوای سه‌گانه و از جمله مجلس شورای اسلامی، انقلابی بودن و انقلابی عمل کردن است. این طرح به یقین، یک اقدام انقلابی است. اکنون با مطرح شدن چنین طرحی از سوی عده‌ای از نمایندگان، همه نمایندگان و دیگر مسئولان در قوای مجریه، قضائیه و دیگر دستگاه‌ها، در مرحله یک آزمون بزرگ، مهم و سرنوشت‌ساز قرار گرفته‌اند. امید است با همراهی تمامی مسئولان و تبدیل این طرح دو فوریتی به یک قانون، از یک سو و اهتمام مسئولان دلسوز به اجرای صحیح این قانون، از سوی دیگر شاهد تحولی اساسی در کشور، تقویت اعتماد عمومی و شتاب‌بخشی به حرکت انقلاب اسلامی برای عبور از مرحله ساخت دولت اسلامی باشیم.

نکته‌ونظر

زندگی حقیقی

نکته: «قصیر ربیع» در جنگ ۳۳ روزه در تابستان سال ۱۳۸۵، با نام عملیاتی «حاج‌علی» با سمت مسئول یک تیم ضد زرهی وارد میدان شد و پس از شکار ۱۵ تانک ضدهسته‌ای «مرکاوا»، به وسیله هواپیماهای ارتش صهیونیستی، هدف موشک قرار گرفت و به شهادت رسید. همسرش درباره اینکه چطور شد به شهید ربیع پاسخ مثبت داد، گفت: «در همان جلسه اول همه حرف‌هایش را صادقانه گفت و هیچ چیز را از من پنهان نکرد. او در همان جلسه به من گفت: اگر با من ازدواج کنی ثلث عمرت را تنها می‌مانی و من در کنارت نیستم و من فقط ربع عمرت را در کنارت هستم. همین‌طور هم شد. او دو روز به خانه می‌آمد و چهار روز نبود. او مجاهد بود و مانند دیگر یاران خود به عنوان یک حزب‌اللهی در لبنان تمام هدفش رسیدن به آرمان‌هایش بود. وقتی با هم صحبت می‌کردیم، می‌دیدم که کاملاً همان فردی است که من خواستم. او گفت: باید در مدرسه امام حسین(ع) بمانیم و خط امام حسین(ع)، خط حزب‌الله و ولایت‌فقیه است.»

نظر: هنگامی که امام خامنه‌ای از رویش‌های انقلاب سخن به میان می‌آورد، چنین جوانان و دسته‌گل‌هایی مد نظرشان است که شرط ضمن عقد را برای دفاع از ارزش‌های اسلامی و جهاد در راه خدا می‌داند، اکنون از این‌گونه جوانان در ایران اسلامی کم نداریم؛ حال که به ایام عید نزدیک می‌شویم شاهد شور و حال انقلابی در میان جوانان و دانشجویان هستیم که روزهای خوش خود را برای جهاد اقتصادی و کمک به محرومان بگذرانند. در روزهای اخیر در شبکه‌های اجتماعی مطلبی از ربیع قصیر منتشر شد که واقعاً بیدارکننده است، در این مطلب آمده است: «شهید ربیع قصیر از شهدای حزب‌الله که در لبنان ازدواج کرد؛ اما تمام جهیزیه همسرش را از ایران خرید و پول بار هواپیما برای انتقال به لبنان را هم داد تا پول شیعه در اقتصاد شیعه بگردد.» آیا ما باز هم توجیهی برای خرید کالای خارجی خواهیم داشت؟

گزارش خبری - تحلیلی صبح صادق از طرح «اعاده اموال نامشروع مسئولان»

مطالبه ۴۰ ساله

پیشینه

«اعاده اموال نامشروع مسئولان»؛ طرحی که مجلس شورای اسلامی این روزها در حال پیگیری آن است تا مشخص شود در ۳۹ سال گذشته حساب و کتاب درآمدی مسئولان درست بوده است یا خیر. این موضوع با استقبال نسبی نمایندگان از جناح‌های گوناگون مواجه شده و امید می‌رود با تصویب این طرح، مبارزه با فساد و تحقق عدالت به نقطه مطلوبی برسد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی که وظیفه قانون‌گذاری در این زمینه را داشته‌اند، با وجود تأکیدات مکرر امام امت و صدور فرمان هشت ماده‌ای، این موضوع را در سنوات گذشته به طور جدی پیگیری نکردند؛ اما، حالا با تدوین طرحی دوفوریتی به دنبال آن هستند تا تغییرات و اقداماتی اساسی را در لایه‌های گوناگون نظام و افرادی که زمامدار امور هستند، ایجاد کنند تا ملت بدانند حاکمیت به‌دنبال آرمان‌هایی است که امام خمینی(س) در دوران نهضت و انقلاب آن را دنبال می‌کردند و رهبر معظم انقلاب نیز در همه سال‌های زعامت خود به منزله یک مسئله محوری بر آن تأکید کرده‌اند.

بر اساس طرح «اعاده اموال نامشروع مسئولان» که تاکنون به امضای بیش از ۱۰۲ نماینده مجلس رسیده، هیئتی متشکل از نهادهای نظارتی، امنیتی و قضایی وظیفه بررسی اموال مسئولان را دارد که پس از بررسی‌ها در صورت حصول اطمینان از نامشروع بودن این اموال، آنها را به بیت‌المال بازمی‌گردانند. این طرح بنا دارد به اموال و دارایی‌های مسئولان نظام جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون رسیدگی کند و در صورتی که هیئت مذکور به این نتیجه برسد که اموال و دارایی‌ها با سابقه کاری و وضعیت درآمدی مدیران همخوانی ندارد، اموال و دارایی‌ها را که مشمول مواد طرح خواهند شد، به بیت‌المال بازمی‌گردانند.

رهبر معظم انقلاب در ۲۷ خرداد ۱۳۸۳ در دیدار جمعی از نمایندگان مجلس گفتند: «از جمله مهم‌ترین کارها، مبارزه با فساد است. مبارزه با فساد، یک جنبه اخلاقیِ محض نیست؛ اداره کشور متوقف به مبارزه با فساد است. بنده دو سه سال پیش که آن نامه را درباره مبارزه با فساد به مسئولان کشور نوشتم، به دنبال یک کار طولانی و یک بررسی و مطالعه وسیع و همه‌جانبه بودم. از هر طرف می‌رویم، می‌بینیم اگر با فساد مبارزه نشود، همه کارها لنگ خواهد ماند. این همه کار خوب دارد در کشور انجام می‌گیرد ـ کارهایی که انجام گرفته، کم نیست ـ اما وجود فساد، بعضی از آنها را خنثی می‌کند.»

ویژگی‌های اختصاصی این طرح

بازبینی اموال شامل ۱۵ هزار مسئول در رده‌های گوناگون می‌شود که از ابتدای انقلاب مسئولیت داشته‌اند.

جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که طرح «اعاده اموال نامشروع مسئولان» را کلید زده‌اند، معتقدند این طرح در راستای عدالت و شفافیت اقتصادی است؛ البته گفتنی است، برخی از نمایندگان مجلس نیز معتقدند با وجود قانونی که در ۱۸ مهر سال ۱۳۹۴ در مجمع تشخیص مصلحت نظام نهایی شد، نیازی نیست که در این زمینه قانون جدیدی نوشته شود؛ اما طرح فعلی تفاوت‌های معناداری با قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام دارد:

۱ـ ورود دولت به ماجرا: طرحی که در مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شده، تنها بر پایه اصل ۱۴۲ قانون اساسی استوار بوده و در آن قانون، قوه قضائیه مکلف شده بود به اموال مسئولان رسیدگی کند؛ اما در طرحی که نمایندگان به تازگی تهیه کرده‌اند، افزون بر اصل ۱۴۲، بر اصل ۴۹ نیز تأکید شده و افزون بر قوه قضائیه، دولت نیز درگیر این موضوع شده است و قوه مجریه نیز باید ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و دیگر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند.

۲ـ اجرای بی‌معطلی: در طرحی که در مجمع تشخیص مصلحت نظام نهایی شد، مقرر شد پس از شش ماه آیین‌نامه این قانون از سوی قوه قضائیه تدوین و برای اجرا ابلاغ شود؛ اما در طرحی که نمایندگان تدوین کرده‌اند، هیئتی مرکب از یک قاضی با ابلاغ از سوی رئیس قوه قضائیه، یک نماینده از معاونت بازرسی دفتر مقام رهبری با اذن ایشان، یک نماینده از سازمان بازرسی کل کشور، یک نماینده از وزارت اطلاعات، یک نماینده از سازمان اطلاعات سپاه، رؤسای کمیسیون‌های قضایی و حقوقی و اصل نودم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی (به عنوان ناظر) تشکیل می‌شود و اجرای احکام این قانون معطل تصویب آیین‌نامه و دستورالعمل از سوی دولت نیست و هیئت پنج‌نفره بلافاصله پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون تشکیل می‌شود و اجرای این قانون را در دستور قرار می‌دهد.

نظارت سازمان‌یافته حکومتی، اگرچه لازم است، اما کافی نیست. در نتیجه باید به سمت نظارت مردمی پیش رفت که آن هم شامل تقوا و امر به معروف می‌شود؛ وقتی امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود، مردم باید از نحوه کارکرد مسئولان اطلاع داشته باشند تا بتوانند آنها را نهی کنند.

۳ـ مجازات برای همکاری نکردن: یکی از محدودیت‌های طرح رسیدگی به اموال مسئولان که در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید، این بود که هیچ مجازاتی برای ارائه ندادن فهرست دارایی‌ها در ابتدای تصدی مسئولیت در نظر گرفته نشده و شرط تصدی مسئولیت را فقط تعهد به ارائه فهرست اموال قرار داده است؛ اما در طرح اخیر وکلای ملت، کارکنان همه دستگاه‌های حکومتی موظف شده‌اند با این هیئت همکاری کنند. تخلف از مقررات این تبصره موجب محکومیت به حبس درجه شش است. همچنین نمایندگان در این طرح آورده‌اند چنانچه افراد موضوع این قانون اموال خود را پنهان کرده یا با هیئت مذکور در این قانون همکاری نکنند، به حبس درجه پنج محکوم می‌شوند.

۴ـ پیشگیری آینده و حساب‌کشی گذشته: قانونی که در سال ۱۳۹۴ در مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب شد، به نوعی برای آینده بود و اگر فردی در کشور متصدی یک مسئولیت می‌شد، باید فهرست اموال و دارایی‌های خود را اعلام می‌کرد؛ اما طرحی که به تازگی تدوین شده، عطف به ماسبق شده و اموال مسئولان از اول انقلاب تاکنون بررسی می‌شود.

۵ـ اعلام گزارش به مردم: در طرحی که نمایندگان تدوین کرده‌اند، ذکر شده است هیئت هفت نفره موظف است حداقل هر شش ماه یک بار مشروح اقدامات خود را به صورت تفصیلی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و گزارش کار خود را به «عموم مردم» اعلام کند؛ اما این موضوع که گزارشی از سوی قوه قضائیه به مردم داده شود، در قانون مصوبی که در مجمع تشخیص مصلحت نظام نهایی شد، وجود ندارد.

۶ـ ایجاد اشتغال با برگرداندن اموال: یکی از شاخصه‌ها و تفاوت‌های طرح ارائه شده با قانون موجود در این است که نمایندگان ذکر کرده‌اند پس از بازگشت اموال نامشروع به بیت‌المال این اموال به منظور اشتغال و فقرزدایی صرف شود.

۷ـ جلوگیری از فرار مظنونان: در طرح تدوینی از سوی نمایندگان، ذکر شده است که چنانچه هیئت هفت نفره تشخیص دهد فرد مظنون قصد ترک کشور را دارد، دستور ممنوعیت خروج وی را صادر خواهد کرد؛ اما در قانون رسیدگی به اموال مسئولان، نکته‌ای درباره اینکه اگر مسئولی پس از تصدی بر مسئولیت خود مظنون به کسب اموال نامشروع بود، آیا ممنوع‌الخروج می‌شود یا خیر، نیامده است.

مطالبه عمومی ملت و نخبگان

به یقین ملت شریف ایران و نخبگان از طرح «اعاده اموال نامشروع» استقبال و حمایت می‌کنند و خواستار مدنظر قرار گرفتن موارد ذیل هستند:

ـ با همه مسئولان فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی و حزبی و بدون خطر قرمز برخورد شود.

ـ همه ۲۹۰ نماینده مجلس طرح را امضا کنند.

ـ این طرح مانند دیگر طرح‌های مشابه به آرشیو تاریخ منتقل نشود و در بین دیگر طرح‌ها و قوانین بایگانی نشود.

ـ طرح به سرعت تصویب شده و عملیاتی شدن آن رصد شود.

ـ جزئیات بررسی‌ها به صورت دقیق به مردم اعلام شود.

ـ همه مسئولان به پرسش «از کجا آورده‌اید؟» پاسخ بدهند.

ـ شفاف بودن اطلاعات و یکدست بودن مقامات قبلی و فعلی.

ـ نه تنها باید ثروت بادآورده‌شان اعاده شود؛ بلکه باید به جرم دزدی و سوءاستفاده از بیت‌المال مجازات شوند.

ـ شبکه‌های شفاف مالی ایجاد شود تا دارایی مسئولان به صورت روزانه و ماهیانه رصد شود.

جمع‌بندی

ریشه تفکرات ثروت‌اندوزی و کسب اموال نامشروع برخی مسئولان در واقع به دهه ۷۰ و نوع تفکرات اشراف‌گرایانه دولت وقت حاکم بر کشور برمی‌گردد؛ اگر به سرعت، با قاطعیت و مدبرانه با آن مبارزه نشود، مشکلاتی ایجاد می‌کند. در این عرصه، متأسفانه بخشی از سیاستمداران و به ویژه سیاستمداران ارشد، آلودگی پیدا کرده‌اند؛ به تعبیر امام علی(ع)، وقتی کارگزاران حکومت، به جمع‌آوری مال میل پیدا کنند، فقر درست می‌شود. ریشه اصلی فقر اقتصادی، همین سوءاستفاده‌هایی است که از اموال عمومی مردم صورت می‌گیرد، به همین دلیل در همه جا وقتی مسئولیت به کسی می‌دهند، نظارت بر آن را افزایش می‌دهند که کاری عقلانی نیز هست؛ اما این نظارت باید عمومی باشد، نه سازمانی.

مجلس از ابتدای امسال تصویب کرده است همه مدیران و مقامات کشور، دریافتی‌های‌شان را به‌روی پایگاه قرار دهند و شفاف به مردم اعلام کنند. این در حالی است که به پایان سال نزدیک می‌شویم، اما هنوز اقدامی در راستای این مصوبه مجلس صورت نگرفته است.

نظارت سازمان‌یافته حکومتی، اگرچه لازم است، اما کافی نیست. در نتیجه باید به سمت نظارت مردمی پیش رفت که آن هم شامل تقوا و امر به معروف می‌شود؛ وقتی امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود، مردم باید از نحوه کارکرد مسئولان اطلاع داشته باشند تا بتوانند آنها را نهی کنند.

اطلاعات شفاف برای امر به معروف و نهی از منکر امری واجب است؛ از این رو قوای نظام باید امور این واجب الهی را تسهیل کنند تا شفاف شود.

طرح اعاده اموال نامشروع مسئولان مطالبه جدی امام امت و مردم و افراد پاک‌دست جامعه است که تصویب و تأیید آن در مجلس می‌تواند امیدی برای بهبود اوضاع ایجاد کرده و گامی مثبت در جهت مقابله با فساد در جامعه، به ویژه در سطح کلان باشد.

سرمقاله

ادامه از صفحه اول

جالب اینکه نجابت و مدارای نظام نیز زمینه‌ساز سوءاستفاده چنین مدعیانی است که در همان حال که ژست مخالف‌خوانی دارند، باز بر سر سفره نظام نشسته و حاضر به کناره‌گیری از آن هم نیستند که به تعبیر عوام، دستی در کاسه داشته و مشت بر پیشانی نظام می‌کوبند و این همان طنز تلخ ناشی از نمک‌نشناسی نسبت به نظام و بی‌اعتنایی به شعور مردم است.

اما بخش تراژیک این ماجرا هم آنجا رقم می‌خورد که این رفتار به همان میزان که اسباب ناراحتی و ریزش در بین دلسوزان و معتقدان ارزشی نظام است، مایه خرسندی و پایکوبی فتنه‌گران و مخالفان داخلی و دشمنان بیرونی نیز شده است. نشان آن هم رسانه‌های تابلوداری است که با استقبال از این غرور و خودشیفتگی یا کینه و لجاجت، به بازتاب دادن آن در بالاترین سطح و سریع‌ترین زمان رو آورده و چه سخاوت‌ها که به خرج نمی‌دهند؟

حلقه انحراف گویا فراموش کرده که حال فعلی افراد، یک معیار تعیین‌کننده برای نظام و مردم به حساب می‌آید. با همین معیار بسیاری از شخصیت‌ها و گروه‌های مدعی از گردونه نظام خارج شده‌اند که چه بسا تصور آنها این بوده که حذف آنان از نظام منتهی به چالش‌ها و زحمت‌های شکننده خواهد شد، اما تنها سقوط آزاد آنان به دامن شیاطین و معاندان نظام نتیجه چنین توهمی بوده است.

خبر تحلیلی

از چاله به چاه

□ **محسن فخری/** خلف وعده‌های آمریکا و طرف‌های غربی در اجرای توافق هسته‌ای کار را به جایی رسانده است که حالا دیگر سرسخت‌ترین حامیان برجام هم در داخل ایران را نیز مجبور به اعتراف به این موضوع کرده که برجام نقض شده است و طرف مقابل از انجام تعهدات خود سر باز می‌زند؛ اما آنچه از این اعتراف و اقرار مهم‌تر است، واکنش رسانه‌ها و فعالان اصلاح‌طلب و حامیان برجام به خلف وعده برجام است، در حالی که آمریکایی‌ها عملاً هر روز تهدیدات خود علیه ایران و برجام را بیشتر و بیشتر می‌کنند و در حالی که سناریوی حفظ برجام بدون آمریکا و با تکیه بر اتحادیه اروپا نیز به اعتراف همین رسانه‌ها و چهره‌ها با شکست مواجه شده است؛ چنانچه روزنامه «آرمان» می‌نویسد: «اتحادیه اروپا برخلاف گذشته که با صمیمت و صداقت از برجام در برابر آمریکا حمایت می‌کرد اکنون دیگر در مورد برجام پافشاری نمی‌کند و دوری اتحادیه اروپا از ما و به همان نسبت نزدیکی به مواضع آمریکاست.» یا روزنامه «آفتاب» می‌نویسد؛ اینکه تصور کنیم اروپا کاملاً در طرف ایران قرار خواهد گرفت ساده‌لوحانه است؛ چرا که پیوند ساختاری اروپا و آمریکا در تبادلات اقتصادی و امنیتی موجب شده این دو قدرت به یکدیگر وابستگی متقابلی داشته باشند؛ اما بازهم این جریان، راهکار و نسخه‌های تکراری و از پیش شکست‌خورده را تجویز می‌کنند. «عباس عبدی» برای حفظ برجام پیشنهاد می‌کند که «باید وارد مذاکرات منطقه‌ای با آمریکا بشویم تا نشان بدهیم به برجام پایبند هستیم! ایران می‌تواند با اعلام آمادگی خود برای مشارکت مؤثر و مسئولانه در رسیدن به ترتیبات امنیتی منطقه‌ای برای صلح و آرامش پایدار، نشان دهد که به اصل و فلسفه برجام ملتزم است و انتظار دارد که طرف مقابل نیز به این اصل ملتزم باشد.» این جملات، یعنی همان مسیر سابق و تکرار اعتماد به غرب، یعنی علاوه بر انرژی هسته‌ای اکنون نفوذ منطقه‌مان را هم باید فدای توافق بی‌سرانجام دیگری کنیم و حتماً روز دیگر هم خواهند گفت که برای حفظ برجام هسته‌ای و برجام منطقه‌ای باید وارد مذاکرات موشکی شویم و این چرخه همچنان ادامه خواهد داشت.

اخبارویژه

اظهارات کذب!

معصومه ابتکار، معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده چندی پیش در جلسه فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی ادعا کرده بود: «موضوع پیگیری و خوشبختانه زنان توانستند به تماشای مسابقه ورزشی بسکتبال بنشینند که در این راستا با آیت‌الله مکارم جلساتی برگزار و داستان اصلی را برای‌شان توضیح دادم که ایشان تأکید کردند اصلاً نمی‌دانستند ماجرا این است. به من چیز دیگری گفتند که من آن واکنش را نشان دادم.»

دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی با واکنش به این صحبت، آن را تکذیب کرده و نسبت به این دروغگویی معاون رئیس‌جمهور ابراز تأسف کرد.

آغاز مذاکرات منطقه‌ای!

خبرگزاری «رویترز» در خبری مدعی شده است، قدرت‌های اروپایی با نزدیک شدن به ضرب‌الاجل «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا درباره توافق هسته‌ای برجام، گفت‌وگو با طرف‌های ایرانی درباره «نقش تهران در خاورمیانه» را آغاز کرده‌اند. این گفت‌وگوها میان ایران، آلمان، انگلستان، فرانسه و ایتالیا در حال انجام است.

تحریمی دیگر

وبگاه کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا خبر داد، به زودی طرح «قانون بیرون راندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اقتصاد ایران» تصویب خواهد شد. این طرح به دولت آمریکا اجازه خواهد داد شرکت‌هایی را که سپاه پاسداران کمتر از ۵۰ درصد سهام آنها را در اختیار دارد، مورد تحریم قرار دهد. به این ترتیب هزینه هرگونه رابطه تجاری احتمالی با سپاه افزایش خواهد یافت. این طرح سپاه به منزله مهم‌ترین تأمین‌کننده مالی تروریسم و برنامه موشک‌های بالستیک ایران نفوذ سپاه را کاهش می‌دهد، بدون اینکه تأثیری بر تعهدات آمریکا در برجام داشته باشد!

روی خط خبر

ارتش کاغذی و هوای مقابله با ایران

مجله آمریکایی «فوربس» نوشت: «بودجه نظامی عربستان با وجود اینکه از بودجه ایران و اسرائیل[رژیم صهیونیستی] بیشتر است؛ ولی ارتش این کشور همچنان یک «ببر کاغذی» است.» ارتش عربستان به دلیل نداشتن ایدئولوژی، آواره مانده و پس از سه سال جنگ در یمن، از حالت هجومی به حالت دفاعی درآمده و مشغول دفاع از ریاض است.

نقشه آمریکا برای مقابله با نفوذ ایران

در حالی که آمریکا در عراق و سوریه شکست‌های سنگینی از نیروهای مقاومت خورده است، یک فرمانده آمریکایی ادعا کرده است: «هدف آمریکا محدود کردن نفوذ ایران در سوریه و منطقه است.»

جوزف وتل، فرمانده ستاد مرکزی ارتش ایالات متحده (سنتکام) در نشست کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا افزود: هدف کلی ما محدود کردن نفوذ ایران در خاورمیانه است و برای رسیدن به این هدف باید روابط خود را با متحدان‌مان تقویت کنیم.»

گفتنی است، «سنتکام» مقرّ فرماندهی نیروهای آمریکایی در ۲۰ کشور است.

آدرس غلط

افزایش ناامنی‌ها و اغتشاشات، طرح موضوع همه‌پرسی از سوی روحانی و حمایت فتنه‌گران از آن، انتشار نامه احمدی‌نژاد برای انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری، مجلس و تغییر رئیس قوه قضائیه حکایت از آدرس‌های غلط و یک مخرج مشترک برای تولید ناامنی و بی‌ثباتی در کشور دارد. در این ارتباط، نوع مواجهه مردم با آشوب‌های دی ماه نشان داد، با وجود گله‌مندی، مردم خواهان حفظ آرامش و تغییر صحیح و مؤثر وضع موجود در چارچوب انقلاب و جمهوری اسلامی هستند.

سوریه به مویی وصل بود

امیر عبداللهیان، معاون سابق وزارت خارجه گفت: «سوریه به جایی رسید که سقوط دمشق به تار مویی وصل بود. در همان ایام به یاد دارم سران و بزرگان در شورای عالی امنیت ملی خدمت رهبر معظم انقلاب رسیدند و حتی برخی این سؤال را مطرح می‌کردند که تا کجا باید از سوریه دفاع کنیم؟

در آن جلسه جمع‌بندی حضرت آقا با استدلال‌هایی که داشتند و با هشدارهای محکمی که دادند، این بود که این اتفاقاتی که رخ می‌دهد، بر سر مواضع شما است. اگر آنجا ایستادگی نکنید، فردا در ایران باید برخورد کنید. بروید همه دستگاه‌ها با برنامه‌ریزی و جدیت و اهتمام کار را دنبال کنید و اجازه ندهید این اتفاق رخ دهد.»

چه کسی ناکارآمد است؟

«عبدالحسین خسروپناه»، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه درباره نظریه‌های سکولار گفت: «سال‌هاست شکست نظریه‌های علوم انسانی سکولار بر عقلای دنیا آشکار شده و لذا مرتب به تبدیل نظریه‌های خود می‌پردازند؛ اما سیاسیون در ایران، پژوهش‌های علوم انسانی را تحمل نمی‌کنند. این روزها رئیس‌جمهوری بحث ناکارآمدی علم دینی را مطرح کرده است. این در حالی است که برخی از سیاسیون نتوانسته‌اند علم دینی را بفهمند و عمل کنند؛ ولی درصدد تخریب علم دینی هستند.»

آینده‌ای که رسید

حسین امیرعبداللهیان، دستیار ویژه رئیس مجلس در امور بین‌الملل گفت: عربستان گرفتار یک باتلاق بزرگ در یمن شده است، من زمانی که سومین هفته تجاوز عربستان سعودی به یمن بود برای نشست وزرای خارجه کشورهای اسلامی به جده رفته بودم، در آنجا ملاقاتی با آقای عادل الجبیر داشتم، همین موضوع را به ایشان گفتم و گفتم شما اشتباه کردید. آقای عادل الجبیر با عصبانیت گفت که شما خواهید دید در کمتر از سه هفته انصارالله را در شمال یمن نابود خواهیم کرد، لبخندی زدم و گفتم من چنین تصوری ندارم، ولی منتظر آینده می‌مانیم.

روی خط خبر

آشیانه اشراف

«اکبر ولی‌زاده» استادیار دانشگاه تهران از آمار عجیب تحصیل چهار هزار نفر از فرزندان مسئولان در انگلستان خبر داد. وی یکی از بحران‌های پیش‌روی کشور را مسئله آقازاده‌ها دانست و گفت: «تورگینیف، نویسنده شهیر روسی رمانی به نام «آشیانه اشراف» نوشته است. در این کتاب بررسی کرده که چرا روسیه تزاری از هم فروپاشید. او در این کتاب بیان می‌کند؛ یک نسلی از اشراف شانس فرصت تحصیلی پیدا کردند و صرفاً مدرک گرفتند؛ اما باسواد نشدند. آنها فقط دارنده مدرک شدند؛ اما از دامنه مطالبات‌شان کم نکردند و عمده آقازاده‌ها به کشور بازمی‌گردند و سهم‌خواهی می‌کنند. حضور پررنگ این آقازاده‌ها در ارکان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، بحران‌ساز می‌شود.»

هزینه‌تراشی برای نظام

امیررضا واعظ‌آشتیانی، فعال سیاسی اصولگرا با اشاره به نامه اخیر محمود احمدی‌نژاد به رهبر معظم انقلاب، گفت: «بالاخره بخشی از تحرکات و عملکرد احمدی‌نژاد را می‌توانیم به روحیات او در گذشته مرتبط بدانیم، منتهی روحیه گذشته او پنهان بوده است؛ ولی در شرایط فعلی افکار ایشان کاملاً روشن است و من اعتقادم بر این است که او به دنبال هزینه‌تراشی برای نظام است، وقتی احمدی‌نژاد بحث انتخابات زودهنگام را مطرح می‌کند. برای همه روشن و مبرهن است که ایشان به دنبال تسویه حساب سیاسی است.

بدتر از قداره‌بندی

فرهاد رهبر، رئیس دانشگاه آزاد گفت: «استاد سر کلاس می‌رود و هر اراجیفی می‌خواهد می‌گوید و اگر چیزی به او بگوییم بعد اعلام می‌شود وا اسلاما، آزادی در خطر است.» وی افزود: «هر کسی در این قالب بخواهد خدشه‌ای به دین، قرآن و پیغمبر وارد کند، لحظه‌ای آن را تحمل نمی‌کنیم. در دانشگاه‌های معتبر جهان نیز افراد نمی‌توانند با هر شکل و نمادی در دانشگاه حضور یابند؛ اما اینجا اگر به دانشجویی بگوییم حق ندارد با لباسی که دیشب به مجلس رفته در محیط دانشگاه وارد شود، می‌گویند اینها جلوی آزادی را گرفته‌اند. ولنگاری خیلی کشنده‌تر از اسلحه و قداره‌بندی در دانشگاه است.»

وجدان‌تان کجا رفته است

دبیر ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی(ره) گفت: «در زمان امام(ره) هر وقت می‌خواستند هجمه کنند اول اسم حاج احمد آقا را می‌آوردند. حاج احمد آقا، فانی در امام بود و بعضی از تاریخ‌نگاران قلابی می‌گویند ایشان از اول به فکر رهبری بوده؛ وجدان اخلاقی و انسانی اینها کجا رفته است؟ ما از پرویز ثابتی توقع نداریم که بگوید شکنجه‌گر بودم؛ ولی کسانی که نان انقلاب و نظام را خورده‌اند چرا به خاطر منافع خودشان همه کس و همه چیز را خراب می‌کنند. چرا کسانی که حقایق را پنهان و جنایات دوستان خود را در قتل انسان‌های بی‌گناه نادیده و با وسوسه و طراحی آیت‌الله منتظری را از امام جدا کردند، به اشتباهات تاریخی خود اعتراف نمی‌کنند و امروز نظریه سیاست‌محوری امام و اخلاق‌محوری آیت‌الله منتظری را مطرح می‌کنند؟»

به اسم همسران

کارخانه «رشت الکتریک» که با برندهای خارجی مطرح در صنعت الکتریک مانند «دلند آلمان» رقابت می‌کرد به دلیل ویژه‌خواری همسران برخی مسئولان کاملاً ورشکست شده است. غلامعلی جعفرزاده‌ایمن‌آبادی، نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه ایرانی‌ها همیشه رشت الکتریک را به دلند آلمان ترجیح می‌دادند، افزود: «متأسفانه این کارخانه که یکی از بهترین کارخانه‌های صنعتی جهان بود و حتی صادرات محصول داشت، ارزآور بود و خوب کار می‌کرد در اولویت اول واگذاری قرار گرفت.» جعفرزاده با اشاره به اینکه اسناد مثبته نشان می‌دهد وابستگان درجه یک مسئولان کشوری به خرید این کارخانه اقدام کردند، ادامه داد: «تمام کارخانه را خوردند و تنها زمین آن باقی ماند و اگر این زمین قابل خوردن و بردن بود نیز این کار را انجام می‌دادند. مالکان جدید شرکت رشت الکتریک کسانی نبودند جز خانم‌ها خیرالنساء عسگریان همسر غلامحسین کرباسچی، فاطمه صدیقیان همسر عبدالله نوری، گیتا شاه‌نواز همسر غلامرضا قبه و سوده جبلی دختر باجناق کرباسچی.»

رخداد

دلایل استقبال ریاض از سعد حریری

□ **محمدرضا مرادی/** سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان در آبان سال ۱۳۹۶ به صورت ناگهانی استعفای خود را از ریاض اعلام کرد. کارشناسان غربی در آن زمان اعلام کردند که حریری در بازداشت خانگی به سر برده و تحت فشار دربار سعودی مجبور به استعفا شده است؛ البته او پس از بازگشت به لبنان استعفای خود را پس گرفت؛ اما این مسئله تأثیری منفی بر روابط لبنان و عربستان گذاشت، به صورتی که حریری به ترکیه سفر کرد و در واقع با رقیب عربستان در جهان اهل سنت چندین قرارداد مهم منعقد کرد؛ اما در حالی که روند امور برخلاف خواسته‌های ریاض پیش می‌رفت خبر سفر حریری به ریاض منتشر شد. تنها دو روز پس از سفر نزارالعلولا، مشاور دیوان پادشاهی سعودی به بیروت به منظور دعوت رسمی از نخست‌وزیر لبنان برای سفر به ریاض، حریری این دعوت را اجابت کرده و راهی ریاض شد. این اولین سفر سعد حریری به پایتخت سعودی پس از چهارم ماه نوامبر گذشته است که در آنجا بازداشت شده و به اجبار استعفای خود از نخست‌وزیری لبنان از تلویزیون العربیه را اعلام کرد و فقط پس از دخالت فرانسه بود که توانست عربستان را ترک کند. سفر حریری در وضعیت فعلی عجیب و به نوعی خارج از پیش‌بینی‌ها بود. رسانه‌های عربی پیش از سفر حریری به ریاض در گزارش‌های خود چهار هدف را در سفر نخست‌وزیر لبنان به عربستان و دیدار با مقامات این کشور مطرح کردند؛ گزینه‌های سیاسی سعد حریری برای آینده، انتخابات پارلمانی (در ۱۶ اردیبهشت سال ۱۳۹۷)، کنفرانس‌های بین‌المللی، حمایت از لبنان و موضوعات مالی مرتبط با شخص حریری.

اما این سفر چه پیام‌هایی داشته است؟

عربستان در جریان استعفای حریری به نوعی بازنده لقب گرفت؛ چرا که لبنان همیشه یکی از صحنه‌های نفوذ ریاض بوده و این مسئله موجب شد تا نفوذ عربستان در این کشور کاهش پیدا کند. به همین دلیل در وضعیت فعلی محمد بن‌سلمان، ولی‌عهد سعودی به دنبال آن است تا از یک طرف بار دیگر عربستان را صاحب نفوذ در لبنان کند و از سوی دیگر بتواند در برابر نیروهای هم‌پیمان ایران در لبنان مقابله کند.

اما یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل این هدف به انتخابات پارلمانی لبنان برمی‌گردد. انتخابات پارلمانی سراسری در لبنان قرار است ششم ماه می سال ۲۰۱۸ برگزار شود و از هم‌اکنون احزاب بزرگ مانند «حزب‌الله» (سیدحسن نصرالله)، «حرکة امل» (نبیه بری)، «المستقبل» (سعد حریری)، «التیار الوطنی الحر» (میشل عون) و «القوات اللبنانیة» (سمیر جعجع) در حال رایزنی برای ائتلاف هستند. انتخابات این دوره پارلمان لبنان قرار است به شکل تناسبی برگزار شود و سه حوزه بیروت به دو حوزه انتخاباتی کاهش یافته است. کارشناسان این مسئله را به نوعی به معنای کاهش شانس حریری برای کسب کرسی‌های بیشتر می‌دانند. علاوه بر این همزمان با موضع روشن و محکم حزب‌الله در ائتلاف با «امل»، این وضعیت برای حزب «المستقبل» به ریاست سعد حریری مبهم و شکننده شده است.

بنابراین از یک طرف سعد حریری نیازمند حمایت‌های همه‌جانبه ریاض برای پیروزی در انتخابات پارلمانی است و از سوی دیگر ریاض نیز به دنبال آن است که متحدان این کشور در انتخابات پیش‌رو بتوانند کرسی‌های بیشتری به دست آورند. انور عشقی، مدیر مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک ریاض در این باره اعلام کرد: «پرونده انتخابات پارلمانی لبنان در رأس موضوعات گفت‌وگو میان سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان و ملک سلمان بود.» وی افزود: «عربستان به دنبال این است که حزب‌الله و جریان هشتم مارس در انتخابات پارلمانی موفقیت چندانی به دست نیاورد.»

در مجموع می‌توان گفت؛ سفر حریری به ریاض نشان داد که عربستان پس از اشتباه راهبردی آبان ماه در بازداشت نخست‌وزیر لبنان به دنبال آن است تا خطای خود را جبران کند. دلیل این مسئله نیز از یک‌سو ترس عربستان از پیروزی جریان‌های وابسته به حزب‌الله در انتخابات پارلمانی لبنان است و از سوی دیگر ریاض به دنبال آن است تا حریری را بار دیگر در صف متحدان خود قرار دهد.

دیدگاه

استقبال عجیب اصلاح‌طلبان از احمدی‌نژاد

□ **حسین عبداللهی‌فر/** هر چه به رفتارهای عجیب و دور از انتظار احمدی‌نژاد افزوده می‌شود، تعداد بیشتری از یاران و همکاران سابقش وی را تنها گذاشته و از رویکرد وی ابراز برائت می‌جویند؛ اما عجیب‌تر از رفتار احمدی‌نژاد که در نامه گستاخانه و موهوم اخیرش خطاب به رهبر معظم انقلاب بروز یافت، واکنش برخی اصلاح‌طلبان در استقبال از اوست که با وجود ابراز تنفرهای بی‌شمار گذشته و سرزنش اصولگرایان به دلیل سکوت در برابر وی، اکنون که دوستان سابقش وی را با تعابیری چون محمود مردود، محمود مطرود، یاور شیطان، شیطان حقیر و ابله و بنی‌صدر کوچولو طرد می‌کنند، جماعتی از اصلاح‌طلبان در چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای گویا سودای «یاری یاور شیطان» را در سر دارند.

در این باره می‌توان به سخنان محمدصادق جوادی‌حصار اشاره کرد که می‌گوید: «اینکه هر سخنی از سوی احمدی‌نژاد زده می‌شود به واسطه گذشته‌ای که داشته بگوییم غلط است، قابل قبول نیست. به هرحال بخشی از حرف‌ها در میان جامعه هوادارانی دارد؛ اما جامعه مدنی باید هوشیار باشد تا بتواند از همین ظرفیت احمدی‌نژاد استفاده کند و در راستای توسعه و نهادینه شدن مفهوم پرسش‌گری حرکت کند.»

یک حقوقدان نیز در سرمقاله روزنامه «آرمان» (۷ اسفند) نسبت به اخراج احتمالی یا حتی تقاضای کنار گذاشتن احمدی‌نژاد از مجمع تشخیص مصلحت واکنش نشان داده و آن را آغاز رویه غلطی توصیف کرده که ممکن است دیگران را در گیرد.

روزنامه «بهار »(۷ اسفند) با اشاره به پنج راهبرد اصلی احمدی‌نژاد در پنج سال اخیر که با هدف زمینه‌سازی برای بازگشت دوباره به صحنه قدرت صورت داده، آخرین راهبرد وی را «تقابل آشکار به مثابه آلترناتیو نهایی» ذکر کرده و در ستون سخن نخست خود (سرمقاله) با عنوان «اصلاح‌طلبان و برخورد با احمدی‌نژاد» می‌نویسد: «حتی به فرض برخورد با احمدی‌نژاد، از این تنور، نانی سیاسی برای اصلاح‌طلبان و حامیان دولت گرم نخواهد شد. آنگونه که از فحوای انتقادات اصولگرایان پیدا است، محتملاً با او به خاطر برخی حرمت‌شکنی‌ها نسبت به نهادهای نظام، برخوردهایی صورت خواهد گرفت که شمه‌ای از آنها را در مواضع روز گذشته برخی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌توان مشاهده کرد. در چنین مقاطعی، شعارها و آموزه‌هایی چون آزادی بیان به اصلاح‌طلبان حکم می‌کند از حقوق اولیه هر شهروندی حتی شخصی چون احمدی‌نژاد که در دوران هشت ساله‌اش بسیار سختی و مرارت کشیدند، دفاع کنند نه اینکه خواهان برخورد قضایی با او شوند.»

اما عجیب‌تر این است که اصلاح‌طلبانی که پیشتر از این می‌گفتند احمدی‌نژاد حتی یک نقطه قوت هم ندارد تا بتوان از آن دفاع کرد، اکنون پس از ژست اپوزیسیونی، ایستادگی وی در برابر نظام را نقطه قوت او دانسته و به همین دلیل شایسته ستایش ذکر کرده‌اند.

رونمایی از این کشف بزرگ را روزنامه اقتصادی «جهان صنعت» به عهده داشت که در مطلبی با عنوان «تنها کار مثبت احمدی‌نژاد» نوشت: «خیلی‌ها در این سال‌ها به نکوهش از احمدی‌نژاد پرداخته‌اند. کیست که نداند در آن هشت سال چه بر سر این مملکت رفت. مسئله صرفاً اقتصادی یا حتی سیاسی نیست؛ چیزی اساسی‌تر فرو ریخت. با این حال در یک نکته تردیدی نیست. احمدی‌نژاد برای قدرتِ نهاد ریاست‌جمهوری جنگید و در مقابل کسانی که سودای تشریفاتی کردن آن را داشتند، ایستاد و حداقل به این خاطر قابل ستایش است.»

موج‌سواری سیاسی اصلاحاتی‌ها و تداوم رویکرد استفاده ابزاری از افراد و ارزش‌ها با نگاه صرف جناحی و سیاسی که در این یادداشت‌ها دیده می‌شود، کم از اقدام احمدی‌نژادی‌ها نیست. البته هر دو به این آفت گرفتارند؛ احمدی‌نژاد با عدول از ارزش‌ها و اصول انقلابی و تشبث به هر وسیله‌ای برای حفظ حیات سیاسی خود و باندش و اصلاح‌طلبان نیز با مغتنم شمردن فرصت کج‌روی وی به نفع گفتمان غربگرای خویش. آنچه که در دو سر این نگاه خطرناک به نظر می‌آید، فراموشی اصول انقلاب، منافع ملی و اندیشیدن به مشکلات مردم و راه‌های برون‌رفت از آنهاست؛ اما مردم ایران از امام یاد گرفتند که «میزان حال فعلی افراد» و جریان‌هاست. باید نسبت احمدی‌نژاد و هر فرد و جریان سیاسی را با انقلاب، امام، قانون و نسخه عملی آنها برای برون‌رفت از مشکلات مردم سنجید و درباره‌شان به قضاوت نشست.

تبیین

اهمیت گفتمان‌سازی در باب عدالت در اندیشه رهبری- ۱

□ **حسن خدادی/ بیان مسئله/** از نگاه امام خامنه‌ای، عدالت باید گفتمان حاضر در صحنه مردم و مسئولان و به ویژه نسل‌های تازه باشد. در واقع، عدالت باید همیشه نصب‌العین جامعه باشد و مورد مطالبه و درخواست عمومی قرار گیرد تا محقق شود. باید جریانی در اثر این گفتمان‌سازی شکل گیرد که مردم آگاهانه طلب حق کنند و در اثر شکل‌گیری این جریان عمومی، مبنایی برای تلاش به منظور تحقق عدالت شکل گیرد. آنچه مورد نظر رهبر معظم انقلاب است، تحقق عدالت حداکثری است.

معظم‌له به تازگی در بیاناتی در جمع مردم آذربایجان شرقی به سه دلیل بحث عدالت را مطرح و بر اهمیت راهبردی آن تأکید می‌کنند: لزوم گفتمان عمومی شدن عدالت، پرهیز از سعی و خطا در دهه چهارم انقلاب در اقامه عدالت و توجه به مؤلفه عدالت در پیشرفت در دوران پیشرفت جمهوری اسلامی. ایشان می‌فرمایند: «خب، نتیجه مردم‌سالاری پیشرفت کشور است؛ پیشرفت‌ها هم واقعاً خارق‌العاده است. ما دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کردیم و پیشرفت به معنای واقعی کلمه در کشور اتّفاق افتاده است؛ عدالت را نمی‌گویم؛ در مورد عدالت ما عقب‌مانده هستیم؛ در این تردیدی نیست؛... (امّا) در زمینه عدالت، باید تلاش کنیم، باید کار کنیم، باید از خدای متعال و از مردم عزیز عذرخواهی کنیم. در مورد عدالت مشکل داریم و ان‌شاءالله با همّت مردان و زنان کارآمد و مؤمن، در این ناحیه هم پیشرفت خواهیم کرد؛ امّا در زمینه پیشرفت مادّی انصافاً کارهای بسیار زیاد و بسیار مهمّی انجام گرفته.»(۱۳۹۶/۱۱/۲۹)

۱ـ تعریف عدالت از منظر امام خامنه‌ای/ امام خامنه‌ای عدالت را این گونه تعریف می‌کنند: «... حالا عدالت چیست؟ البته ممکن است در معنا کردن عدالت، افرادی، کسانی یا گروه‌هایی اختلاف نظر داشته باشند؛ اما یک قدر مسلّم‌هایی وجود دارد: کم کردن فاصله‌ها، دادن فرصت‌های برابر، تشویق درستکار و مهار متجاوزان به ثروت ملی، عدالت را در بدنه حاکمیتی رایج کردن- عزل و نصب‌ها، قضاوت‌ها و اظهار نظرها- مناطق دوردست کشور و مناطق فقیر را مثل مرکز کشور زیر نظر آوردن، منابع مالی کشور را به همه رساندن، همه را صاحب و مالک این منابع دانستن، از قدر مسلّم‌ها و مورد اتفاق‌های عدالت است که باید انجام بگیرد. بنابراین، عدالت یک اصل است و نیازمند قاطعیت.» (۱۳۸۵/۳/۲۹)

۲ـ تفاوت مفهومی «قسط» و «عدل»/ رهبر معظم انقلاب تفاوت میان قسط و عدل را تبیین کرده و می‌فرمایند: «قسط با عدل فرق می‌کند. «عدل» یک معنای عام است. «عدل» همان معنای والا و برجسته‌ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه حوادث دنیا وجود دارد؛ یعنی یک موازنه صحیح. عدل این است؛ یعنی رفتار صحیح، موازنه صحیح، معتدل بودن و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن. این معنای عدل است. لکن «قسط» همین عدل در مناسبات اجتماعی است؛ یعنی آن چیزی که ما امروز از آن به «عدالت اجتماعی» تعبیر می‌کنیم. این غیر از آن «عدل» به معنای کلی است. انبیا اگرچه حرکت کلی‌شان به سمت آن عدالت به معنای کلی است- «بالعدل قامت السماوات و الارض»؛ آسمان‌ها هم با همان اعتدال و عدالت و میزان بودن، سر پا هستند- اما آن چیزی که فعلاً برای بشر مسئله است و او تشنه آن است و با کمتر از آن نمی‌تواند زندگی کند، قسط است. «قسط» یعنی اینکه عدل خُرد شود و به شکل عدالت اجتماعی درآید: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»(حدید: ۲۵) انبیا برای این آمدند.»(۱۳۷۱/۱۱/۱)

۳ـ عدالت‌خواهی گفتمان غالب محیط‌های جوان/ از منظر رهبر فرزانه و حکیم انقلاب، عدالت‌خواهی شأن و تکلیف همیشگی و ثابت نخبگان است و باید به گفتمان غالب محیط‌های جوانان مبدل شود: «مطالبه عدالت به معنای این است که عدالت، گفتمان غالب در محیط‌های جوان و دانشجویی شود؛ عدالت را مطالبه کنند و آن را از هر مسئولی بخواهند، یک لحظه از درخواست و مطالبه عدالت کوتاهی نکنید؛ این شأن شماست.» (۱۳۸۲/۲/۲۲)

اخبار

توصیه‌های آیت‌الله جوادی آملی به سازمان اطلاعات سپاه

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب، رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جمعی از مدیران این سازمان با آیت‌الله جوادی‌آملی از مراجع عظام تقلید دیدار کردند. در این جلسه، آیت‌الله جوادی‌آملی با اشاره به اهمیت و نقش رسانه‌های جدید و فضای مجازی در جامعه و سبک زندگی انسان‌ها، بستر فعالیت این رسانه‌ها را فضای حقیقی دانست و اظهار داشت: «وقتی انتقال اطلاعات، متعلق به اندیشه است و همه افکار، عکس‌ها، حرف‌ها و حتی همه اهانت‌ها در آن می‌آید، بنابراین مجازی معنا ندارد و این فضا، فضای حقیقی است.» این مرجع تقلید در ادامه توکل به خداوند و توسل به ائمه معصوم(ع) را رمز موفقیت در کارها دانست و خطاب به مسئولان سازمان اطلاعات سپاه گفت: «کار شما آقایان خیلی سنگین است. قبلاً عرض می‌کردیم خوب است که انسان هرکاری را به نیابت حضرت حجت(عج) بکند؛ الآن عرض می‌کنیم کارهای‌تان را به نیت حضرت، به اذن حضرت و به کمک حضرت انجام دهید.» آیت‌الله جوادی‌آملی در بخش دیگری از سخنان خود، از عملکرد و سیاست‌های آمریکا در منطقه که به تولید ناامنی منجر شده، انتقاد کرد و با اشاره به اوضاع حساس کشورهای جهان اسلام، تأکید کرد: « با وجود توطئه‌های آمریکا بنابراین ما باید حواس‌مان جمع باشد؛ شرایط مانند میدان مین است.»

چه کسی می‌تواند جاسوس را تشخیص بدهد؟!

حجت‌الاسلام منتظری، دادستان کل کشور گفت: «می‌گویند تشخیص جاسوس به عهده وزارت اطلاعات است؛ اما این دقیق و کامل نیست.» وی با بیان اینکه وزارت اطلاعات در این زمینه وظایف تعریف شده دارد، گفت: «جاسوسی به موجب قانون جرم است و وظیفه مجازات بر عهده قوه قضائیه است و بسیج، نیروی انتظامی و دیگران ضابط قوه قضائیه هستند.» دادستان کل کشور اظهار داشت: «اینکه جرم چه باشد، بر عهده ماست، چه کسی گفته تشخیص جاسوس به عهده وزارت اطلاعات است؟ پیگیری، تعقیب و مجازات بر عهده وزارت اطلاعات است.» وی تصریح کرد: «طبق قانون ۲۹ آیین دادرسی، آنها ضابطان عام هستند و تشخیص جاسوس برعهده قوه قضائیه و بقیه ضابط قوه قضائیه هستند.» عبدالرضا هاشم‌زایی، نماینده مجلس گفته بود: «اگر جاسوسی مطرح شده، وزیر اطلاعات باید نظر صریحش را مطرح کند. ما نمی‌توانیم از قوه قضائیه سؤال کنیم، اما دایره جاسوسی وزارت اطلاعات باید توضیح دهد استاد دانشگاه چطوری جاسوسی می‌کرده که اینها مطلع نبوده‌اند یا اگر مطلع بوده‌اند، این مسائل را خیلی شفاف با ما در میان بگذارند. این استاد دانشگاه و فعال حوزه محیط‌زیست مگر چه اطلاعاتی داشته و چطور تا اینجا نظارتی نبوده است. الآن دنیا، دنیای هزار سال پیش نیست. دنیای انفجار اطلاعات است و باید بتوانیم افکار عمومی نسل جوان را قانع کنیم.»

تکرار حرف سلطنت‌طلبان و منافقان

رفتار احمدی‌نژاد به گونه‌ای شده است که یاران دیروزش مهم‌ترین منتقدان رفتار امروز وی شده‌اند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم با انتشار نامه‌ای به نامه احمدی‌نژاد واکنش نشان داد. در بخشی از نامه سرگشاده سیدمحمد حسینی به محمود احمدی‌نژاد می‌خوانیم: «ای کاش احمدی‌نژاد خودشگفتی، خودشیفتگی، خود برتربینی و اشتباه محاسباتی را کنار می‌گذاشت و به سخن صادقانه و خیرخواهانه خادمان واقعی ملت در دولت‌های نهم و دهم و جبهه انقلاب گوش فرا می‌داد و یا درس‌های اخلاق عالم ربانی مرحوم آیت‌الله حائری‌شیرازی در جلسات چهارشنبه دولت را که جلابخش قلب‌ها و امیدبخش دل‌ها برای سعی و مجاهدت بیشتر و استقامت و پایمردی خالصانه‌تر بود، مرور می‌کرد.

مسلماً اگر روحیه عجیب و غرور و «خود قطب عالم‌پنداری» در احمدی‌نژاد نبود و اطرافیان سبک‌سر به این رذایل دامن نمی‌زدند و آتش‌بیار معرکه نمی‌شدند، در انتخابات سال ۹۲، ۹۴ و ۹۶ چنین نتایجی حاصل نمی‌شد که امروز مردم با مشکلات عدیده معیشتی مواجه باشند. تکرار حرف سلطنت‌طلبان، منافقان و بدخواهان نظام اسلامی در ۳۹ سال گذشته، علاوه‌بر آنکه سخیف و مشمئزکننده است، مضحک و ناشیانه به نظر می‌رسد.»

توهین و تحقیر به دلیل یک جمله انقلابی

پروانه معصومی یکی از بازیگران سینما و تلویزیون، لیلا حاتمی را به دلیل جانبداری از اغتشاشگران در جشنواره فیلم برلین سرزنش کرد و گفت: «مگر در کشورهای دیگر به دستان معترضین بوسه می‌زنند؟» وی به دلیل همین چند جمله در روزهای اخیر مورد شدیدترین اهانت‌ها از سوی جریان‌های تندرو واقع شده است. هنرپیشه حکومتی! این عنوانی است که پس از انتشار گفته‌های پروانه معصومی در انتقاد از لیلا حاتمی سر زبان‌ها افتاد. وی درباره این هجمه‌ها می‌گوید: «کانال‌های اجتماعی را دنبال نمی‌کنم، ولی هر کسی به من می‌رسد درباره این حرف‌ها می‌گوید. دیروز سر میز ناهار یکی از دوستان گفت، این چه حرف‌هایی است که به لیلا حاتمی گفتی. من واقعاً محلی نگذاشتم؛ چون حوصله ندارم. چقدر برچسب به من زدند. شما باور می‌کنید که وسط خیابان می‌خواستند من را کتک بزنند؟ برای اینکه من خدمت آقای خامنه‌ای رفته بودم، صحبتی کردم و صدای آمریکا ـ قابل توجه دوستانی که فقط به رسانه‌های خارجی توجه می‌کنند ـ بخش‌هایی از آن را پخش کرده بود و فقط آن را شنیده بودند. از خواهر و دوست و همسایه و... به من اعتراض کردند. باز من صبوری کردم. گفتم ایرادی ندارد. بعد هم برای دوستان عزیز و نورچشمی‌های من، من شدم بازیگر حکومتی و دولتی، آنها هم شدند هنرمند مستقل! بعد از آن اصلاً از کنارم رد نمی‌شدند. من در یک مهمانی بودم، یکی از شاعران بسیار برجسته ما به من گفت تو که با این حکومت همکاری می‌کنی...»

یادداشت

حاشیه‌سازی نازیبا!

□ **امین پناهی/** این روزها اگر خوب حواشی رسانه‌ها را دنبال کنیم، در کنار هر اتفاق و رخدادی ردّ پایی از صادق زیباکلام دیده می‌شود. صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و غربگراست. کسی که در صحبت‌هایش به اسرائیل موجودیت می‌بخشد و هیچ‌گاه حاضر نشده است روی پرچم رژیم غاصب صهیونیستی پا بگذارد. وی معتقد است، علوم انسانی اسلامی اصلاً وجود خارجی ندارد و این خود نشان می‌دهد، این استاد سکولار بوده و تنها سطح دین را به امری شخصی تقلیل می‌دهد و شأنی برای اسلام در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی قائل نیست. اما دو جریان سیاسی اصلی موجود در کشور زیباکلام را با پیش‌فرض‌های خود تفسیر می‌کنند؛ اصولگرایان او را یک استاد حامی فتنه و در کل مخالف با ساختارهای نظام می‌دانند و در مقابل اصلاح‌طلب‌ها او را ستون پنجم نظام یا سوپاپ اطمینان نظام می‌دانند.

وی در انتخابات‌های اخیر، از کاندیداهای مورد تأیید اصلاح‌طلبان حمایت کرد و بسیار بی‌محابا بر حریف انتخاباتی تاخت. زیباکلام با آنکه خود را در قامت یک نظریه‌پرداز جریان اصلاح‌طلبی می‌بیند، اما گاه نظراتی در حد یک کودک ارائه می‌کند و طرفداران خود را نیز انگشت بر دهان می‌گذارد. او برخلاف دیگر همکاران خود دوره استبدادی رضاخان را جزء دوره‌های درخشان ایران می‌داند.

در روزهای اخیر نیز بار دیگر شاهد حاشیه‌سازی‌های زیباکلام بودیم. وی با وجود اینکه استاد دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی این دانشگاه است، اما به واسطه آنکه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی از همان ابتدا در اختیار طیفی بود که از نظر ساختارهای فکری به او نزدیک بود، توانست استادی پاره‌وقت آن دانشگاه را نیز برای خود دریافت کند؛ اما در روزهای اخیر اعلام کرد که از دانشگاه آزاد اخراج شده است و دلیل آن را هم موضع‌گیری‌های خود برخلاف مواضع نظام اعلام کرد. این استاد دانشگاه افزون بر آنکه در دانشگاه تهران تدریس می‌کند و به طور حتم حقوق دریافتی‌اش به قدر کفاف زندگی وی است، اما به این مقدار بسنده نکرده و با حضور خود در دانشگاه آزاد جای یک نفر فارغ‌التحصیل این رشته را که می‌تواند در کسوت استادی این دانشگاه باشد، اشغال کرده است و زمانی که به دلیل فوج عظیم بیکاران فارغ‌التحصیل مقاطع عالی و تصمیم برای جذب کسر ناچیزی از آنها دیگر به او اجازه فعالیت نمی‌دهند، با فرافکنی سعی دارد با سیاسی جلوه دادن موضوع به زعم خود برای مدیریت این دانشگاه هزینه ایجاد کند. نکته بسیار مهم که زیباکلام سعی می‌کند از ناآگاهی مخاطبانش استفاده کند؛ این است که یک استاد حق‌التدریس همان‌طور که از نامش پیداست، از نظر سازمانی اصلاً به استخدام دانشگاه در نمی‌آید که بخواهند او را اخراج کنند؛ از این رو این سؤال مجال طرح پیدا می‌کند که جناب صادق زیباکلام مدعی قانون و دموکراسی در این ده سالی که از مال بیت‌المال امتیاز ویژه‌ای برای خود در نظر گرفته، آیا قانونی بوده و اساساً در مقابل آن چه عمل شق‌القمری انجام داده است؟

البته چنین رفتارهای اعوجاجی از زیباکلامی که در بحبوحه زلزله کرمانشاه با سوءاستفاده از احساسات مردم توانست بیش از سه میلیارد تومان پول جمع کند، اما در اوج نیاز زلزله‌زدگان، آنها را به ساخت دهکده امید حواله داد، دور از ذهن نیست. او که در ابتدا خودش هم فکر نمی‌کرد بتواند به چنین عددی برسد، پس از دریافت این پول از ارائه آن به نهادهایی که در حال کمک به مردم حادثه‌دیده بودند، خودداری کرد. حال دو سؤال اساسی مطرح است؛ اول اینکه، برای مردمی که پس از گذشت صد و اندی روز هنوز در چادر در وضعیت نامناسب زندگی می‌کنند، ایجاد چنین دهکده‌ای چه مقدار اولویت دارد؟ دوم اینکه، سود حاصل از این مبلغ هنگفت که در حساب زیباکلام انباشته شده، چه خواهد شد؟

تنها ۲/۵ درصد متقاضیان تسهیلات می‌گیرند

محسن صالحی‌نیا، معاون وزیر صنعت در امور صنایع گفت: پنج هزار و ۶۰۰ واحد صنعتی برای دریافت تسهیلات نوسازی و بازسازی درخواست داشته‌اند که تنها ۱۴۰ واحد موفق به دریافت ۴۸۰ میلیارد تومان تسهیلات شده‌اند که نسبت به پیش‌بینی ما در ابتدای سال رقم بسیار پایینی است. وی افزود: مبلغ پنج هزار میلیارد تومان از محل مازاد درآمد هدفمندی یارانه‌ها به رونق تولید و اشتغال و اجرای طرح‌های ایجادی، توسعه‌ای و نوسازی تخصیص یافته است.

آن‌روی سکه

حذف «سین» اسراف از سفره عید

□ **محمد نوری/** براساس یک رسم دیرین که در ایران باستان رواج داشته است، ۲۵ روز پیش از عید نوروز در میدان شهر ۱۲ ستون از خشت خام بر پا می‌شد و بر ستونی گندم، بر ستونی جو و به ترتیب برنج، باقلا، کاجیله، ارزن، ذرت، لوبیا، نخود، کنجد، عدس و ماش می‌کاشتند و در ششمین روز فروردین با سرود و شادی این سبزه‌ها را می‌کندند و برای فرخندگی سال پیش رو به هر سو پخش می‌کردند.

امروزه نیز خانواده‌های ایرانی برای پاسداشت این آیین کهن ۱۰ روز یا دو هفته پیش از عید نوروز اقدام به کاشت سبزه در ظرف‌های مختلف مانند ظروف سفالی و یک‌بار مصرف برای سفره‌های هفت‌سین می‌کنند و در نهایت در روز طبیعت «سیزده به در» این سبزه‌ها را در طبیعت رها کرده یا نقش بر سنگ‌فرش خیابان‌ها می‌کنند و دور می‌ریزند.

برخی از خانواده‌ها هر ساله نزدیک ایام عید بین دو راهی عمل به تکلیف و رسوم گذشته و هدردادن این دانه‌ها و اسراف آنها مردد می‌مانند؛ ولی دست آخر هم با این توجیه که مگه سفره هفت‌سین بدون سبزه می‌شه! دست به‌کار کاشت سبزه می‌شوند و با این کار چندین تن گندم و ماش و عدس و دیگر حبوبات و غلات را دور می‌ریزند. اگر تأملی در چند نکته زیر داشته باشیم، شاید برای عید پیش رو اقدام مناسبی برای جلوگیری از اسراف صورت پذیرد؛

۱ـ بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی مسئولان وزارت جهاد کشاورزی، مصرف سالیانه نزدیک به ۲۵ میلیون خانوار ایرانی، ۱۱ میلیون تن گندم است که با احتساب این آمار اگر هر خانوار ایرانی فقط ۲۰۰ گرم گندم برای سبزه مصرف کند، پنج هزار تن گندم به هدر می‌رود.

۲ـ جهان در سال‌های اخیر با مشکل کم‌آبی مواجه است و ایران نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی که در آن قرار دارد با چنین مشکلی به صورت مضاعف مواجه بوده و کمبود آب موجب کاهش کاشت برخی محصولات کشاورزی از جمله گندم به عنوان یک محصول راهبردی در جهان می‌شود.

۳ـ بنا به دلایل متعدد، ایران در گذشته گندم وارد نمی‌کرد؛ اما در سال‌های اخیر با توجه به رشد جمعیت و کمبود منابع، محصولات مهمی مانند گندم از خارج وارد می‌شود و تولید داخلی کفاف مصرف را نمی‌کند. اسراف در مصرف غیر منطقی گندم بر حجم واردات آن اضافه می‌کند.

۴ـ بنا بر بررسی‌های صورت گرفته برای تولید و کشت یک کیلوگرم گندم هزار و ۳۰۰ لیتر آب نیاز است. در وضعیتی که کشور با خشکسالی مواجه است برای سبز کردن سبزه سفره هفت‌سین عید، چند لیتر آب هدر می‌رود؟

۵ـ برخی افراد برای کاشت سبزه از ظروف یک‌بار مصرف استفاده می‌کنند و در پایان ایام عید (سیزده به در) سبزه‌های خود را در نهرها، جوی آب یا طبیعت رها می‌کنند. باقی ماندن این ظروف تجدیدناپذیر در طبیعت، یکی از عوامل اصلی آسیب به محیط زیست است.

۶ـ نکته آخر اینکه می‌توان سبزه را داشت؛ ولی به شکل دیگر که نه در آن گندم اسراف شود، نه آب هدر رود و نه محیط زیست آلوده گردد. بیاییم با فرهنگ‌سازی در خانواده‌ها به جای کاشت این نوع سبزه‌ها (گندم، عدس، ماش و...) سبزیجات خوراکی مانند (ریحان، نعنا، پونه، شاهی و...) و حتی برخی از گیاهان دارویی را به عنوان سبزه هفت‌سین کشت و بهره‌برداری کنیم تا ضمن تأمین زیبایی سفره‌های هفت‌سین، از اسراف چندین تن از غلات و حبوبات و هدر رفت آب جلوگیری شود.

نابرابری اقتصادی و راه‌های مقابله با آن

□ **محمدابراهیم میانجی/** وقتی سخن از «نابرابری اقتصادی» در کشورها به میان می‌آید، منظور تفاوت موجود در معیارهای مختلف از نظر رفاه اقتصادی در میان مردم کشورها است. از نابرابری اقتصادی گاهی به نابرابری درآمد، نابرابری ثروت، یا شکاف ثروت نیز یاد می‌شود. به‌طور کلی اقتصاددانان در نابرابری اقتصادی روی سه عامل ثروت، درآمد و مصرف تمرکز دارند. حرکت برای ایجاد برابری در توزیع درآمد در کشور و برابری اقتصادی و درآمدی هدفی است که تمامی فعالان اقتصادی آن را دنبال می‌کنند و این هدف در کشورهای در حال توسعه که نابرابری اقتصادی در آنها بیشتر است، محسوس‌تر به نظر می‌رسد. در کشورهای در حال توسعه تلاش برای کاهش نابرابری اقتصادی می‌تواند کشور را به سمت ارتقای میزان رشد اقتصادی و توسعه زیرساخت‌های صنعتی هدایت کند و اقتصادی پویا را برای کشور به ارمغان بیاورد.

نابرابری اقتصادی، چالش جهانی

مطالعات «مجمع جهانی اقتصاد» نشان می‌دهد، در تمامی کشورهای جهان اعم از اقتصادهای صنعتی و اقتصادهای در حال توسعه فقیرترین افراد جامعه کمتر از ۱۰ درصد ثروت کشور را در اختیار دارند. این در حالی است که سهم یک‌درصد از ثروتمندترین افراد جامعه بیش از نیمی از کل ثروت جهان است که از وجود یک نابرابری اقتصادی عظیم حکایت دارد. در ایران نیز نابرابری اقتصادی و اقدام برای کاهش این نابرابری یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشور بوده است که در دولت‌های گوناگون سیاست‌های متعددی برای نشان دادن کارنامه‌ای موفق در عرصه کاهش نابرابری اقتصادی، اتخاذ و اجرایی شده است و این موضوع همواره به چالش اصلی عملکرد دولت‌ها در سال‌های گذشته تبدیل شده است.

ضریب جینی شاخص سنجش نابرابری اقتصادی

شاخص‌های عددی مختلفی برای اندازه‌گیری نابرابری اقتصادی در کشورها وجود دارد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که به طور گسترده نیز مورد استفاده کارشناسان اقتصادی قرار می‌گیرد، «ضریب جینی» است. ضریب جینی، شاخصی اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت در میان مردم است. اندازه ضریب جینی بین صفر (معرف جامعه‌ای با برابری کامل توزیع درآمد) و یک (نمایانگر نبود برابری توزیع درآمد در جامعه) تغییر می‌کند. بالا بودن این ضریب در یک کشور به منزله یک شاخص، از بالا بودن اختلاف طبقاتی و نابرابری درآمدی در این کشور در نظر گرفته می‌شود.

بررسی‌های صورت گرفته در زمینه ضریب جینی در ایران نشان می‌دهد، ضریب جینی از سال ۱۳۴۸ با نرخ ۰/۴۳ شروع شده و در سال‌های بعد روند صعودی به خود گرفته و در سال ۱۳۵۴ به رقم بی‌سابقه ۰/۵ رسیده است. این میزان شکاف طبقاتی و توزیع نابرابر درآمدی در هیچ سالی سابقه نداشته است و این سال اوج فاصله طبقاتی در ایران بوده است. در این سال دهک ثروتمند جامعه ۳۴ برابر فقرا درآمد داشته‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی هر چند نوساناتی در ضریب جینی به دلیل اتخاذ سیاست‌های خاص و مقطعی، وجود داشته است، ولی روند بلندمدت این ضریب نزولی بوده و در دهه اخیر به زیر ۰/۳۷ در سال ۹۲ کاهش یافته است.

علل روند نزولی ضریب جینی تا سال ۱۳۹۲

با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها از ابتدای زمستان سال ۱۳۸۹ قدرت خرید اقشار ضعیف و متوسط جامعه با دریافت یارانه نقدی، به طور نسبی افزایش یافت که این اقدام موجب نزولی شدن ضریب جینی و در نتیجه کاهش فاصله طبقاتی در کشور شد. این روند نزولی تا پایان سال ۱۳۹۲ ادامه داشت، اما از سال ۱۳۹۳ روند آن برعکس شد و فاصله طبقاتی دوباره افزایش یافت.

در همین زمینه و در ابتدای سال جاری سازمان ملل در گزارشی اعلام کرد، در میان ۱۴۳ کشور جهان، اوکراین با ضریب جینی ۲۴/۱ و آفریقای جنوبی با ضریب جینی ۶۳/۴، کمترین و بیشترین نابرابری درآمدی را دارند. در این گزارش ضریب جینی ایران ۳۷/۴ و شکاف درآمدی کمتر از ۷۵ کشور اعلام شده و رتبه آن در میان ۱۴۳ کشور، ۶۸ تعیین شده است. ضریب جینی ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ بیش از ۳۸/۳ بود.

چرایی تشدید نابرابری اقتصادی

علت افزایش فاصله طبقاتی را باید در سیاست‌های اقتصادی دولت مستقر جست. در این دولت، قیمت حامل‌های انرژی در چارچوب قانون هدفمندی یارانه‌ها دو بار افزایش یافت. اما مبلغ یارانه نقدی مردم، افزایش نیافت که این مسئله موجب کاهش قدرت خرید اقشار ضعیف و متوسط کشور شد. بر این اساس، می‌توان گفت در دولت اعتدال، پولدارها، پولدارتر و فقرا، فقیرتر شدند.

در اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها مقرر شده بود، پولی که دولت بابت یارانه مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و قیمت عرضه حامل‌های انرژی خرج می‌کند و عمده آن به جیب پولدارها می‌رود، به طور مساوی میان همه اقشار جامعه توزیع شود، اما متأسفانه در دولت اعتدال، این هدف اصلی هدفمندی یارانه‌ها کم‌رنگ شده و موضوع درآمدزایی برای دولت، به محور کار تبدیل شد که موجب تشدید نابرابری اقتصادی شد.

مهار تورم مؤثر در جلوگیری از افزایش ضریب جینی

اتخاذ سیاست‌های لازم برای رعایت انضباط پولی‌ـ مالی و مهار تورم می‌تواند عاملی مهم در جلوگیری از افزایش ضریب جینی باشد، به نحوی که اگر تورم مهار نشود می‌تواند این شاخص را بیش از مقدار موجود افزایش دهد. از این رو انتظار می‌رود با توجه به رویکرد دولت در اتخاذ سیاست‌های مهار نرخ تورم در آینده، این شاخص توزیع درآمد بهبود یابد. به اعتقاد کارشناسان، ضریب جینی از جمله متغیرهایی است که از تورم و رشد اقتصادی تأثیر می‌پذیرد؛ از این رو زمانی که معضل تورم به صورت اصولی حل شود و رشد پایدار اقتصادی حاصل شود، ضریب جینی نیز بهبود خواهد یافت.

راهکار مقابله با نابرابری اقتصادی

برای کاهش نابرابری اقتصادی، معمولاً کشورهای مختلف در وهله اول دلایل ایجاد نابرابری اقتصادی را شناسایی می‌کنند و در جهت برطرف کردن این عامل مخرب گام برمی‌دارند. ولی گذشته از آن، ابزارها و سیاست‌هایی وجود دارد که با به‌کارگیری آن در هر کشوری، موجبات کاهش نابرابری اقتصادی فراهم می‌شود. در گزارش مجمع جهانی اقتصاد از این سیاست‌ها تحت عنوان «سبد مداخلات اقتصادی» یاد می‌شود که امکان دسترسی یکسان مردم به خدمات و منابع مالی و اقتصادی را فراهم می‌کند، مهم‌ترین سیاست‌هایی که می‌توانند زمینه را برای از بین بردن نابرابری فراهم کند افزایش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی اقتصادی، افزایش شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی و ارتقای سطح آموزش در کشورها است که در صورت ورود مؤثر هر کشوری در این برنامه‌ها و سیاست‌ها می‌توان ادعا کرد که در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت نابرابری اقتصادی کاهش می‌یابد.

اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در کشور به کاهش نابرابری اقتصادی منجر می‌شود و روند کاهش فاصله طبقاتی را در کشور سرعت می‌بخشد، به شرطی که دست‌اندرکاران و متولیان اقتصادی کشور به اجرایی کردن این سیاست‌ها با تمام توان همت گماشته و از تمام ظرفیت‌های موجود در کشور برای تحقق این سیاست‌ها بهره‌برداری کنند.

کلید واژه

هلدینگ

هلدینگ(HOLDING) از واژه لاتین «Hold» به معنای «نگه داشتن» گرفته شده است. این مفهوم به معنای شرکتی است که مجموعه‌ای از شرکت‌ها، از نظر مدیریتی زیر نظر آن فعالیت می‌کنند. در واقع، شرکت مادر یا شرکت هلدینگ، شرکتی است که با هدف اعمال مدیریت بر شرکت‌های تابعه، اکثریت یا اقلیت سهام در یک یا چند شرکت را در اختیار می‌گیرد.

اصولاً مقصود از تأسیس هر شرکتی ارتقای ارزش صاحبان سهام است. برخی از شرکت‌ها با شناخت زنجیره ارزشی کسب‌وکارها و به تملیک درآوردن شرکت‌هایی که در زنجیره ارزشی قرار دارند، ضمن هلدینگ شدن، موجب کاهش ریسک و منجر به هم‌افزایی می‌شوند.

در شرکت‌های هلدینگ، امکان استفاده از منابع بین شرکت‌ها (منابع آزاد) و به اشتراک گذاشتن توانمندی‌ها، صرفه‌جویی در مقیاس و در عین حال قدرت انعطاف‌پذیری بالا، به ویژه در شرکت‌های هلدینگ تخصصی، مزیتی است که در شرایط برابر، شرکت‌های دیگر از آن بی‌بهره‌اند.

ستاد هلدینگ شامل فرآیندهایی، چون برنامه‌ریزی، نظارت و پشتیبانی است. شرکت‌های تابعه (واحدهای کسب‌وکار استراتژیک) همان کارخانه‌ها و واحدهایی هستند که به صورت مستقیم به تولید و ارائه محصولات و خدمات می‌پردازند و به صورت مستقیم با مشتری سروکار دارند.

در هلدینگ «شرکت مادر» شرکتی است که سهام آن شرکت در مقابل شرکت دیگر (شرکت زیرمجموعه) به اندازه کافی حق رأی داشته باشد تا مدیریت‌ها و عملیات‌ها به وسیله تأثیرگذاری یا انتخاب هیئت‌مدیره لحاظ شود. یک «شرکت مادر» شرکتی است که به طور کلی صاحب شرکت دیگری است. این شرکت شرکت «تابعه با مالکیت کامل» نامیده می‌شود. هنگامی که یک شرکت موجود، شرکت جدیدی را ایجاد می‌کند و اکثریت سهام آن را برای خودش نگه می‌دارد و از دیگر شرکت‌ها دعوت می‌کند تا اقلیت سهام را خریداری کنند، آن شرکت، یک شرکت مادر نامیده می‌شود.

پژواک

جنگ سایبری‌ـ ۶

□ **مهدی فرهادی/**

۱۱ـ جنگ سایبری می‌تواند تکمیل جنگ گرم بوده، یا خودش عامل راه‌اندازی جنگ سرد باشد؛ یعنی هم در کنار سربازان و هم پیشقراول سربازان و فرماندهان در یک جنگ می‌شود.

۱۲ـ اصلی‌ترین اولویت جنگ‌ها در سال‌های آینده فقط جنگ سایبری است و از نظر استراتژیست‌ها شاید هیچ جنگی به این اندازه اهمیت نداشته باشد.

۱۳ـ ابزار برهم‌زننده تعادل، جنگ سایبری است؛ چرا که می‌تواند با روش‌های ساده بسیاری از تعادلات اجتماعی، سیاسی و حتی نظامی را به هم بزند.

۱۴ـ اولویت تجهیز سایبری از سایر نیروها بیشتر خواهد شد، کما آنکه آمریکا به همین منظور، در سالیان اخیر یک قرارگاه سایبری تشکیل داده که «کاملاً نظامی» بوده و فرماندهی آن را یک ژنرال ارتش آمریکا برعهده دارد. قرارگاه فرماندهای سایبری آمریکا که با نام USCYBERCOM شناخته می‌شود، زیر نظر مستقیم قرارگاه فرماندهی استراتژیک آمریکا فعالیت می‌کند که در سال ۲۰۰۹ وزیر دفاع وقت آمریکا دستور تأسیس آن را صادر کرد و بلافاصله این قرارگاه تأسیس شد. افزون بر آمریکا، کشورهای دیگری چون؛ آلمان، فرانسه و حتی اتحادیه اروپا نیز قرارگاه‌های مشابهی در سالیان اخیر تأسیس کرده‌اند و مشغول انجام فعالیت‌های سایبری اعم از تأمین امنیت حوزه سایبر (پدافند سایبری)، انجام حملات سایبری به اهداف خود در سراسر جهان و همچنین مدیریت حوزه مجازی هستند.

۱۵ـ مرتبط بودن فضای اجتماعی به فضای سایبر و نظارت نداشتن دولت‌ها بر آن مسیر موفقیت در این جنگ را برای دشمنان هموار می‌کند. اکنون در ایران بیش از ۴۰ میلیون نفر در شبکه اجتماعی حضور دارند که دولت کمترین نقشی در نظارت و مهار آنها ندارد.

پایش

تلاش بی‌نتیجه

□ **سید فخرالدین موسوی/** روزنامه آلمانی «زوددویچه» در گزارشی نوشت که در جریان نشست امنیتی مونیخ که اواسط ماه جاری میلادی برگزار شد، هیچ یک از شرکت‌های تأمین سوخت حاضر نشدند به هواپیمای حامل «محمدجواد ظریف» وزیر خارجه ایران سوخت برسانند، یک روزنامه آلمانی دیگر نیز در این باره افشا کرد که این نخستین بار نیست که وزیر امور خارجه ایران در نشست امنیتی مونیخ شرکت می‌کند؛ اما حتی در دوره تحریم‌های سخت بین‌المللی علیه ایران هم هواپیمای حامل وزیر امور خارجه و همراهانش هیچ‌گاه دچار «مشکل سوخت‌رسانی» به دلیل تحریم‌ها نشد! اما آنچه در این یادداشت قصد بررسی آن را داریم؛ نه عهدشکنی‌های طرف‌های غربی در برجام که دیگر به یک امر تکراری بدل شده است و نه ضرورت رفتاری جدی‌تر از سوی مسئولان دستگاه دیپلماسی در مواجه با این تخلفات و نقض‌های مکرر است که گویا گوش شنوایی برای آن وجود ندارد؛ بلکه کانون توجه ما بررسی واکنش رسانه‌هایی است که در دوران مذاکره با آب و تاب از حل همه مشکلات کشور در پرتو انعقاد برجام سخن می‌گفتند. می‌خواهیم در بین سطور این رسانه‌ها کمی جست‌وجو کنیم و ببینیم آیا آنها که روزی نگران عزت ایران در جهان و کاهش محدودیت‌ها بودند و وعده کرامت ایرانیان و ارتقای شأن پاسپورت ایرانی را سر می‌دادند، اکنون در قبال چنین برخوردی چه واکنشی دارند؟ قصد داریم به صفحه اول رسانه‌های اصلاح‌طلب نگاهی بیندازیم و ببینیم آیا تیتری وجود دارد که نشان دهد این رسانه‌ها به رفتار غربی‌ها اعتراض دارند و خواستار برخوردی عزتمندانه با کشورهای اروپایی شده‌اند، یا خیر؟ به دنبال آن هستیم ببینیم کسانی که در سال‌های گذشته به تغییر نگرش در سیاست خارجی از آرمان‌گرایی به واقعیت‌گرایی توصیه می‌کردند، اکنون جمله‌ای درباره واقعیت جهان سیاست و چهره واقعی کشورهای اروپایی و آمریکا نوشته‌اند، یا خیر؟ آیا صادقانه به اشتباه رویکردشان اعتراف کرده‌اند، یا با سکوت از کنار ماجرا گذشته‌اند؟

تلاشی که البته بی‌نتیجه ماند؛ صفحه اول رسانه‌های اصلاح‌طلب هیچ اشاره‌ای به این ماجرا نداشتند و سرمقاله‌نویسان این جریان از کنار چنین خبری به سادگی عبور کردند. «آفتاب یزد» عکس صادق زیباکلام را بر صفحه اول خود نشاند و درباره موضوع دانشگاه آزاد نوشت، روزنامه «سازندگی» وابسته به جریان کارگزاران که به تازگی با سردبیری محمد قوچانی بر روی پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها می‌رود هم تصویری از همین فعال سیاسی اصلاح‌طلب را بر صفحه اول خود گذاشت و به دانشگاه آزاد تاخت، روزنامه «آرمان» تصویری از رسول خادم بر صفحه اول خود قرار داد و درباره استعفای او از فدراسیون کشتی نوشت، روزنامه «اعتماد» هم همین موضوع را انتخاب و عکسی از خادم را برای صفحه اول خود انتخاب کرد، روزنامه «شرق» به سراغ پرونده مرتضوی رفته بود؛ ماجرایی که در دیگر روزنامه‌های اصلاح‌طلب هم تکرار شد، در این میان این بار رسانه‌های منتقد بودند که ماجرا را دنبال کردند و نسبت به ادامه رویکرد نگاه به بیرون انتقاد کرده و هشدار دادند؛ رویکردی که برجام و وضعیت نامطلوب امروز را به بار آورده است و جریان حامی آن اکنون به دنبال تئوریزه کردن و جا انداختن ادامه این روند این بار با حذف ایالات متحده و اعتماد ویژه به سران اروپایی هستند، چنانکه «وطن امروز» در این باره نوشت: «سیاست دولت جدید آمریکا در قبال برجام و رجزخوانی‌های او برای پاره کردن این توافق هسته‌ای باعث شد در ایران دولت حسن روحانی روی ایده برجام منهای آمریکا حساب باز کند. با این حال جریان منتقد سیاست خارجی دولت روحانی بارها تصریح کرد توافق هسته‌ای منهای دولت آمریکا استمرار نخواهد داشت؛ چرا که دولت‌های اروپایی نمی‌توانند برای خود ماهیت مستقلی از برجام تعریف کنند. طی ماه‌ها و هفته‌های اخیر نیز با اعلام مواضع صریح تروئیکای اروپایی حاضر در برجام، موضع آمریکا و این کشورها برای افزایش فشار بر ایران برای گرفتن امتیازات بیشتر هسته‌ای و موشکی آشکار شد. اکنون در بعد اقتصادی نیز همراهی اروپا با آمریکا علیه ایران واضح‌تر از قبل شده است. اگر در جریان همکاری‌های بانکی، آمریکایی‌ها برخلاف تعهدات‌شان در برجام، صراحتاً بانک‌های اروپایی را از همکاری با بانک‌های ایران منع کرده بودند؛ حالا آبروریزی عدم سوخت‌رسانی هواپیمای وزیر امور خارجه ایران توسط شرکت‌های آلمانی نیز وجه دیگری از عدم استقلال همکاری‌های اقتصادی اروپا با ایران را نشان داد.» هشداری که امیدواریم جدی گرفته شود تا در سال‌های آینده دوباره شاهد اتفاق‌های تلخی همچون اتفاقی که برای آقای ظریف به عنوان نماینده ملت ایران و نماینده جمهوری اسلامی ایران رخ داد، نباشیم.

نکته‌گرام

عکس خبر

امضای تمبر یادبود یادواره شهدای تدارکات سپاه

شناسایی هویت پیکر شهید محمدعلی نقدی برادر سردار نقدی

ماهی محمدی (ماهی خانم) مادر شهیدان مفقودالاثر مسعود و ناصر سلیمانی

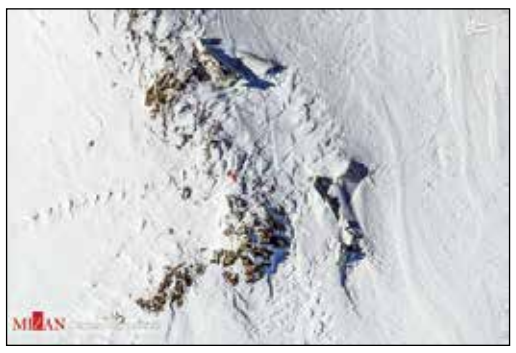
حضور امدادگران در کنار لاشه هواپیمایی که ۳ متر زیر برف مدفون است

مراسم متبرک‌سازی سلاح در آمریکا

استفاده امام جمعه تبریز از مترو برای رفتن به نماز جمعه

اینجا «محرومیت» حرف اول را می‌زند

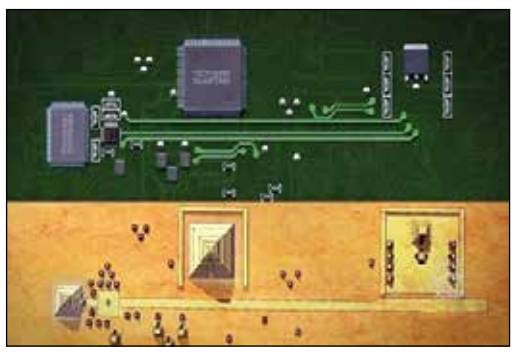
شباهت عجیب شهر باستانی تئوتیئواکان مکزیک به مادربورد کامپیوتر

تغییر نام جبهه النصره

گروه‌های تروریستی وابسته به «جبهه النصره» تحت اسم جدیدی به نام «تنظیم حراس‌الدین» با هم متحد شده‌اند. این گروه تروریستی که نام کامل آن «جبهه النصره لأهل الشام» است، در سال ۲۰۱۶ برای پاک کردن پرونده خود از جنایت‌های وحشیانه نام خود را به «جبهه فتح الشام» تغییر داد. پس از گذشت چند ماه این گروه با گروه‌های تروریستی دیگر، مانند نورالدین زنکی ائتلافی به نام هیئت «تحریر الشام» را تشکیل دادند.

پنجره

هلند و تشدید جدال اسلامی-مسیحی

□ **رضا اشرفی/** پارلمان هلند طرح نسل‌کشی ارامنه از سوی عثمانی را به رسمیت شناخت. در این طرح که کشتار یک میلیون و ۵۰۰ هزار ارمنی در دوران جنگ جهانی اول (۱۹۱۵) و در دوران امپراتوری عثمانی به بحث گذاشته شد، اکثریت پارلمان به آن رأی مثبت دادند و تأکید کردند، این مسئله و چالش، نسل‌کشی محسوب می‌شود. بر همین اساس، ترکیه با موضع‌گیری شدید نسبت به آن و احضار سفیر هلند، اعتراض شدید خود را نشان داد و آن را بدون وجاهت قانونی دانست.

تصویب این طرح از سوی پارلمان هلند زوایای بسیاری را با خود به همراه دارد که در حال حاضر می‌توان گفت، از میان همه آنها دو مسئله از اهمیت بیشتری برخوردار است که نشان‌دهنده رویکردهای کلان هلند و حتی اروپا و غرب در این باره است. ابتدا اینکه طی سال‌های گذشته به ویژه به دلیل دخالت‌های خانمان‌سوز آمریکا و اروپا در غرب آسیا، بحث مهاجران این منطقه به اروپا بسیار زیاد شده، به همین نسبت به میزان اسلام‌ستیزی در کشورهای اروپایی افزوده شده است. در این میان، هلند طی سال‌های گذشته گرایش‌های شدید و تندی را در قبال مسلمانان اتخاذ کرده است؛ به گونه‌ای که حتی مخالفت با حضور مسلمانان در هلند در بین شهروندان این کشور افزوده شده و مسلمانان مقیم در این کشور از سوی شهروندان با مشکلات شدید زیستی و روانی مواجه شده‌اند.

مسئله دیگر در این باره به رویکردهای کلان هلند، همسان با کل اروپا در قبال ترکیه برمی‌گردد. از آنجا که ترکیه در دهه‌های گذشته به طور جد علاقه‌مند بوده که وارد اتحادیه اروپا شود، برخی از طرح‌ها و رفتارها برای این مسئله است که از عضویت ترکیه جلوگیری شود تا به میزان و آمار مسلمانان در اروپا افزوده نشود. به طور کل، اروپا به هیچ وجه علاقه ندارد که یک کشور مسلمان را به اتحادیه خود بیفزاید؛ زیرا بسیاری از اروپایی‌ها در این باره حساس بوده و به هویت مسیحی خود تأکید دارند. بنابراین می‌توان گفت، این مصوبه هلند بخشی از طرح کلان اروپا است که در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

پیش از این نیز ده کشور اروپایی به چنین اقدامی دست زده‌اند؛ اگرچه تأکید کرده‌اند که آن را به قانون کشور تبدیل نخواهند کرد؛ اما به هر حال مقدمه‌چینی لازم برای تصویب آنها انجام شده است. یکی از چالشی‌ترین کشورهایی که چنین اقدامی را رقم زده است، طرح پارلمانی سال گذشته آلمان است.»

در بین کشورهای جهان نیز تاکنون ۲۵ کشور دست به چنین اقدامی زده‌اند. اگرچه ابتدا اروگوئه این مسئله را کلید زد؛ اما در گام‌های بعدی اروپا آن را جدی‌تر گرفت. تاکنون چهار کشور این نوع مصوبه پارلمان را به قانون خود تبدیل کرده‌اند؛ اما چشم‌انداز آینده نشان می‌دهد گسترده شدن تصویب این طرح‌ها، به گونه‌ای در مقابل مسلمانان انجام خواهد شد؛ زیرا سیاست‌های رسانه‌ای غرب بر این مبنا است که با روش‌های گوناگون، بدبینی نسبت به اسلام و مسلمانان را افزایش دهد. از سویی، در این طرح ترکیه به منزله یکی از نمایندگان جهان اسلام مطرح است؛ اما غرب با ابزار رسانه‌ای این قابلیت را دارد که این بدبینی و دیدگاه نسل‌کشی را به کل جهان اسلام تعمیم دهد. مهم این است که ذهن اروپایی و غربی آماده است تا بدبینی نسبت به اسلام و مسلمانان را بپذیرد و طی سال‌های گذشته غرب به شدت بر روی آن کار کرده است.

با توجه به اینکه آمارها نشان می‌دهد، به میزان و تعداد مسلمانان در اروپا و غرب افزوده خواهد شد و همین مسئله از دیدگاه غرب به تهدید تبدیل شده است، از هر زمینه‌ای برای تشدید حس بدبینی نسبت به مسلمانان استفاده خواهد شد. این مسئله برای غرب و دنیای مسیحیت به اندازه‌ای مهم است که پاپ نیز وارد بازی شده و این دیدگاه را تقویت کرده است. به گونه‌ای که سال گذشته پاپ فرانچسکو، رهبر کاتولیک‌های جهان طی سفر به ارمنستان و با حمایت از مسیحیان و ارامنه از واژه نسل‌کشی استفاده کرد. این تفکر به هر جهت بخشی از جورچین رویاروی هم قرار دادن اسلام و مسیحیت است.

فراسو

تقسیم کار میان برهم‌زنندگان امنیت غرب آسیا

□ **قاسم غفوری/** غرب آسیا همچنان کانون اصلی تحولات جهانی شناخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که آینده ساختار بین‌الملل می‌تواند براساس تحولات این منطقه شکل گیرد. آنچه در این روند قابل توجه است؛ به حرکت درآمدن چند پرونده همزمان است که با محوریت بازیگران فرامنطقه‌ای و با فرایند جدید تقسیم وظایف در حال شکل‌گیری است؛ در حالی که یک روند قابل توجه در آن مشاهده می‌شود و آن عدم بازیگرمحوری آمریکاست.

آمریکا
مدعی ناجی صلح خاورمیانه

در حوزه فلسطین بازیگر اصلی فعلاً آمریکاست، به‌گونه‌ای که این کشور از یک‌سو حمایت‌ها و اجرای خواسته‌های اشغالگرایانه صهیونیست‌ها را در ابعاد گسترده‌ای اجرا می‌کند که اعلام انتقال سفارت آمریکا به قدس نمودی از آن است. از سوی دیگر، آمریکا طرح‌های جدید سازش را نیز اجرا می‌کند که اعمال فشار بر تشکیلات خودگردان فلسطین و تحرک در کشورهای عربی برای سازش با صهیونیست‌ها محور آن را تشکیل می‌دهد. آمریکا سعی دارد پرونده فلسطین را مهم‌ترین مسئله منطقه و جهان معرفی کند و ایفای نقش خود را طرحی برای امنیت جهان نشان دهد. آنچه در هفته‌های اخیر در غزه در جریان است؛ یعنی تجاوزات گسترده ارتش صهیونیستی که ده‌ها شهید و زخمی برجای گذاشته، برگرفته از چراغ سبزها و تحرکات آمریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی است؛ چنانکه سفر دوره‌ای تیلرسون به منطقه اقدامی در این راستا بوده تا رضایت کشورهای عربی برای موضع‌گیری نکردن در برابر تجاوزات این رژیم را جلب کند. جالب توجه آنکه دو ماه از اعلام پایتختی قدس برای رژیم صهیونیستی از سوی آمریکا می‌گذرد که سکوت جهان اسلام و بی‌تفاوتی مجامع جهانی گستاخی بیشتر آمریکا را به همراه داشته است؛ چنانکه دو مقام رسمی در وزارت خارجه آمریکا اعلام کردند، «رکس تیلرسون» وزیر خارجه این کشور ترتیبات امنیتی برای انتقال رسمی سفارت آمریکا از «تل‌آویو» به «بیت‌المقدس» در اواسط ماه مه را تأیید کرده است؛ تاریخی که مصادف با هفتادمین سالروز تأسیس رژیم اشغالگر قدس (۲۴ اردیبهشت) است.

فرانسه
مدعی صلح سوریه

بعد دیگر تحولات منطقه شامل مسئله سوریه می‌شود که با بازیگری فرانسه صورت می‌گیرد. رفتارهای دولتمردان فرانسه نشان می‌دهد، این کشور سعی دارد محور اصلی تحولات سوریه باشد که البته در قالب سیاست تهدید و مذاکره صورت می‌گیرد. فرانسه از یک‌سو ادعاهای شیمیایی را علیه سوریه مطرح و از سوی دیگر طرح تحریم حامیان سوریه را عنوان می‌کند؛ در حالی که همزمان ادعای لزوم مذاکره و برنامه‌ریزی برای حل سیاسی بحران سوریه را ارائه می‌دهد.

فرانسوی‌ها که به دنبال سهمی در تحولات غرب آسیا هستند، برآنند تا معادلات سوریه را مدیریت کنند؛ چنانکه از زمان حمله ترکیه به عفرین، مذاکراتی میان مکرون و اردوغان، رؤسای‌جمهور فرانسه و ترکیه صورت گرفته و از سوی دیگر فرانسه تلاش

نکته قابل توجه آن است که در هر سه پرونده، کسانی محور آنچه راهکار سیاسی نامیده می‌شود، شده‌اند که خود نقش محوری در ایجاد بحران‌ها دارند

دارد خود را ضامن اجرایی شدن قطعنامه آتش‌بسی نشان دهد که در شورای امنیت به تصویب رسیده است.

انگلیس
مدعی راهکار سیاسی یمن

تحولات یمن بعد دیگر تحولات منطقه را تشکیل می‌دهد که محور اصلی آن با انگلیس است. انگلیسی‌ها از یک‌سو نماینده سازمان ملل در امور یمن شده‌اند و از سوی دیگر جانسون، وزیر خارجه این کشور پرونده یمن را به یکی از محورهای کاری خود مبدل کرده است. رایزنی با کشورهای عربی و البته رویکرد به جمهوری اسلامی ایران به منزله بازیگران اصلی تحولات یمن در این چارچوب صورت گرفته است. انگلیس همچنین در عمان با مقامات یمنی دیدار داشته و طرح‌هایی را مطرح کرده است.

آنچه محافل رسانه‌ای و سیاسی این روزها درباره یمن مطرح می‌کنند، اجرای طرح‌هایی برای پایان جنگ است. این مسائل در حالی مطرح می‌شود که چند نکته درباره آن قابل توجه است. نخست آنکه، رویکرد کشورهای غربی و سازمان ملل برای پایان جنگ نه برای کمک به یمن، بلکه اقدامی برای نجات عربستان از جنگی بی‌پایان است.

دوم آنکه، این روزها در حالی انگلیس به محور بازی سیاسی و میانجی در یمن مبدل شده که خود حامی و متحد سعودی در کشتار یمنی‌هاست.

سوم آنکه، نیروهای مردمی از همان ابتدای بحران یمن، راهکار پایان بحران را اعلام کردند که پایان تجاوز ائتلاف سعودی- آمریکایی به یمن، امدادرسانی پزشکی و غذایی به یمن، اجرای روند سیاسی براساس یمنی- یمنی، حمایت از مبارزه نیروهای مردمی و ارتش یمن با گروه‌های تروریستی و اقدام برای بازسازی این کشور و برگزاری انتخابات آزاد بدون دخالت خارجی برای تحقق حق مردم در تعیین سرنوشت کشورشان، محور این برنامه‌ها بوده است.

چهارم آنکه، کشورهای غربی نمی‌توانند با ادعای تروریست بودن نیروهای مردمی یمن و نیز ادعای واهی دخالت ایران در یمن، به باج‌گیری از یمن و توجیه اعمال فشار بر ایران بپردازند. آنها اگر واقعاً به دنبال حل بحران یمن هستند، باید پذیرنده خواست مردم مبنی بر لزوم حضور نیروهای مردمی در اداره سیاسی و امنیتی کشور باشند و به ادعاهای واهی خود علیه یمن و ایرانی که همواره حامی ملت یمن بوده، پایان دهند.

کلام آخر

نکته قابل توجه آنکه در هر سه پرونده، کسانی محور آنچه راهکار سیاسی نامیده می‌شود، شده‌اند که خود نقش محوری در ایجاد این بحران‌ها دارند. برای نمونه، آمریکا با طرح‌هایی مانند اعلام قدس به پایتختی رژیم صهیونیستی تحریک فلسطینی‌ها و جهان اسلام را رقم زده است. در سوریه نیز فرانسه محور تسلیح گروه‌های تروریستی به سلاح‌های شیمیایی است؛ در حالی که در ظاهر ادعای اقدام جهانی علیه سلاح شیمیایی را مطرح می‌کند.

در یمن نیز انگلیس تأمین‌کننده بمب‌های فسفری و کشتار جمعی سعودی است و به طور رسمی نیز اعلام کرده است این اقدامات برای اقتصاد این کشور ضروری است. با توجه به این حقایق می‌توان گفت، کشورهای مذکور با حضور در این پرونده‌ها سعی دارند ضمن پنهان‌سازی نقش مخرب خود در بحران‌های منطقه، روند تحولات را در مسیر خواسته‌های خود هدایت کنند.

رخنه

نفوذ آل‌سعود در جهان اسلام ـ ۶

رشد وهابیت و سلفی گری در مراکش

محمد الغراوی رئیس جمعیت تبلیغی قرآن و سنت مراکش

□ **عبدالله عبادی/** سلفیت در مراکش خود یک جریان اجتماعی، دینی و خطابی است که در ظاهر امر سعی در تغییر ارزش‌ها و تجدید اخلاق براساس ویژگی‌های جامعه دارد، اما حقیقت این جریان چیز دیگری است؛ کسب منافع دنیوی از اهداف اصلی این جریان است.

این جریان در مراکش در ابتدای کار با بی‌نظمی و بی‌برنامگی روی کار آمد، اما کم‌کم شاهد ایفای نقش‌های مشخص و برنامه‌ریزی دقیق در این جریان شدیم.

چرا مراکش؟

یکی از ویژگی‌های برجسته مراکش در جهان عرب، اخلاق‌گرایی صوفیانه در این دیار است. در نوشته‌های تاریخی و برخی کتب معاصر اشاره شده که وقتی «ایوبیان» بر مصر سیطره یافتند و فاطمیان را برانداختند، برای تثبیت پایه‌های حکومت خود و تجهیز معنوی افراد در مواجهه با تبشیری‌های مسیحی، به علمای اخلاق در مراکش متمسک شدند و لذا برخی از آنها را به سرزمین خود دعوت کرده و به نحوی ایشان را مسئول اخلاقمند کردن جامعه کردند. البته نباید از نیت‌های سیاسی و اهداف دنیوی ایوبیان غافل شد، ولی مهم این است که این صفت اخلاقی و زهد چنان در اهل مراکش ریشه‌دار بوده و به آن مشهور بوده‌اند که موضوع دعوت مصری‌ها از علمای اخلاق و پارسایان مراکشی تا امروز هم ادامه داشته است.

اخلاق مراکشی که تا حدود بسیاری ریشه در بافت اجتماعی- تاریخی این دیار و آمیختگی عقیدتی آن با مذهب «مالک‌بن‌انس» دارد؛ دارای چند ویژگی ممتاز است که با سلفی‌گری خاص آن دیار نیز عجین شده و در فضای کنونی جهان عرب، این مدل از سلفی‌گری آمیخته با اخلاق و تصوف، می‌تواند تلطیف‌کننده فضای سلفی‌گری متعصبانه در برخی کشورهای عربی باشد.

ترویج سلفیت
در مراکش زیر پرچم قرآن و سنت

سلفی‌ها که با داشتن پدرخوانده‌ای چون عربستان منبع مالی عظیمی در اختیار دارند، برای نشر عقاید خود در مراکش برنامه‌های متنوعی را تدارک می‌بینند که مهم‌ترین آن راه‌اندازی جمعیت تبلیغی قرآن و سنت نبوی در این کشور است.

پایگاه اطلاع‌رسانی fikercenter در این باره نوشته است: «این جمعیت در سال ۱۹۷۶ میلادی به ریاست «محمد الغراوی» تأسیس شد، او تا سال ۲۰۰۸ م در مدارس مختلفی که وابسته به این جمعیت بود، تدریس می‌کرد، کم‌کم این مدارس با استقبال زیاد مردم مواجه شد و حکومت برای سیطره بر آنها مجبور به ادغام آنها در مؤسسات دینی و آموزشی شد.

بعدها این مدارس با عنوان «دور القرآن»(قرآن‌سرا) شناخته شدند و در دهه ۷۰ میلادی «ابن باز»، رئیس مرکز و مفتی اعظم عربستان به صراحت اذعان کرد که قرآن‌سراهای مراکش با هدف ترویج عقاید سلفی تأسیس شده‌اند.

این مراکز به لحاظ اجتماعی، رنگ و صبغه فرقه‌ای به خود گرفته‌اند؛ به طوری که سلفی‌ها در حفظ و تضمین استقلال اجتماعی این مدارس بر اساس روابط اجتماعی حاکم در جامعه و برپایه دیدگاه دینی خود اقدام می‌کنند و در بیشتر موارد نیز به‌دلیل صدور احکامی خارج از عرف جامعه از سوی حکومت متوجه نقد و خرده‌گیری شده‌اند.»

مهم‌ترین رخدادی که می‌توان در این زمینه به آن اشاره کرد، تصریحات محمد الغراوی، رئیس جمعیت تبلیغی قرآن و سنت مراکش مبنی بر جایز دانستن ازدواج با دختران ۹ ساله بود؛ موضوعی که به‌شدت از سوی حکومت و وزارت اوقاف و امور اسلامی محکوم و به موضوعی جنجال‌برانگیز تبدیل شد، تاجایی که به دستور حکومت فعالیت جمعیت مذکور به حالت تعلیق درآمد و بسیاری از قرآن‌سراها با دخالت مأموران حکومتی در مراکش تعطیل شدند.

این در حالی است که به‌دلیل صدور احکام جاهلانه از سوی شیوخ سلفی در این مراکز به اصلاح قرآنی و باز شدن فضایی برای تأویل و تفسیر به رأی از آموزه‌های قرآن و اسلام، کم‌کم جامعه مراکش به ویژه قشر جوان این کشور به سمت تبلیغات افراد سودجویی چون گروهک‌های تندرو تروریستی جذب شده‌اند؛ استقبال و پیوستن جوانان مراکشی به گروه تروریستی داعش از مهم‌ترین پیامدهایی بوده که جمعیت تبلیغی قرآن و سنت مراکش با آموزه‌های ناصحیح خود به آن دامن زده و ضعف عملکرد مراکز قرآنی در این کشور را بیش از پیش به منصه ظهور رسانده است. چنانکه بر اساس مستندات حکومتی، بسیاری از جوانان مراکشی، خانواده‌ها و همسران خود را در شرایط بسیار بدی ترک کرده و به گروه تروریستی داعش پیوسته‌اند.

در سال ۲۰۱۶ و با گسترش دامنه فعالیت‌های الغراوی، دولت مراکش با هدف کنترل اقدامات وی اقدام به بستن تعدادی از مراکز قرآنی وابسته به وی کرد. شیخ محمد الغراوی رئیس این جمعیت با سخنرانی در میان جمعی از پیروانش خواستار بازگشایی این مراکز شد تا جلوی جنایت، مواد مخدر و گسترش تشیع گرفته شده و افکار روشنگرایانه ترویج شود!

الغراوی از کسانی که قدرت و مسئولیتی داشتند خواست تا برای بازگشایی مراکز قرآنی میانجی‌گری کنند و با نام بردن از عبدالمجید الدمناتی عضو ارشد حزب اتحاد قانونی و معاون شهردار مراکش گفت که وی نیز به مدت طولانی در این مراکز قرآنی تعلیم دیده است.

وی با بیان اینکه این جمعیت و شاخه‌های آن در کاهش جنایت و جلوگیری از گسترش تشیع نقش مهمی داشته‌اند، مدعی شد: «آمار جنایت و استعمال مواد مخدر پس از بسته شدن مراکز قرآنی بالا رفته و این مراکز تفکر روشنگرایانه را تبلیغ می‌کند و جلوی افکار ویرانگر و خطرهای امنیتی را می‌گیرد!»

این مبلّغ سلفی همچنین با یادآوری مشارکتش در همه‌پرسی قانون اساسی مراکش در سال ۲۰۱۱ گفت: «ما از نخستین کسانی بودیم که از طرح پادشاه برای قانون جدید در سراسر مغرب حمایت کردیم و با توجه به موضع سلفی‌ها نسبت به مشارکت سیاسی، شرکت آنان در همه‌پرسی غیر منتظره و با هدف برقراری ثبات در کشور صورت گرفت که آثار خوبی هم در پی داشت.»

کندوکاو

هیلی: باید مانع حمایت روسیه از ایران شد

خبرگزاری تسنیم: «نیکی هیلی» نماینده آمریکا در سازمان ملل با انتقاد از وتوی پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت علیه ایران از سوی روسیه، گفت: «باید اقداماتی علیه ایران انجام شود که روسیه نتواند متوقف کند.» هیلی پس از شکست پیش‌نویس قطعنامه ضد ایرانی پیشنهادی انگلیس در شورای امنیت در پی وتوی روسیه، با صدور بیانیه‌ای مدعی شد: «با وجود مدارک متقنی که تیم کارشناسان سازمان ملل درباره نقض تحریم تسلیحاتی یمن از سوی ایران ارائه کرده؛ اما شورای امنیت نتوانست قطعنامه‌ای علیه این کشور اتخاذ کند.» نیکی هیلی در پایان تأکید کرد: اگر روسیه به ممانعت از اقدامات شورای امنیت علیه ایران ادامه دهد، آنگاه آمریکا و شرکایش باید خود گام‌هایی را علیه تهران بردارند که مسکو نتواند مانع آن شود.

افزایش کیفیت موشک‌های ایران مایه نگرانی آمریکاست

خبرگزاری العالم: ژنرال «جوزف وتل» رئیس فرماندهی مرکزی نیروهای آمریکا در خاورمیانه می‌گوید فقط تعداد روزافزون موشک‌های بالستیک ایران، مایه نگرانی آمریکا نیست؛ بلکه این روزها، افزایش کیفیت موشک‌های ایرانی هم به فهرست نگرانی‌های واشنگتن افزوده شده است. وتل گفت: «یکی از نگرانی‌های عمده ما، گذشته از افزایش عددی، بالا رفتن کیفیت موشک‌های بالستیک ایران و صادرات آنها به دیگر مناطق خاورمیانه است.» وتل درباره پهپادهای ایرانی هم گفت: «یکی از موارد نگرانی ما، استفاده روزافزون ایرانی‌ها از پرنده‌های بدون سرنشین است که می‌توانند تهدیدی برای فعالیت‌های ما در آب‌های منطقه باشد.»

دخالت مجدد آمریکا در امور داخلی ایران

خبرگزاری فارس: دفتر نمایندگی حقوق بشر آمریکا واقع در سوئیس نسبت به سفر وزیر دادگستری ایران به این کشور برای شرکت در اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد واکنش نشان داد و در موضع‌گیری کاملاً ضد ایرانی بیانیه‌ای منتشر کرد. در بخشی از بیانیه دفتر حقوق بشر آمریکا واقع در ژنو سوئیس آمده است: «آمریکا از سفر «سیدعلیرضا آوایی» وزیر دادگستری ایران برای سخنرانی در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به ژنو متأسف است.» در بخش دیگر این بیانیه، نمایندگی آمریکا در ژنو با دخالت مستقیم در امور داخلی ایران نسبت به دستگیری اخلالگران و برهم‌زنندگان امنیت در برخی شهرها انتقاد کرده است.

آمریکا به مقابله با ایران ادامه می‌دهد

خبرگزاری ایرنا: پس از آنکه روسیه، قطعنامه ضد ایرانی پیشنهادی انگلیس برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی علیه یمن را وتو کرد، «کلی اکلز کوری» یکی از اعضای هیئت نمایندگان آمریکا در سازمان ملل تصریح کرد، واشنگتن به مقابله با ایران ادامه می‌دهد. این نماینده آمریکا در سازمان ملل تصریح کرد که واشنگتن همچنان به جهان درباره اقدامات ایران می‌گوید تا اینکه تهران اقدامات مضر خود را متوقف کند. کوری تأکید کرد: «ما تا زمانی که ایران متوقف نشود، متوقف نخواهیم شد.»

ایران تهدیدی علیه تل‌آویو است

خبرگزاری فارس: لیندسی گراهام، سناتور تندروی آمریکایی ضمن اذعان به توان موشکی حزب‌الله، خواهان اتخاذ رویکردی شبیه به سیاست‌های واشنگتن در برهه بحران کوبا در دهه ۶۰ میلادی در قبال ایران شد. لیندسی گراهام، سناتور ایالت کارولینای جنوبی که به همراه هیئتی متشکل از سناتورهای جمهوریخواه و دموکرات به سرزمین‌های اشغالی سفر کرده بود، پس از دیدار با «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، گفت: «آمریکا نه تنها حزب‌الله لبنان، بلکه باید ایران را مسئول حملات موشکی به اسرائیل از جنوب لبنان برشمرد.»

هویت

آمریکا: تشدید بازداشت مهاجران بدون سوابق جنایی

نقض حقوق مهاجران و پناه‌جویان در آمریکا هر روز ابعاد جدیدتری به خود می‌گیرد، چنانکه افزایش ۴۳ درصدی بازداشت‌ها از سوی اداره مهاجرت آمریکا مطابق با رویکردی است که دولت آمریکا از زمان روی کار آمدن ترامپ در پیش گرفته است. تعداد افراد بدون هیچ‌گونه سابقه جنایی که به دست مأموران این سازمان دستگیر شده‌اند، افزایش یافته است؛ موضوعی که نشان‌دهنده پافشاری دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در اجرای طرح‌های مهاجرتی وی است. برای نمونه دستگیری مجرمان با ۱۴ درصد افزایش به ۲۵ هزار و ۶۲۶ مورد رسید، در حالی که دستگیری افراد بدون سابقه جنایی به افزایش سه برابری از ۴ هزار و ۹۱۸ نفر به ۱۳ هزار و ۵۴۸ نفر رسیده است. نهادهای حقوق بشر این روند را اقدامی خطرناک می‌دانند که نقض گسترده حقوق مهاجران و پناه‌جویان را به همراه دارد.

سازمان ملل: اتهام به نهادها در زمینه سوءاستفاده جنسی

سازمان ملل متحد اعلام کرد طی سه ماه آخر سال ۲۰۱۷، ۴۰ مورد اتهام در زمینه سوءاستفاده جنسی و بدرفتاری علیه نهادهای مختلف این سازمان مطرح شده است. سازمان ملل متحد اعلام کرد طی سه ماه آخر سال ۲۰۱۷ میلادی، ۴۰ مورد اتهام در زمینه سوءاستفاده جنسی و بدرفتاری علیه نهادها، صندوق‌ها، مأموریت‌های صلح‌بانی و برنامه‌های این سازمان اطلاع داده شده است. «استفان دوژاریک» سخنگوی سازمان ملل متحد گفت از این ۴۰ اتهام، ۱۵ مورد از عملیات صلح‌بانی، ۱۷ مورد از نهادهای سازمان ملل متحد، صندوق‌ها و برنامه‌ها و ۸ مورد از شرکای اجرایی گزارش شده است. سخنگوی سازمان ملل افزود: این ۴۰ اتهام ۵۴ قربانی ـ ۳۰ زن و ۱۶ دختر ـ را در بر می‌گیرد و این در حالی است که سن هشت نفر دیگر مشخص نیست.

آمریکا: افزایش تبعیض نژادی در نظام آموزشی

«واحد حقوق مدنی» وزارت آموزش آمریکا شاهد رشد چشمگیر در تعداد شکایات مربوط به آزار و اذیت نژادی در مدارس این کشور در سال ۲۰۱۷ بوده است. این افزایش تعداد شکایت در بالاترین سطح از نوع خود از سال ۲۰۰۹ تاکنون بوده است. تعداد شکایات مربوط به تبعیض و آزار و اذیت نژادی که واحد حقوق مدنی وزارت آموزش دریافت می‌کند، طی ۹ سال گذشته شاهد فراز و نشیب بوده است. این واحد تا سال مالی ۲۰۱۷، بیش از ۶۰۰ شکایت دریافت نکرد، ولی در سال ۲۰۱۷ نزدیک به ۶۷۵ مورد شکایت دریافت کرد که شاهد رشد نزدیک به ۲۵ درصد در مقایسه با سال قبل بود. «دفتر حقوق مدنی» (اوسی‌آر) بر اساس قوانین فدرال به این شکایت‌ها رسیدگی می‌کند. این تبعیض بیشتر در قبال اقلیت‌های دینی و نژادی به ویژه مسلمانان و سیاه‌پوستان اعمال شده است.

میانمار: فرار تنها راهکار پیش روی مسلمانان

سرکوب مسلمانان روهینگیا در میانمار همچنان ادامه دارد. در شش ماه گذشته ۷۰۰ هزار نفر از مسلمانان روهینگیا با عبور از مرز بنگلادش به این کشور گریخته‌اند. مسلمانان روهینگیا با به خطر انداختن جان‌شان از مرزی که دو کشور میانمار و بنگلادش را از یکدیگر جدا می‌کند، عبور کرده‌اند. اغلب آوارگان از اقلیت مسلمانان در میانمار هستند که وارد نزدیک‌ترین شهر مرزی در خاک بنگلادش شده‌اند. این آوارگان در خاک میانمار متحمل بدترین اتفاقات از جمله تجاوز، غارت و قتل‌عام شده و از خشونت‌ها در کشورشان فرار کرده‌اند. گفتنی است، فرار مسلمانان روهینگیا از استان راخین در میانمار از شش ماه پیش آغاز شده است. سازمان ملل از بدرفتاری با مسلمانان روهینگیا به عنوان پاکسازی نژادی یاد کرده است. هم‌اکنون صدها هزار روهینگیایی در فقر و بدبختی تمام در اردوگاه‌های پناه‌جویان در بنگلادش مستقر شده‌اند.

رمز ماندگاری انقلاب اسلامی

سردار غلامحسین غیب‌پرور، رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: بدون شک رمز حیات انقلاب اسلامی ایستادگی در مقابل دشمن است، آن روز که مقابل دشمن بلرزیم، بترسیم یا تردید به دل راه دهیم، آن روز، روزی است که لباس جهاد کبیر را از تن درآورده‌ایم. امام و شهدا و رهبری به شایستگی لباس جهاد کبیر را پوشیدند؛ دشمن نمی‌خواهد انقلاب اسلامی باقی باشد و تنها راه شکست دشمن توجه و روی‌آوری به جهاد کبیر است.

نگاه

چالش‌های تحقق عدالت

□ **مصطفی قربانی/** عدالت یک ارزش مهم و تحقق آن از جمله اهداف انقلاب اسلامی است. اهمیت این موضوع به حدی است که امام(ره) حتی در آن وصیت‌نامه سیاسی‌ـ الهی‌شان به این مهم، به ویژه رسیدگی به وضع محرومان و مستضعفان توجه و تأکید جدی داشتند. افزون بر این، یک وجه مهم تفاوت میان الگوی توسعه مدنظر امام راحل و گفتمان انقلاب اسلامی با دیگر الگوهای توسعه، دقت و توجه الگوی توسعه مدنظر گفتمان انقلاب اسلامی به موضوع تحقق عدالت اجتماعی، کاهش فاصله میان غنی و فقیر، مبارزه با شکاف طبقاتی و... است. با وجود این، همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب به تازگی اشاره کردند، در همه زمینه‌ها پیشرفت صورت گرفته، اما در زمینه عدالت چندان پیشرفتی صورت نگرفته است. با این حال، به نظر می‌رسد منظور معظم‌له این نیست که نظام اسلامی نظامی ناعادلانه است و تاکنون نسبت به مسئله عدالت و تحقق آن بی‌توجهی صورت گرفته است، بلکه منظور این است که از نظر دستیابی به افق‌های تحقق عدالت وضعیت مطلوب نیست؛ یعنی ما از این نظر با شاخصه‌های عدالت اسلامی فاصله داریم، اگرچه به طور قطع اقدامات زیادی هم در این زمینه صورت گرفته است. با وجود این، سؤال این است که چالش‌های تحقق عدالت در کشور در چهار دهه اخیر چیست؟ در پاسخ می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

۱ـ تحقق عدالت، آن‌گونه که در منابع اسلامی از آن بحث شده و در حکومت امیرالمؤمنین(ع) اجرایی شده است، بسیار دشوار است. به عبارتی، با وجود آثار و برکات تحقق عدالت در جامعه، به سبب دشوار بودن و دقیق بودن این امر، معمولاً کسی خود را با آن درگیر نمی‌کند. از این رو، به نظر می‌رسد مهم‌ترین چالش در تحقق نیافتن عدالت، تبدیل نشدن آن به مطالبه عمومی است. درواقع، در شرایطی که هر کس صرفاً به تأمین منافع خود می‌اندیشد و نسبت به سرنوشت کشور و وضعیت دیگر هم‌نوعان و هم‌کیشان خود توجهی ندارد، بحث از عدالت و دغدغه تحقق آن چندان نمی‌تواند مطرح شود. به عبارتی، در این شرایط، هیچ‌گاه عدالت به خواسته و مطالبه عمومی تبدیل نمی‌شود و طبیعی است که کسی به دلیل بی‌توجهی به مسئله عدالت، مورد بازخواست قرار نخواهد گرفت.

۲ـ عدالت ملکه‌ای نفسانی است و انتظار تحقق عدالت تنها در صورتی به بار خواهد نشست که این ملکه در نفس و روح کارگزاران، مدیران و حتی عموم مردم، جایگاه متناسب با اهمیتش را پیدا کرده باشد. به عبارتی، به سبب دقیق و دشوار بودن تحقق عدالت، تحقق آن به کارگزاران و مدیرانی نیاز دارد که ابتدا در درون و در ذات خود عدالت را ملکه کرده باشند. متأسفانه، این ملکه در میان مدیران و کارگزاران نظام عمومیت و شمول ندارد.

۳ـ در مدیریت کلان، به ویژه در طراحی الگوهای توسعه نیز در مقاطعی به این موضوع بی‌توجهی شده است. در الگوهای توسعه‌ای که در برهه پس از جنگ تحمیلی و در ادامه، در کشور طراحی و اجرا شده است، توجه به تحقق عدالت یا جایگاهی نداشته یا مسئله‌ای ثانویه و دست‌چندمی بوده است. بنابراین، با وجود پیشرفت‌هایی که در حوزه‌های گوناگون صورت گرفته، به همان میزان در زمینه عدالت پیشرفت صورت نگرفته است.

۴ـ سیاسی‌کاری و تقدم منافع حزبی و گروهی بر منافع کلان ملی و خدمت‌رسانی به مردم نیز چالشی اساسی در تحقق عدالت بوده است؛ زیرا با حاکمیت این نوع نگاه، چه بسا مدیر و کارگزاری توانمند و خدمتگزار جای خود را به مدیری نالایق و ناکارآمد داده و نه تنها در پیشبرد عدالت کوششی نکرده است؛ بلکه حتی در انجام وظایف معمولی و عادی خود نیز توفیقی نداشته است.

۵ـ عدالت اسلامی به لحاظ نظری هنوز در مرحله انتزاعی قرار دارد و برای آن شاخص‌سازی قوی و متقن صورت نگرفته است. بنابراین، با وجود بحث از عدالت، بیان ما به ازای بیرونی برای آن یا الزامات تحققش اندکی دشوار به نظر می‌رسد؛ اما اندیشمندان ما در حوزه و دانشگاه باید بسترها و لوازم فهم و عملیاتی‌سازی آن را فراهم کرده، طعم شیرین اجرای عدالت اسلامی را به مردم بچشانند.

پرتو

ترجیح بهارستان بر پاستور؟!

□ **عزیز غضنفری/** افراد و نیروهای مؤثر جریان اصولگرایی پس از آنکه چند انتخابات اخیر را با ناکامی پشت سر گذاشتند، در حال ارزیابی وضع عمومی خود هستند و می‌کوشند خود را در سه بخش تشکیلاتی، گفتمانی و روشی بازسازی کنند. درباره ضرورت‌های گفتمانی و تشکیلاتی اصولگرایان در یادداشت‌های پیشین مباحثی به اجمال طرح شد. در این نوشته به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که اصولگرایان کدام روش و مسیر را برای بازگشت به ساخت قدرت سیاسی در دستور کار قرار خواهند داد؟ به عبارتی واضح‌تر، مسیر بازگشت به قدرت از کدام انتخابات می‌گذرد؟ عناصر یک مجموعه سیاسی که در چندین آوردگاه سیاسی به طور متوالی ناکامی را تجربه کرده‌اند، رویکرد مناسب برای آزمودن مجدد خود را در کدام کارزار انتخاباتی می‌بینند؟

این روزها درباره چگونگی ورود اصولگرایان و بازیگران آن به انتخابات‌های آینده بحث‌های متنوعی آغاز شده است؛ عمده اظهارات معطوف به این نکته است که برای رفتن به سمت بازکردن درهای پیروزی در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری، باید با دست پر از انتخابات پیش روی مجلس عبور کرد. رئوفیان، از شخصیت‌های اصولگرا گفته است که به یقین رئیسی با نگاه به انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ برای انتخابات مجلس یازدهم لیست می‌بندد تا زمینه جذب آرای بیشتر به منظور حضورشان در انتخابات ۱۴۰۰ فراهم شود. رئوفیان عضو جبهه خط امام و رهبری با اظهار اینکه وجود لیست‌های متعدد در انتخابات مجلس موجب نشاط انتخاباتی می‌شود و نشاط انتخاباتی یک ضرورت است، تأکید کرد؛ قطعاً رئیسی به عرصه انتخابات مجلس ورود خواهد کرد؛ البته نه به‌عنوان نامزد چون ایشان به احتمال زیاد برای انتخابات ریاست‌جمهوری آینده بار دیگر نامزد خواهد شد. البته همین مسئله با واکنش یک سایت اصلاح‌طلب هم مواجه شده است؛ سایت «نامه» در این زمینه در مطلبی نوشته است که آینده سیاسی رقیب مشهدی روحانی فقط در انتخابات ۱۴۰۰ خلاصه نشده است، این روزها نام رئیسی پیوندی جالب‌تر با یک انتخابات دیگر خورده است؛ انتخابات مجلس ۹۸!

اما اینک که احتمال دارد اصولگرایان درباره نحوه بازگشت به بخش اجرایی و تقنینی کشور، به این صرافت بیفتند که کار را از انتخابات مجلس آغاز کنند، توجه به دو نکته ضروری است: ۱ـ آن گونه که گفته می‌شود اصولگرایان برای بازگشت به قدرت احتمالاً بر روی انتخابات مجلس شورای اسلامی تمرکز خواهند کرد. برای این ادعا دلایلی نیز اقامه می‌شود؛ برای نمونه عنوان می‌شود که چون انتخابات مجلس در ایران به استثنای برخی کلان‌شهرها، دارای ساخت و ماهیت قومی و طایفه‌ای است، از این‌رو این بستر، کمک می‌کند تا نظام معنایی و معرفتی اصولگرایان که فعلاً نسبت نزدیک و همذات‌پنداری با بخش‌های اجتماعی‌تر کشور ندارد، دامنه کنش و اثرگذاری آنها در بخش‌های غیر سیاسی افزایش یابد. دقیقاً نقطه آسیب و سخن اصلی همین جاست. این موضوع نشانه نقطه ضعف مهم و راهبردی این جریان است. اصولگرایان نتوانسته‌اند و حالا هم در فکر نیستند مسائل و چالش‌های سیاسی و اجتماعی خود با گروه‌هایی از مردم را در حوزه موضوعات و انگاره‌های فرهنگی و سیاسی حل‌وفصل کنند، یا اینکه به حداقل برسانند که اگر جز این بود بر روی آرای قومی و طایفه‌ای حساب ویژه باز نمی‌کردند و این اندازه از آرای سیاسی و اجتماعی واهمه نداشتند.

۲ـ درست است که نارضایتی از عملکرد اقتصادی دولت آشکار شده، اما معنایش این نیست که این عاملی برای رأی دادن به اصولگرایان باشد. کما اینکه همین وضع به طور عینی در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر رخ داد، اما مردم با همه مشکلات اقتصادی و معیشتی که داشتند و به طور طبیعی، مسئول چنین اوضاعی را نیز در وهله اول دولت می‌دانستند، با وجود این به نامزد رقیب دولت رأی ندادند. معنای دیگر این سخن آن است که بخش‌هایی از مردم خواسته‌ها و مطالبات غیراقتصادی نیز دارند و این تمایلات تا شهرهای کوچک و حتی روستاها نیز توسعه پیدا کرده، که گروه سیاسی دولت با طراحی برخی دوقطبی‌ها و غیریت‌سازی‌های سیاسی توانسته است در حوزه ذهن و ادراک عمومی بر رقیب تفوق یابد.

صبح صادق راهبردهای جدید دشمنی با جمهوری اسلامی ایران و راه‌های خنثی‌سازی آن را بررسی می‌کند

امید و اراده پولادین در برابر سونامی ناامیدی

□ **محمد صرفی/** واژه Dismantle در زبان انگلیسی یعنی چیزی را دچار فروپاشی کردن و قطعه‌قطعه کردن یک ماشین یا ساختار به نحوی که دیگر کارایی نداشته باشد. معادل دقیق این واژه را در زبان فارسی می‌توان «اوراق کردن» دانست. فرهنگ فارسی معین، «اوراق کردن» را چنین معنا می‌کند؛ ۱ـ ورق ورق کردن، اجزای چیزی را از هم جدا کردن؛ ۲ـ با ضربه از پای درآوردن، ناقص کردن؛ ۳ـ روحاً و جسماً ذلیل و ناتوان کردن.

چنانچه بخواهیم ماهیت و جوهره استراتژی آمریکا و دار و دسته‌اش بر ضد جمهوری اسلامی ایران را در یک کلمه خلاصه کنیم، به نظر می‌رسد مناسب‌ترین و گویاترین عبارت همین واژه مذکور باشد. این رویکرد را می‌توان «استراتژی اوراق کردن» (Dismantling Strategy) نامید. این استراتژی ابعاد و اضلاع گوناگونی دارد و طیف متنوعی از اقدامات و برنامه‌ها و اهداف (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) را شامل می‌شود که از منظری می‌توان آنها را به دو دسته «نرم» و «نیمه‌سخت» تقسیم کرد. هدف نهایی این برنامه‌های ترکیبی و مکمل یکدیگر، براندازی یا به اصطلاح آمریکایی‌ها (Regime Change) است. آنها پس از چهار دهه آزمون و شکست در برابر جمهوری اسلامی ایران، به درستی دریافته‌اند، براندازی جمهوری اسلامی ایران با روش‌های سخت و خارج از مرزهای ایران امکان‌پذیر نیست؛ بلکه باید «براندازی از درون» (Regime Change From Within) را دنبال کنند.

شواهد و قرائن و اسناد در این باره کم نیستند. آمریکایی‌ها به دلایل مختلف از بیان آشکار هدف خود نیز ابایی ندارند. ۲۵ خرداد سال جاری رکس تیلرسون، وزیرخارجه آمریکا که در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان صحبت می‌کرد، گفت: «سیاست ما در قبال ایران هنوز در حال تکمیل است. هنوز آن را به رئیس‌جمهور تقدیم نکرده‌ایم. ولی بگویم که قطعاً ما متوجه ادامه حضور تنش‌زای ایران در منطقه هستیم. سیاست ما در قبال ایران این است که هژمونی و استیلای ایران را عقب برانیم، توانایی آنها در تولید تسلیحات اتمی را مهار کنیم و از عناصری در داخل ایران حمایت کنیم که منجر به انتقال مسالمت‌آمیز حکومت می‌شود و البته همان‌طور که می‌دانیم، آن عناصر حضور دارند.»

مایکل لدین که مواضع ضدایرانی وی در آمریکا مشهور است، اواخر بهمن ماه سال گذشته در مقاله‌ای که وال استریت ژورنال[1] آن را منتشر کرد، درباره چرایی و هدف نهایی این پروژه چنین می‌نویسد: «بهترین استراتژی برای آمریکا (علیه ایران) چیست؟ ایران به مبارزه خود علیه آمریکا ادامه می‌دهد و تا زمانی که رژیم دوام بیاورد، این مبارزه پایان نمی‌یابد. بنابراین سیاست آمریکا باید فروپاشی رژیم (آیت‌الله) خامنه‌ای تا جایی که ممکن است به صورت صلح‌آمیز و از درون باشد.»

اگر بخواهیم دو برنامه شاخص و کلیدی «استراتژی اوراق کردن» را بررسی و تحلیل کنیم، می‌توانیم از «بی‌ثبات‌سازی» به عنوان برنامه‌ای نیمه‌سخت و «ناامیدسازی» به عنوان برنامه‌ای نرم نام ببریم.

یک سند راهبردی و عملیاتی

۲۷ بهمن ۹۵ کنگره آمریکا از برخی صاحب‌نظران سیاسی‌ـ امنیتی در حوزه ایران، دعوت کرد تا با حضور در جلسه استماعی با عنوان «ایران تحت‌نظر»، نظرات و پیشنهادهای خود درباره نحوه مواجهه آمریکا با جمهوری اسلامی ایران را مطرح کنند. این جلسه زمانی برگزار شد که مدت کوتاهی از روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ می‌گذشت و کاخ سفید در حال تدوین راهبرد خود علیه ایران بود.

یکی از کسانی که نظرات خود را در قالب یک طرح عملیاتی به این جلسه[2] ارائه داد، «اسکات مودل» بود. مودل سال‌ها در بخش عملیات ویژه سازمان سیا فعالیت داشته و خاورمیانه‌ـ به‌خصوص افغانستان‌ـ یکی از اصلی‌ترین محل‌های مأموریت وی بوده است. وی به سه زبان فارسی، پرتغالی و اسپانیایی مسلط است و در یک طرح هفت‌بندی[3] به نکاتی می‌پردازد که رخدادهای ماه‌های اخیر، نشان می‌دهد این سند به طور جدی در حال پیگیری و عملیاتی شدن است. نکته کلیدی و بسیار مهم این طرح آن است که طراح آن در همان ابتدا اعتراف می‌کند ایران در شرایط انقلاب و تغییرات عمیق نیست و آمریکا باید با تمرکز بر «مردم»، اهداف خود را دنبال کند.

مقایسه و تطبیق پیشنهادهای مودل با برخی روندها و وقایع رخ داده چند ماه اخیر نتایج جالبی به همراه دارد. برخی از نکات پیشنهادی این سند کلیدی با عنوان «ایران تحت‌نظر: آینده سیاست آمریکا در قبال ایران» به قرار زیر است:

۱ـ صدای آمریکا و رادیو اروپای آزاد باید سکویی برای تشریح سیاست‌های آمریکا باشند؛ از اختلافات و مناقشات درون رژیم بهره‌برداری کنند، اصلاح‌طلبان را تقویت کنند، خواستار انتخابات آزاد و منصفانه شوند، حمایت بین‌المللی از ایران را تضعیف کنند و ارتباطات ایران با بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای را برجسته سازند.

۲ـ رسانه‌های فارسی‌زبان باید توجهات را به سمت تظاهرات سوق دهند؛ از تظاهرات کارگران کارخانه‌ها و گروه‌های نژادی گرفته تا فعالان

دو برنامه شاخص و کلیدی «استراتژی اوراق کردن» عبارت است از؛ «بی‌ثبات‌سازی» به عنوان برنامه‌ای نیمه‌سخت و «ناامیدسازی» به عنوان برنامه‌ای نرم؛ دشمن برای هدف قرار دادن قلب و مغز مردم، برنامه‌های متنوع و متعددی در دستور کار خود دارد که نقطه ثقل آنها را باید تلاش برای ناامیدسازی دانست. امید به آینده زمینه و بستر حرکت و تلاش است

مدافع حقوق زنان و معلمانی که دچار فقر هستند. هرچند این تظاهرات به صورت محلی(نه در سطح ملی) و گذرا برگزار می‌شوند، اما ما باید کمک کنیم تا این «خوشه‌های نارضایتی ازهم‌گسسته» به هم پیوند بخورند و به رفتار قوی‌تر ضد رژیمی منجر شوند.

۳ـ رسانه‌ها باید گزارش‌های خود درباره فساد را بیشتر کنند.

۴ـ افزون بر برجسته کردن ارتباط با تروریسم و فساد، تلاش‌های تحت امر آمریکا باید روی استفاده از خشم و نفرتی معطوف شود که هنوز دست‌نخورده باقی مانده است. همچنین باید این تلاش‌ها روی تمایل به ابراز نظرات مخالف رژیم معطوف شود.

۵ـ جنبش زنان در ایران بیشتر در زمینه تلاش برای به دست آوردن حقوقی است که زمانی از آنها برخوردار بودند. در جمهوری اسلامی ایران هیچ گروه اجتماعی مثل زنان دچار خسران نشده است و هیچ موضوعی مثل حقوق زنان و برابری جنسیتی، نمی‌تواند سبب تجمع انرژی پنهان در جامعه شود.

۶ـ راه‌اندازی کمپین رسانه‌ای و تبلیغاتی با موضوع بحران‌های اجتماعی. اقدامات نادرست رژیم موجب بحران‌هایی در زمینه‌هایی چون بهداشت و رفاه شده است که هر یک از آنها جنبش‌هایی کوچک اما سازمان‌یافته را به همراه داشته است.

۷ـ تعداد افرادی که از درون ایران برای آمریکا اطلاعات ارزشمند جمع‌آوری می‌کنند باید افزایش چشمگیر یابد تا این‌گونه تعداد کسانی که پتانسیل انفکاک و جدایی را دارند بیشتر شود و موجب تحریک فرار مغزهای دانشمندان ایران و تکنوکرات‌های ارشد از آژانس‌های دولتی ایران شوند که روی نیروگاه‌ها و پایگاه‌های حساس هسته‌ای و نظامی متعارف ایران نظارت دارند، روی سیاست‌های راهبردی ایران در بخش تحقیق و توسعه نظارت دارند و مشغول تهیه و تدارکات غیرقانونی برای ایران هستند.

۸ـ باید همتایان اروپایی خود را ترغیب کنیم که کارهای مشابهی (برای جذب جاسوس) انجام دهند.

۹ـ افشای مقیاس فساد ایران و نقض‌های حقوق بشری ایران با افزودن افراد ایرانی به فهرست «مگ نیتسکی» یا ایجاد یک فهرست خاص برای ایران. روحانی نیز مرتباً از فساد به مثابه یکی از بزرگ‌ترین ناکامی‌های انقلاب اسلامی نام می‌برد. کنگره باید قانونی را تصویب کند که در آن از دولت بخواهد تا گزارش‌های فصلی درباره فساد دولت ایران و نقض حقوق بشری آن منتشر کند. گزارش افشایی، در داخل ایران موجب سلب مشروعیت بیشتر از طبقه حاکم بر ایران می‌شود و نخبگان دموکراتیک و اصلاح‌طلب در ایران را توانمند می‌کند، خوراک رسانه‌های انگلیسی و فارسی‌زبان می‌شود و تأکیدی بر حمایت آمریکا از اکثریت ساکت ایرانی‌هایی است که به صورت فزاینده احساس جدایی از انقلاب اسلامی می‌کنند.

۱۰ـ نجف که قائل به جدایی دین از سیاست و رقیب اصلی ایران برای رهبری در جهان شیعه است باید تقویت شود. ما باید هم‌پیمانان عرب را ترغیب کنیم که از نجف به عنوان تفکر سنتی تحمل‌پذیرتر و آرام‌تر حمایت کنند، این کار باید شامل ترویج برجسته‌ترین و محترم‌ترین شخصیت‌ها چون آیت‌الله شیرازی و دیگران در مقابل رهبر ایران باشد و در عراق کسانی ترویج شوند که حامی اسلام شیعی تحمل‌پذیرتر، با ستیزه‌جویی کمتر و سیاسی‌گری کمتر هستند.

از بی‌ثبات‌سازی تا تجزیه

اگرچه بیشتر پیشنهادهای مودل را می‌توان در بخش برنامه‌های نرم تقسیم‌بندی کرد؛ اما این برنامه‌های نرم در صورت موفقیت، زمینه را برای گام بعدی، یعنی بی‌ثبات‌سازی و اقدامات نیمه‌سخت فراهم می‌کند. آشوب‌های دی ماه سال جاری و غائله دراویش خیابان پاسداران را می‌توان نمونه‌هایی از این اقدامات نیمه‌سخت دانست. گسترش چنین غائله‌ها و آشوب‌هایی می‌تواند زمینه را برای گام بزرگ بعدی، یعنی تجزیه ایران فراهم کند. موضوعی که به تازگی پایگاه تحلیلی‌ـ آمریکایی «لوبلاگ» در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌کن کردن نظام دولتی خاورمیانه»[4] به آن اشاره کرده و می‌نویسد: «بسیاری از کشورهای خاورمیانه پس از پایان جنگ جهانی دوم در جای خود مستقر شدند؛ ولی در دو دهه گذشته، بسیاری از ساختارهای موجود در خاورمیانه دچار فروپاشی شده است.»

نویسنده در ادامه به وضعیت نابسامان و بحرانی کشورهایی، همچون سوریه، لیبی، عراق و افغانستان اشاره می‌کند و از نقش مخرب استعمارگران گذشته‌ـ به ویژه انگلیس و فرانسه‌ـ در نابسامانی و درگیری‌های خونین و داخلی امروز آنها می‌گوید و تأکید می‌کند: «ایده‌ها و استراتژی‌های مشابهی در مورد ایران نیز مطرح می‌شود. این ایده که ایران بزرگ‌تر از آن است که غرب با آن راحت باشد، سابقه‌ای طولانی دارد و حتی به دورانی باز می‌گردد که ایران متحد غرب بود. یک راه مقابله با این وضعیت، همواره تبلیغ این ادعا بود که ایران یک دولت‌ـ ملت نیست؛ بلکه یک امپراتوری است که از گروه‌های نژادی مختلفی تشکیل شده است. با چنین استدلالی، هیچ اشکالی وجود نخواهد داشت که برای تجزیه این کشور تلاش شود. استفاده از عنوان «پرشیا» به جای ایران بخشی از

در حالی که دشمن با یأس‌پراکنی و ایجاد مسئله، تنش و آشوب در کشور به دنبال مستهلک کردن روح و روان جامعه و کارایی جمهوری اسلامی است، راه مقابله در اولین گام انسجام هرچه بیشتر درونی کشور و جامعه و مقابله با سونامی سهمگین ناامیدی است. مقابله با ناامیدی به معنای نادیده گرفتن زخم‌ها و ضعف‌ها نیست؛ بلکه نشان دادن چندین برابر نقاط قوت و روشنی است

همین استراتژی است.

تاکنون غرب و به ویژه آمریکا و البته دیگر مخالفان ایران، این راهبرد را از طریق ابزارهای غیرمستقیم برای تحریک جدایی‌طلبان در ایران پی‌گیری کرده‌اند. حتی پس از برجام و تعهد به برداشته شدن تحریم‌های ایران، آنها به تضعیف اقتصاد ایران از طریق تحریم و دیگر فشارها ادامه داده‌اند. به لحاظ نظری، هدف این است که افزایش نارضایتی عمومی از وضع کشور، سبب تشدید فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه شود. برخی از رقبای منطقه‌ای ایران در مواردی آشکارا از این سیاست حمایت کرده‌اند. برای نمونه، محمدبن‌سلمان، ولی‌عهد سعودی آشکارا گفته است درگیری را به درون ایران خواهد کشاند.»

قلب استراتژی دشمن

فتنه ۸۸ که کشور را تا لبه پرتگاه برد، چگونه و به دست چه کسی خنثی و بی‌اثر شد؟ اغتشاشات دی ماه سال جاری چطور؟ پاسخ واضح است؛ مردم زیر پرچم ولایت. پس راه موفقیت برای دشمن چیست؟ تأثیر بر مردم و متفرق کردن آنان و جدایی انداختن میان آنان و رهبری به منزله ستون خیمه جمهوری اسلامی ایران. مفهومی عمیق که در بیانات حضرت امام خمینی(ره) این‌گونه متجلی شد: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به این مملکت آسیبی نرسد.»

دشمن برای هدف قرار دادن قلب و مغز مردم، برنامه‌های متنوع و متعددی در دستور کار خود دارد که نقطه ثقل آنها را باید تلاش برای ناامیدسازی دانست. امید به آینده زمینه و بستر حرکت و تلاش است. در سخت‌ترین شرایط و بزرگ‌ترین مشکلات چنانچه امید باشد، جامعه حرکت کرده و بالاخره موفق به عبور از آن شرایط سخت و پیچیده می‌شود؛ اما اگر جوّ ناامیدی حاکم شد، تلاش و حرکت متوقف شده و کوچک‌ترین مانع و مشکل نیز می‌تواند جامعه را از پای دربیاورد. از همین روست که رهبر معظم انقلاب، دلسرد و ناامید کردن نسل جوان را روش رایج دشمن و دنبال کردن همین روش از سوی برخی نیروهای داخلی را خیانت به ناموس ملی کشور می‌دانند.[5]

رابطه امید و بیان مشکلات

حال که ناامید کردن مردم و یأس‌پراکنی یکی از روش‌ها و تاکتیک‌های اصلی دشمن و خیانت به کشور است، روش برخورد با مشکلات و ضعف‌های درونی کشور چیست؟ آیا بیان و مطالبه برای رفع آنها دامن زدن به فضای ناامیدی و یأس مورد نظر دشمن نیست؟

توجه و دقت در بیانات و روش برخورد رهبر معظم انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، مطالبه‌گری برای حل مشکلات و برطرف کردن ضعف‌ها سیره و روش همیشگی ایشان است و کسی نمی‌تواند به بهانه جلوگیری از ناامیدی مردم، مانع مطالبه‌گری شود. نکته حساس و ظریف ماجرا در نحوه و شیوه این مطالبه‌گری است. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای پنجم مهر ماه سال ۱۳۸۳ در این باره می‌فرمایند: «نوع بیان (مشکلات) را نوعی نکنید که معنایش حاکمیت فضای یأس بر تحرک باشد؛ نه، هیچ جای یأس و نومیدی نیست و پیام یأس‌آلود هم به نظر من جایی ندارد.»

برای رعایت این مرز باریک و حساس، به نظر می‌رسد دو نکته مهم قابل تأمل و اجراست. اول آنکه، در کنار ضعف‌ها و مشکلات، دستاوردها و پیشرفت‌ها نیز بیان شود. جمهوری اسلامی در عرصه‌های گوناگون دستاوردهای بسیار و گاهی شگفتی داشته است که بیان آنها از افتادن به دام یأس جلوگیری می‌کند. نکته دوم و آنکه، باید توجه داشت و گفت که حل نارسایی‌ها و مشکلات نیز برعهده خودمان است. قرار نیست دستی از غیب یا قدرتی خارجی مشکلات ما را رفع کند. نیروهای داخل کشور هستند که باید بر مشکلات فائق آیند و این توان را هم دارند.

در حالی که دشمن با یأس‌پراکنی و ایجاد مسئله، تنش و آشوب در کشور به دنبال مستهلک کردن روح و روان جامعه و کارایی جمهوری اسلامی است، راه مقابله در اولین گام انسجام هرچه بیشتر درونی کشور و جامعه و مقابله با سونامی سهمگین ناامیدی است. مقابله با ناامیدی به معنای نادیده گرفتن زخم‌ها و ضعف‌ها نیست؛ بلکه نشان دادن چندین برابر نقاط قوت و روشنی است که در عملیات مشترک دشمنان خارجی و کاسبان ناامیدی در داخل، از چشم مردم‌ـ به ویژه نسل جوان‌ـ پنهان مانده و کسی به آنها نمی‌پردازد.

پی‌نوشت‌ها:

1- https://goo.gl/dMqzjD
2- https://goo.gl/x9mkQ7
3- https://goo.gl/zYb2DD
4- https://goo.gl/BLVoGC
5- https://goo.gl/onc1EK

ژرفا

اغتشاش و براندازی ـ ۳

□ **محمد قلی‌یان/**

۱۱ـ اتحاد اپوزیسیون: «ولید فارِس» مشاور سابق ترامپ و «میت رامنی» در واشینگتن‌تایمز نوشت: «دوباره اعتراض‌ها در ایران برقرار است. امروز فرصتی تاریخی است که آمریکا و جامعه بین‌المللی با استفاده از آن می‌توانند به تغییر رژیم مسالمت‌آمیز در ایران کمک کنند! اما آمریکا باید چه کند؟» فارِس در ادامه پیشنهادهایی برای اپوزیسیون بیان می‌کند:

۱ـ اپوزیسیون ایران به ویژه خارج‌نشین‌هایش باید به آمریکا و جهان با اتحاد میان خودشان کمک کنند.

۲ـ رقابت میان خودشان را (برای کسب قدرت) کنار بگذارند و یادشان باشد که بازیگران اصلی معترضان در ایران هستند! وقتی تغییر (رژیم) صورت گرفت، آنگاه وارد رقابتی آزاد برای تشکیل حکومت آتی ایران بشوند!

۳ـ سیاست آمریکا در قبال معترضان ایران، باید دستور کار راهبردی و منطقی داشته باشد. کاخ سفید باید به طور جدی با کنگره برای شکل‌دهی به یک راهبرد جامع همکاری کند. باید پلت‌فورمی دو حزبی به عنوان پایه «رویکردی ملی» در این موضوع ایجاد شود. ما با قدرت از معرفی هماهنگ‌کننده‌ای برای موضوع ایران تا زمانی که این ماجرا ادامه دارد، حمایت می‌کنیم. این عامل، به‌هم‌پیوستگی میان نهادهای دولتی آمریکا را حفظ می‌کند و ارتباط با بازیگران منطقه‌ای، بین‌المللی و اپوزیسیون ایران برقرار می‌ماند.

۱۲ـ رساندن سلاح به دست اغتشاشگران: اندیشکده صهیونیستی «بگین سادات» هم به دنبال حمایت نظامی و رساندن سلاح به دست اغتشاشگران است و پیشنهادهایی را ارائه می‌دهد:

۱ـ تنها حمایت‌های لفظی از معترضان ایرانی کافی نیست، ضروری است آمریکا با کمک متحدانش چون اسرائیل، شبانه‌روز برای تأمین سلاح آنها تلاش کرده و حتی نحوه استفاده از آنها را برای به‌کارگیری علیه رژیم ایران آموزش دهد.

۲ـ برای دستیابی مؤثر به اسلحه‌های فراهم شده معترضان باید شناسایی شوند. کمک‌ها باید متناسب با نیازهای گروه‌های متنوع در محیط‌های مختلف طراحی شوند، به طوری‌که برخی مخالفان در جنگ‌های شهری برخی دیگر در ترور مقامات سیاسی و امنیتی نظام، برخی در عملیات کمین و فرار در جاده‌ها و خطوط راه‌آهن سراسر کشور مشغول خواهند شد.

۳ـ این کمک‌رسانی باید با تحریم‌های شدیدتر و محاصره بنادر یا مناطق پروازی ایران تقویت شوند.

۱۳ـ دسترسی به فناوری‌های ارتباطی: مجلس نمایندگان آمریکا با تصویب قطعنامه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به نقض حقوق بشر متهم و از ناآرامی‌های اخیر در برخی شهرهای ایران ابراز حمایت کرد. براساس رادیو اروپای آزاد، قطعنامه ۶۷۵ به بهانه حمایت از آزادی بیان مردم ایران، محکومیت سرکوب اعتراضات مشروع و دسترسی به فناوری‌های ارتباطی، تدوین و با ۴۱۵ رأی مثبت و ۲ رأی مخالف در صحن مجلس نمایندگان آمریکا تصویب شده است. ساعتی پس از تصویب این قطعنامه، مقامات کمیته روابط خارجی در کاخ سفید با معاون رئیس‌جمهوری آمریکا دیدار کردند و مایک پنس از آنها تشکر کرد.

۱۴ـ برنده اصلی ناآرامی: پایگاه خبری عربی ۲۱، به نقل از «اوراییم گانور» یکی از کارشناسان صهیونیست تصریح کرد: «اسرائیل برنده اصلی ناآرامی‌ها در ایران است؛ زیرا بر اساس رؤیاهای شیمون پرز (رئیس پیشین اسرائیل) درصورت پیروزی معترضان در ایران و تبدیل اعتراضات به انقلاب، خاورمیانه جدیدی به‌وجود خواهد آورد.» وی ادعا کرد: «اعتراض‌هایی که در ایران رخ داده، امید و بشارت بزرگی به اسرائیل به صورت ویژه است. تظاهرات معترضان در ایران یادآور آغاز ماجرای سوریه است که این کشور را نابود و ویران کرد. با تغییر در ایران، تغییر در لبنان هم که در سال‌های اخیر با تلاش حزب‌الله به عنوان بازوی اجرایی ایران در منطقه دور نگه داشته شده، آغاز می‌شود.»

برای دفاع از کسی اجازه‌نمی گیریم

حجت‌الاسلام حسن روحانی، رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه ایران بر سر قدرت دفاعی خود با کسی مذاکره نخواهد کرد، گفت: ما ملتی بزرگ و برخوردار از تمدنی عظیم و تاریخی هستیم و به تمام جهانیان اعلام می‌کنیم که آنچه برای دفاع از سرزمین‌مان نیاز داشته باشیم، به دست جوانان خودمان تهیه خواهیم کرد و هرگز از شما برای آن اجازه نخواهیم گرفت. این فرمان خداوند در قرآن کریم است که به ما فرمان ایستادگی در برابر توطئه بدخواهان می‌دهد.

انعکاس

مجریان فیلسوف

□ **منصوره خداوردی/** «زخم را خوب کنید»؛ کلیدواژه مهمی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان‌شان در تحلیل اتفاقات دی ماه سال جاری خطاب به مسئولان کشور عنوان کردند. جریان‌های ضد انقلاب، معاند و خارج‌نشینان وقتی دیدند مردم در اعتراض به شرایط مؤسسات مالی و اعتباری تجمع می‌کنند و خواستار رسیدگی به مشکلات پیش آمده در این زمینه هستند و در مقابل مسئولان نسبت به این تجمعات و اعتراضات بی‌تفاوتند و گوش شنوایی برای شنیدن صدای مردم و گلایه‌های آن در این زمینه وجود ندارد، به صفوف معترضان رخنه کرده و با سوءاستفاده از بستر این تجمعات، چیزی را رقم زدند که با خواست و نظر مردم کیلومترها فاصله داشت.

تعبیر «زخم را خوب کنید» را که رهبر معظم انقلاب در آن برهه به کار بردند، به معنای واقعی کلمه مجمل و عنوان این مطالبه است که باید به خواسته‌های مردم توجه شود و مشکلات حل و به درخواست‌های آنها جامه عمل پوشانده شود تا دشمنان ایران اسلامی و دشمنان مردم ما نتوانند با موج‌سواری و انحراف مطالبات شرایطی را رقم بزنند یا با اقدامات فرصت‌طلبانه خود به اقدامات ساختارشکنانه و شرورانه دست بزنند؛ اما با وجود تجربه تلخ دی ماه امسال و تأکید ویژه رهبر معظم انقلاب، این روزها بار دیگر شاهد تکرار همان شرایط هستیم.

اکنون و چندین هفته پس از آن حوادث تلخ که با حضور گسترده، بابصیرت و مقتدرانه مردم در صحنه حمایت از انقلاب، رهبری و نظام تمام شد؛ بار دیگر شاهد آن هستیم که برخی مسئولان نسبت به مطالبات بحق مردم با بی‌تفاوتی برخورد می‌کنند. گفتنی است، از ابتدای اسفند ماه تاکنون شهرهای گوناگون در استان‌های کشور، از جمله در اهواز، تهران، اصفهان، بروجرد، بوشهر، هفت‌تپه، ورزنه و... شاهد تجمعات مسالمت‌آمیز و محجوبانه کارگران و کشاورزان بوده‌ایم که در این تجمعات مطالبات بحقی در زمینه مسائل اقتصادی و نحوه مدیریت منابع کشور به مسالمت‌آمیزترین شکل و صبورانه طرح شده است؛ اما در این میان جز تعدادی از امامان جمعه که به میان معترضان رفته و از مطالبات آنها حمایت کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات آنها شده‌اند، از پاسخگویی، حضور یا حداقل همدردی و شنیدن گلایه‌ها و صحبت‌های تجمع‌کنندگان خبری نیست که نیست؛ با این تفاسیر بیم آن وجود دارد که دشمنان این کشور و آن مثلث معروف ضد ایرانی با استفاده از ابزارهای خود بار دیگر درصدد تکرار سناریوی رخ داده دی ماه در کشور باشند.

متأسفانه با وجود تجربه دی ماه و فراتر از تکلیف مسئول بودن در جمهوری اسلامی و وظیفه رسیدگی به خواست و مطالبات مردم، شاهد آن هستیم که این صاحب‌منصبان به جای پیگیری این مطالبات مباحث حاشیه‌ای و بی‌ربط را که با دغدغه‌ها و خواست‌های مردم کیلومترها فاصله دارد، را طرح می‌کنند و به جای وارد شدن در میدان عمل و مبارزه با بیکاری و رکود شروع به نظریه‌پردازی می‌کنند و فیلسوف و اندیشمند می‌شوند!

چه چیز از این عجیب‌تر که یک مقام اجرایی به جای پیش بردن کشور و انجام وظایف قانونی‌اش با طرح مسائل حاشیه‌ای از پاسخگویی امتناع ورزد که نتیجه طبیعی و قطعی آن تلنبار شدن نارضایتی در جامعه و در پی آن میدان‌داری دشمنان خواهد شد.

کنکاش

جاسوسی صنعتی (قسمت یازدهم)

مسابقه داخلی برای فروش اطلاعات بانکی به غرب

□ **محمدحسین مصطفوی/** کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گزارش شش ماهه دوم خود به باج‌گیری کشورهای ۱+۵ درباره برجام اشاره می‌کند و می‌نویسد: «برخلاف متن صریح برجام که فعالیت‌های مرتبط با رفع تحریم‌ها را که به تحقق آثار اقتصادی و مالی منجر می‌شود، مجاز و لازم‌الاجرا می‌داند، متأسفانه ۱+۵ انگیزه جدی برای تحقق این بند از برجام نشان نداده‌اند و بهانه آن را عللی، مانند مقررات مربوط به پولشویی یا FATF یا مشکلات نرم‌افزاری اعلام می‌کنند و حال آنکه تردیدی در نادرستی و واهی بودن این بهانه‌ها وجود ندارد.» در همین هنگام، دولت وارد چرخه گیج‌کننده دیگری به نامه FATF می‌شود و دستورالعملی را برای پیوستن به آن تصویب می‌کند.

مصوبه دولت هنگام پیوستن به FATF

همزمان با صدور بیانیه کارگروه مبارزه با تأمین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی FATF آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی در هیئت دولت در تاریخ ۱۴ آبان ۹۶ تصویب شد. این آیین‌نامه به پیشنهاد مشترک قوه قضائیه، وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت دادگستری و وزارت اطلاعات و به استناد قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (مصوب سال ۹۴) تصویب شده است. در ماده ۱۶ این آیین‌نامه آمده است: «کلیه اشخاص مشمول موظفند در مواجهه با اشخاص مندرج در فهرست تحریمی فوراً مراتب را جهت مسدود کردن وجوه و توقیف اموال و دارایی آنان به مقام قضایی اعلام کنند. در موارد فوری اشخاص مذکور می‌توانند نسبت به مسدود کردن وجوه و توقیف اموال و دارایی اقدام و ضمن اطلاع به واحد اطلاعات مالی مراتب را فوراً جهت اخذ دستور قضایی به مراجع ذی‌صلاح قضایی اعلام کنند.»

همچنین در ماده ۲۵ آمده است: «در اجرای ماده (۱۶) قانون و سایر قوانین مرتبط، وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند نسبت به مبادله اطلاعات و همکاری با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط اقدام نماید.»

در فصل یازدهم که مرتبط با نظارت‌ها است، تبصره‌هایی آمده که بر همکاری نکردن با تروریست‌ها تأکید دارد.

تبصره ۱ـ نظام نظارتی خودکار باید حاوی تمام اطلاعات ارباب رجوع و معاملاتی که به نفع یا به دستور او انجام شده، باشد. ضمن اینکه این نظام باید بتواند برای جلوگیری از پولشویی یا تأمین مالی تروریسم، یک تحلیل از فعالیت عملیاتی ارباب رجوع و روابط و تراکنش‌های کاری غیر معمول گزارش ارائه کند.

تبصره ۲ـ اشخاص مشمول باید کلیه ارباب رجوع خود را از لحاظ ریسک برابر دستورالعمل مصوب شورا رتبه‌بندی کنند.

تبصره ۳ـ رؤسای واحدهای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم باید در حدود اجرای وظایف خود به سامانه‌های نظارتی و اطلاعاتی ذی‌ربط دسترسی داشته باشند.

تبصره ۴ـ کلیه تدابیر مربوط به نظارت در ارتباط با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در خصوص شعب خارجی اشخاص مشمول و نیز مؤسسات تابعه‌ای که سهام عمده آنها را در اختیار دارند، لازم‌الاجرا می‌باشد.

تبصره ۵ـ دستگاه‌های نظارتی متولی نظارت بر اشخاص مشمول از قبیل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بیمه مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار، سازمان حسابرسی و غیره موظفند نسبت به حسن اجرای مفاد این ماده در سطح کلیه اشخاص مشمول اقدام لازم معمول و نتیجه را به شورا گزارش نمایند.

آخرین ماده این آیین‌نامه (ماده ۳۰) تأکید دارد: «اشخاص مشمول موظفند در چارچوب مقررات اطلاعات مورد درخواست واحد اطلاعات مالی در موضوع مبارزه با تأمین مالی تروریسم را به نحوی که آن واحد تعیین می‌کند، جهت انجام وظایف محول شده تأمین نمایند.»

نصب نرم‌افزار تحریم‌یاب

بانک مرکزی سیاست‌های FATF را به بانک‌های کشور ابلاغ کرده است و در این راستا بسیاری از بانک‌ها در حال اجرای این سیاست‌ها هستند. یکی از این ابزارها نصب نرم‌افزارهای شناخت نهادهای تحریمی است که به موجب اجرایی شدن این نرم‌افزارها بانک‌های کشور خودمان نیز از ارائه خدمت به نهادهای تحریمیِ موجود در فهرست تحریم محروم می‌شوند و این به معنای نوعی خودتحریمی است!

به این صورت که بانک‌های داخلی برای تثبیت جایگاه اقتصادی خود نیازمند آن هستند که ارتباط‌شان را با بانک‌های خارجی حفظ کنند. از جهتی بانک‌های خارجی از ترس جریمه‌های سنگین و در نهایت قرار نگرفتن در فهرست تحریمی، تنها در صورتی با بانک‌های داخلی ارتباط برقرار می‌کنند که بانک‌های داخلی از ارائه خدمت به نهادهای تحریمی صرف‌نظر کنند.

مسابقه تحریم نظام

توصیه‌های بانکی FATF درباره مبارزه با پولشویی در مقایسه با توصیه‌های دیگر آن چندان نگران‌کننده نیست؛ هرچند در این حوزه هم قصد دستیابی به اطلاعات داخلی کشورها را دارد، اما توصیه‌ها و ارزیابی آن از مبارزه با تروریسم و مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی و نوع خوانش آنها از این مسئله بسیار دردسر ساز است و محال است که اجازه بدهد مبادلات پولی داخلی ما و همکاری نظام با گروه‌های مقاومت به سرانجامی برسد. حتی این گروه سبب خواهد شد که یک نوع رقابت و مقابله با نظام در میان بانک‌ها و مؤسسات در خودتحریمی نیروها و جبهه انقلاب به وجود بیاید. یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌های این کارگروه مبارزه با تروریسم است و همه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی تصویری که از تروریسم دارد، همان ایادی غرب و گروه‌های جیره‌خوار دشمن است؛ اما غرب این نوع تعریف را نه تنها قبول ندارد، بلکه به آنها کمک مالی هم می‌کند؛ ولی گروه‌های مبارزه فلسطینی، حزب‌الله لبنان، انصارالله و... از دیدگاه غرب، تروریست معرفی می‌شوند که بر مبنای این تعریف، کلیه مبادلات و رفت‌وآمد با این گروه‌ها در اختیار FATF قرار می‌گیرد و مبادلات احتمالی بسته می‌شود.

نیم‌نگاه

از ما حمایت کنید

□ **ابوذر احمدی/** سرنگونی جنگنده مدرن رژیم صهیونیستی، با زیر سؤال بردن بازدارندگی هوایی این رژیم نه تنها هیمنه نیروی هوایی ارتش رژیم صهیونیستی را فرو ریخت؛ بلکه به یکباره شاکله دکترین‌های نظامی دولت‌ـ پادگان رژیم غاصب صهیونیستی را از اساس دگرگون کرد؛ به گونه‌ای که توازن قوا میان دولت جعلی صهیونیستی و محور مقاومت وارد مرحله جدیدی شد و سرنوشتی متفاوت از امور جنگ و صلح در منطقه غرب آسیا را رقم زد.

اما آنچه در این میان حائز اهمیت است، اینکه صهیونیست‌ها در تاکتیکی جدید بار دیگر به بازوی رسانه‌ای متوسل شدند و برای برهم زدن معادلات جدید غرب آسیا، احتمال آغاز جنگ تمام‌عیار جدیدی علیه رژیم صهیونیستی آن هم از سوی جمهوری اسلامی ایران را در کانون ادبیات امنیتی و سیاسی منطقه به میان آوردند. در این زمینه، اتاق‌های فکری رژیم صهیونیستی مأمور شدند برای تهیه خوراک منابع خبری قلم‌فرسایی کنند؛ به همین منظور مرکز مطالعات استراتژیک «بگین‌ـ سادات» در گزارشی هدفمند نوشت: «در ابتدا سپاه پاسداران عمدتاً در سطح ایدئولوژیک علیه اسرائیل فعالیت کرد؛ سپس استراتژی نایب محور را در پیش گرفت تا از به جا گذاشتن شواهد اجتناب کند. در حال حاضر، تهران در حال اجرای مدلی از درگیری مستقیم است.»

مرکز فکری «بگین‌ـ سادات» بدون اشاره به سقوط جنگنده اف ۱۶ صهیونیستی و با تأکید بر انهدام پهپادی متعلق به ایران در ادامه گزارش خود نوشت: «نفوذ اخیر پهپاد ایرانی به حریم هوایی اسرائیل و سلسله رویدادهای پس از آن در چارچوب یک گذار در رویکرد استراتژیک ایران اتفاق افتاد. گذار از مداخله پنهانی به‌وسیله نایبان تا پیگیری مستقیم محور مقاومت ضد اسرائیلی. صرف‌نظر از دیگر مسائل، این گذار بازتابی از اعتماد به نفس بیشتر حکومت تئوکراتیک ایران است که گویا ناشی از احساس کسب دستاورد در ارتقای محور مقاومت در سال‌های اخیر است.»

این مرکز مطالعاتی صهیونیستی در رویکردی هدف‌دار، حضور مستقیم ایران در سوریه را فرصتی برای تحقق هدف «هلال شیعی» (تهران، عراق، سوریه، لبنان و یمن) برشمرد و مدعی شد: «حکومت ایران از طریق عراق، سوریه و لبنان به دنبال ایجاد کریدور زمینی از تهران تا مدیترانه است.»

با نگاهی تحلیلی به مواضع رسمی سران جانی صهیونیستی و نیز گزارش‌های اتاق‌های فکری این رژیم به خوبی می‌توان فهمید که دولت جعلی رژیم صهیونیستی در شرایطی شکننده و پیچیده قرار گرفته و برای رهایی از وضعیت وخیم امنیتی خود درصددند تا ضمن جلب حمایت‌های بیشتر غرب، ایران را مهم‌ترین محور مخل امنیتی منطقه معرفی کنند. حال در این میان، سناریوی سوخته «هلال شیعی» را به میان می‌کشند و از سوی دیگر، با هجمه روانی چند لایه هژمونی خودخوانده منطقه‌ای را برجسته می‌کنند و به زعم باطل خود امید دارند تا یک ائتلاف نظامی‌ـ منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کنند.

اما سران صهیونیستی نباید فراموش کنند که دیگر به تلاش‌های نفسگیر و فراوان نیازی نیست تا این نتیجه‌گیری به دست آید که قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی چگونه فرو خواهد ریخت. سرنگونی جنگنده اف ۱۶ به خوبی نشان داد که نیروی هوایی رژیم صهیونیستی و چه بسا جنگنده‌های فوق مدرن آمریکایی شکست‌پذیر بوده و در مقابله با موشک‌های چند نسل قبل هم تا چه اندازه ضعیف هستند. اگر چه باید ضعف و ناکارآمدی سامانه‌های پر هزینه ضد موشکی رژیم صهیونیستی را هم به آن اضافه کرد.

به هر حال، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اگر چه رژیم پوشالی صهیونیستی در راستای حمایت از منافع نظام سلطه و سردمداران سلطنتی بریتانیا در مسیر هند شرقی و از سویی دیگر، دژ شکست‌ناپذیر امپریالیسم در پاسداری از کریدور صادرات نفت به غرب ایجاد شد؛ اما امروز این رژیم پس از آنکه بخش اعظم نقش و کارایی خود را از دست داده، نیاز دارد تا غرب از آن حمایت کند؛ از این رو فرافکنی علیه ایران فرصت خوبی برای این منظور خواهد بود.

تکاپو

گفت‌وگوی صبح صادق با مدیرعامل جوان شرکت گسترش امواج کرخه

هر ماه ۵۰۰۰ گوشی تلفن همراه تولید می کنیم

□ **اکبر کریمی/** با ترویج رشته‌های الکترونیک و آموزش نیروهای متخصص جوان و تحصیلکرده در حوزه IT، امروز کشورمان به یکی از واحدهای مزیت‌دار این حوزه در جهان تبدیل شده است. بی‌شک تبدیل ایران به یکی از قطب‌های IT جهان و رشد روزافزون آن به گونه‌ای که ثروت و اشتغال برای جوانان به ارمغان آورد، با برنامه‌ریزی مدون و بلندمدت دولت امکان‌پذیر می‌باشد.

بنا به گفته مسئولان، کشور ما ظرفیت ایجاد سالیانه ۱۰۰ هزار شغل در حوزه IT را دارد. ایجاد حرفه‌ها و مشاغل مختلف در حوزه فناوری‌های الکترونیکی، از راه‌اندازی صنایع تولیدی یا تولید نرم‌افزارهای تجاری گرفته تا ایجاد بسترهای شغلی در فضای مجازی و... می‌تواند بخش بزرگی از بیکاری کشور را مرتفع کند.

سعید منصوریان یکی از فعالان جوان اقتصادی است که با تکیه بر توان جوانان ایرانی توانسته است بیش از ۱۰۰ نیروی کار جوان را در چرخه تولید کشور فعال کند. گزارش اقدامات این جوان ۳۵ ساله خوزستانی را با ما بخوانید.

راه‌اندازی اولین شرکت تولیدکننده گوشی همراه در کشور

سعید منصوریان تعمیرکننده خبره گوشی تلفن همراه و یکی از تجار واردکننده این محصول است. او برای کسب درآمد بیشتر می‌توانست نقش خود را به عنوان یک واردکننده گوشی تلفن همراه ادامه دهد و دل‌نگران سرمایه خود و ریسک‌های احتمالی بازار تولید نباشد. با وجود این، او از سال گذشته تصمیم به تولید و عرضه تلفن همراه ایرانی می‌گیرد. سعید علت این تصمیم را «تأکیدات رهبر معظم انقلاب بر تولید داخلی و استفاده از توان نیروهای متخصص داخلی» عنوان می‌کند و می‌گوید: «خواستم با این کار سهمی در شکوفایی اقتصادی کشورم داشته باشم.»

با این هدفگذاری، گسترش امواج کرخه به عنوان شرکت تولیدکننده تلفن همراه ایرانی با برند تلگو (TELEGO) از مهر ماه سال ۹۵ کار خود را به صورت رسمی در شهرک صنعتی دزفول آغاز کرد.

رئیس هیئت‌مدیره این شرکت از روزهایی برای‌مان گفت که به دنبال واردات خط مونتاژ قطعات گوشی تلفن همراه و تبلت از کشور چین بوده است، ولی به دلیل تحریم‌ها، امکان این امر برایش میسر نمی‌شود. او با اطلاع کامل از وجود درصد ریسک برای سفارش ساخت این چرخه در داخل کشور، به توان یکی از شرکت‌های تبریزی اعتماد می‌کند و می‌تواند این خط مونتاژ داخلی را در شرکت خود راه‌اندازی کند. به گفته او، این خط ۲۰ متری به نسبت خطوط مشابه چینی دارای کارایی و بهره‌وری بالاتری است.

تولید ۳۰ درصدی قطعات گوشی تلفن همراه در کشور

در ساخت تلفن همراه بیش از ۷۰ قطعه مستقل الکترونیکی به‌کار می‌رود. تمامی واحدهای تولیدی گوشی‌های تلفن همراه در جهان این قطعات را به کارگاه‌های تولیدی مختلفی سفارش می‌دهند و در نهایت با مونتاژ آنها، گوشی‌هایی با برندهای معروف جهان به بازارهای جهانی عرضه می‌کنند. شرکت گسترش امواج کرخه نیز با سفارش قطعه به قطعه‌سازان داخلی و خارجی، محصول نهایی را تولید می‌کند. منصوریان می‌گوید: «برای تأمین قطعات محصولات‌مان نیز ابتدا به توان کارگاه‌های داخلی توجه کردیم. در حال حاضر سه نوع گوشی تلفن همراه کلاسیک تولید می‌کنیم که حدود ۳۰ درصد از قطعات آن از داخل کشور تأمین می‌شود و مابقی را وارد می‌کنیم.» او این را هم گفت که جوانان کشورمان در تولید نرم‌افزارها و برنامه‌های رایانه‌ای توانمندی بالایی دارند و در این حوزه به خرید برنامه دستوری گوشی‌های همراه از خارج نیازمند نداریم.

طراحی و راه‌اندازی اتاق هوا

به دلیل حساسیت خط تولید محصولات الکترونیکی، کاربران این خطوط پیش از ورود به سالن تولید وارد اتاق هوا می‌شوند. در این اتاق، گرد و غبار روی لباس‌های افراد گرفته می‌شود. منصوریان برای خطوط تولیدش به اتاق هوا نیاز داشت و می‌توانست آن را از خارج وارد کند، ولی در این زمینه نیز به توان داخلی تکیه کرد و توانست اتاق هوای بومی را که کاربری آن به مراتب بهتر از انواع مشابه خارجی است، در واحد تولیدی خود داشته باشد.

تولید ماهیانه ۵۰۰۰ گوشی تلفن همراه

خط تولید گوشی تلفن همراه «تلگو» قابلیت فعالیت ۱۰۰ نیروی کار به صورت مستقیم را دارد، اما به دلیل کمبود اعتبار برای تأمین قطعات، در حال حاضر با ۳۰ نیرو فعال است. شرکت آقای منصوریان در حال حاضر ماهیانه بیش از ۵۰۰۰ گوشی تلفن همراه ساده تولید می‌کند که در صورت تأمین سرمایه کافی برای خرید قطعات، تولید این تعداد گوشی در هفته امکان‌پذیر است.

تمامی تولیدات این شرکت مراحل آزمایشگاهی برای سنجش مرغوبیت را گذرانده و دارای نشان استاندارد ملی هستند. آقای منصوریان می‌گوید: «جنس‌های مشابه خارجی گوشی‌های تولیدی ما دارای اشعه‌های مضر به مراتب بالاتری هستند و متأسفانه به دلیل قاچاق بی‌رویه آنها، تاکنون امکان آزمایش و سنجش آنها ممکن نبوده است، ولی به جرئت می‌گویم، به دلیل نظارت مستمری که روی محصولات‌مان وجود دارد، سلامت آنها کاملاً تضمین شده است.» تمامی تولیدات این شرکت علاوه بر ویژگی‌های سلامت و کیفیت، به نسبت محصولات مشابه خارجی با قیمت پایین‌تری عرضه می‌شود.

شرکت گسترش امواج کرخه در مدت یک سال و نیم فعالیت خود، در تمامی مراکز استان‌های کشور نمایندگی فروش دایر کرده است و تا اواخر سال جاری تلفن‌های اندرویدی آن نیز به بازار خواهد آمد.

تولید کابل شارژر گوشی تلفن همراه

در خط دوم تولیدی، کابل شارژر گوشی تلفن همراه برای گوشی‌های اندرویدی و آیفون برای اولین بار در خاورمیانه تولید می‌شود. در حال حاضر در این خط تولیدی ۲۰ نیروی مستقیم روی ۱۸ دستگاه مشغول فعالیت هستند و تولید روزانه آن ۳۰۰۰ کابل شارژر در اندازه‌های مختلف است.

تصمیم بعدی این فعال اقتصادی، راه‌اندازی اولین خط تولید ذخیره‌ساز انرژی (پاور بانک) برای گوشی‌های همراه، تبلت و لپ‌تاپ در کشور است، به طوری که دستگاه‌های لازم برای این منظور خریداری شده و اکنون نصب و راه‌اندازی آنها در حال انجام است.

منصوریان، بدون دریافت تسهیلات بانکی، شرکت گسترش را در یک سالن ۱۸۰۰ متر مربعی و با سرمایه خانوادگی ۴۰۰ میلیون تومانی راه‌اندازی کرده است.

وی، در کنار شرکت‌های بزرگ چندملیتی تولیدکننده گوشی‌های همراه، پذیرش ریسک مالی بالا در این حوزه را با هدف ایجاد شکوفایی اقتصادی و فعال کردن ظرفیت‌های بومی پذیرفته است که مصداق بارز اقدام جهادی در حوزه اقتصادی محسوب می‌شود و شایسته قدردانی و حمایت است.

برای تهیه گزارش از فعالیت‌های اقتصاد مقاومتی در استان خود با شماره تلفن ۰۹۱۹۳۴۷۲۹۸۱ تماس بگیرید.

روزنه

دانسته‌ها و بایسته‌های حقوقی ـ ۷۶

رابطه مشروط‌له با شخص ثالث(۲)

□ **شهریار اقتصاد/** اجازه مالک لازم است یا به لفظ باشد یا به وسیله عملی محقق شود که دلالت بر آن کند؛ مانند آنکه مالک پس از اطلاع از وقوع معامله مال مورد معامله را به اصیل تقدیم دارد که در این مورد لفظ یا عمل مالک حاکی از تنفیذ معامله است.

سکوت مالک ولو اینکه در محل قرارداد حضور داشته باشد، اجازه محسوب نمی‌شود. مستنبط از ماده ۲۴۹ قانون مدنی و به عبارت دیگر برخلاف جمله معروف سکوت علامت رضاست، در معامله فضولی سکوت مالک علامت رضا تلقی نمی‌شود؛ چرا که ممکن است سکوت ناشی از ترس یا احترام باشد نه رضای باطنی به انجام معامله، لذا مقنن لفظ یا فعلی را که صریح در تنفیذ معامله باشد، لازم دانسته است.

*** اجازه شخص غیر واجد چه شرایطی باید داشته باشد تا اجازه وی نسبت به معامله فضولی منشأ اثر حقوقی شود؟**

با تحقق شرایط ذیل پس از آنکه غیر معامله را اجاره کرد، معامله کامل شده و آثار قانونی خود را ایجاد خواهد کرد. شرایط لازم عبارت است از:

۱ـ اعلام شود: اعلام باید لفظی باشد یا ضمن انجام کاری و ممکن است به صراحت باشد یا به طور ضمنی، اما در هیچ صورتی سکوت مالک در عقد فضولی به معنای قبولی تلقی نمی‌شود. استناد به ماده‌های ۲۴۸ و ۲۴۹ قانون مدنی.

۲ـ مسبوق به رد نباشد: پس اگر مالک معامله فضولی را رد کند، همه چیز تمام می‌شود؛ یعنی عقدی باقی نمی‌ماند. پس هرگاه پشیمان شود و بعداً رضایت دهد، چون رضایت مبتنی بر هیچ عقدی نیست، بی‌فایده خواهد بود.

۳ـ اجازه به‌عنوان مالک باشد: یعنی کسی که اجازه می‌دهد باید مالک باشد. اگر فضول به دلیلی پس از عقد فضولی خودش صاحب مال بشود، صرف این مالکیت موجب تنفیذ عقد فضولی نخواهد بود؛ بلکه اجازه فضول را که حالا مالک شده، لازم خواهد داشت. (ماده ۲۵۴ قانون مدنی)

۴ـ مالک اهلیت داشته باشد: اجازه یا رد نوعی تصرف در مال است و برای تصرف در مال باید اهلیت داشته باشد.

*** هرگاه در عقد فضولی مالک پیش از اجازه یا رد فوت کند، آیا این حق به وراث وی منتقل می‌شود؟**

در پاسخ به این پرسش باید تفکیک قائل شد به اینکه معامله فضولی عهدی است یا تملیکی، چرا که اگر معامله فضولی عهدی باشد و به‌نفع یا ضرر غیرتعهد بشود و غیر پیش از اجازه فوت کند، معامله کان‌لم یکن تلقی می‌شود؛ چرا که اجازه با فوت غیر ترکه متوفی که عبارت است از اموال و حقوق مالی او به ورثه منتقل می‌شود و اجازه حکم است و قابل انتقال نیست. مال در صورتی که معامله فضولی تملیکی باشد، در این حالت حتماً پس از مرگ غیر، معامله فضولی به قوت خود باقی خواهد ماند و با استناد به ماده ۲۵۳ قانون مدنی ورثه می‌توانند معامله را اجازه یا رد کنند.

هرگاه ورثه متعدد باشند، اجازه تمامی ورثه برای صحت فضولی لازم است؛ چرا که مال متعلق به تمامی ورثه است؛ اما اگر بعضی از وراث عقد را رد و بعضی از آنان عقد فضولی را اجازه دهند، عقد به اعتبار مورد منحل به عقود متعدد می‌شود و نسبت به آن بعض که قبول کرده‌اند، معامله نافذ می‌شود و نسبت به مابقی باطل خواهد بود.

آیا علم سکولار موفق بوده است؟

حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه گفت: در باب اینکه پروژه علم دینی شکست خورده است، بنده اولین سؤالم این است که آیا پروژه علم سکولار موفق بوده است؟ اگر علم سکولار موفق بوده است، چرا باید وضع اقتصادی و معیشتی و فرهنگی جامعه روز به روز بدتر و وخیم‌تر شود؟ امروزه دقیقاً مؤلفه‌های اقتصاد لیبرالیستی و به تعبیری دقیق‌تر، نئولیبرالیستی، در کشور در جریان است. اقتصادی که تمامی همّ و غمش سرمایه‌گذاران خارجی است و تمامی توانش را در پیاده‌سازی معاهده «برجام» قرار داده که نتیجه‌ای نیز جز فشارهای مضاعف بین‌المللی بر ایران اسلامی نداشته است.

سیاست‌نامه

اندیشه سیاسی مسلمانان ـ ۴۳۳

امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه ملااحمد نراقی

□ **فتح‌الله پریشان/** علامه نراقی، چهار فصل از کتاب گرانسنگ «معراج‌السعاده» را با عنوان‌های زیر به این بحث اختصاص داده است: ۱ـ در بیان اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر؛۲ـ مراتب امر به معروف و نهی از منکر؛۳ـ در بیان مجملی از محرمات شایع میان مردم؛ ۴ـ کوتاهی و مسامحه در امر به معروف و نهی از منکر.

وی در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر چنین می‌نویسد: «و این اعظم شعائر دین و اقوی علامت شریعت و آیین است و آن مقصد کلی است از بعثت انبیا و ائمه و اوصیا و نایب گردانیدن متدینین از علما، بلکه مدار گردش آسیاب جمیع ادیان است و اختلال آن موجب بازماندن از دوران است و از این جهت مدح و ترغیب به آن در آیات و روایات بی‌پایان رسیده.»(۱) مرحوم نراقی با بهره از آیات و روایاتی که بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و پیامدهای مثبت و منفی عمل کردن یا عمل نکردن این واجب بزرگ اجتماعی دلالت دارد، به پی‌ریزی روابط مردم مسلمان با یکدیگر، با حکومت و دولت و همچنین روابط حکومت اسلامی با مردم به شرح زیر می‌پردازد.

۱ـ روابط مسلمانان با یکدیگر براساس امر به معروف و نهی از منکر؛ اسلام برای پاکسازی محیط و کوتاه کردن دستان گناه‌آلود از پیکر جامعه به مسلمانان دستور داده است که با توجه به این اصل بزرگ زشتی‌ها را ریشه‌کن کنند و خوبی‌ها را رواج دهند و جامعه‌ای بر اساس خوبی‌ها بنیان نهند. اسلام با وضع این قانون مسئولیت‌آفرین، مردم را به حضور در اجتماع و حاکمیت ارزش‌ها و جلوگیری از گناه و فساد فراخوانده است. علامه نراقی، پاره‌ای از این روایات را گرد آورده است. یکی از روایاتی که ایشان آورده و بسیار مهم است، اشاره به حدیث امام باقر(ع) است که می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر طریقه پیغمبران و شیوه نیکان است. فریضه عظمایی است که سایر فرایض به واسطه آن به پای داشته می‌شود و به آن راه‌ها امن می‌گردد و مکاسب حلال می‌شود و مظلمه‌ها به صاحبانش رد می‌شود و زمین آباد می‌گردد و از دشمنان دین انتقام کشیده می‌شود.»(۲) بر اساس روایت فوق، اقامه دین و واجبات الهی، امنیت راه‌ها، کسب حلال، جلوگیری از تضییع حقوق دیگران، آبادانی کشور، دوام و پایداری شریعت و... همه در پرتو تکلیف اجتماعی «امر به معروف و نهی از منکر» امکان‌پذیر است. درمقابل، بی‌توجهی به این اصل سبب از بین رفتن حرمت‌ها و حریم‌ها و ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی شده و زمینه را برای رشد ضد ارزش‌ها و ناهنجاری‌ها در جامعه فراهم می‌کند. در چنین وضعی فساد و تباهی سیاسی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی چهره می‌نماید و جامعه و افرادش را از مسیر انسانیت دور کرده و در مسیر هواهای نفسانی قرار می‌دهد. در نتیجه خداوند رفاه مادی و معنوی و گاه حیات جامعه را در معرض زوال و نابودی قرار می‌دهد؛ چرا که به گفته علی(ع) رفاه و آسایش جز به خاطر گناه از ملتی زایل نشد، زیرا خداوند به کسی ستم نمی‌کند.(۳)

۲ـ روابط مردم با حکومت‌ها بر اساس امر به معروف و نهی از منکر؛ برخورد مردم مسلمان همان‌گونه که با یکدیگر بر اساس انتقاد سازنده و امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد، با حاکمان اسلامی نیز، بر همین مبنا استوار است. هر نظام سیاسی، اجتماعی در مسیر حرکت خویش، احتمال لغزش و انحراف از هدف‌های اعلام شده را دارد. این خطر گریبانگیر بسیاری از حکومت‌ها و تحولات اجتماعی بوده است. اسلام به عنوان یک نظام همه‌سونگر با وضع قانون «نظارت همگانی» از این خطر، پیشگیری و حفظ و سلامت نظام را از درون تضمین کرده است. اسلام با طرح تکالیف اجتماعی چون؛ امر به معروف، نهی از منکر، اهتمام به امور مسلمانان و... روش نوینی را برای استحکام بخشیدن به نظام و صیانت آن از آلودگی‌ها در نتیجه سستی و فروپاشی، پی ریخته است. امت اسلامی نمی‌تواند نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌اعتنا باشد؛ چرا که پیامبر اسلام(ص) فرموده است: «هر که در امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست.»(۴)

۳ـ روابط حکومت اسلامی با امت اسلامی؛ رابطه حکومت اسلامی با مردم باید بر اساس امر به معروف و نهی از منکر باشد. حکومت اسلامی وظیفه دارد ارزش‌ها را رواج داده و از بدی‌ها و زشتی‌ها در جامعه جلوگیری کند. حکومت اسلامی می‌تواند برای انجام این مهم نهادهای ویژه‌ای را بنیان نهد، چنانکه در گذشته چنین بوده است. برخی از فقیهان، بعضی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر را ویژه امام و حاکم اسلامی دانسته‌اند. علامه نراقی در این باره می‌نویسد: «مرتبه هفتم، شمشیر کشیدن و سلاح داشتن و مجروح کردن [می‌باشد] و این مرتبه در نزد اکثر علمای ما موقوف به اذن امام است و از برای رعیت‌بدون اذن امام جایز نمی‌دانند، ولی سیدمرتضی و جماعتی، از برای کسی که متمکن باشد و موجب فساد نباشد، تجویز کرده‌اند، اگر چه اذن امام در آن به خصوص نباشد.»(۵)

در کتاب‌های فقهی اجرای حدود و تعزیرات پس از بحث امر به معروف و نهی از منکر آمده و اجرای آن به حاکم شرع و ولی‌فقیه واگذار شده است.

منابع:

۱ـ معراج‌السعاده، ص۳۶۹. ۲ـ معراج‌السعاده، ص۳۷۰. ۳ـ مزینانی محمد صادق، اندیشه‌های سیاسی محقّق نراقی، تهران، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۱، ص ۳۰۴ـ۳۰۱. ۴ـ معراج‌السعاده، ص۳۶۲؛ اصول کافی، ج۲، ص۱۶۴، کتاب الایمان و الکفر، حدیث ۵. ۵ـ همان، ص۳۷۵.

کتابخوان

کتاب عدالت

عدالت و عدالت‌خواهی از دیرباز در اندیشه و فطرت انسان وجود داشته و فصل مشترک خواسته‌های همه انسان‌ها در همه جوامع و همه زمان‌ها بوده است. با این نگاه، انسان‌ها همواره در شکل‌دهی به حکومت‌ها و نظامات گوناگون، این گمشده تاریخی و تمدن بشری را در سرفصل نگاه‌ها و شرایط حکومت قرار داده است و با سنجه عدالت و انصاف به بازخوانی و بازنمایی حاکمان و حکومت‌های مطلوب و غیر مطلوب نشسته است. در اندیشه اسلامی نیز فصل مستعفایی به این ویژگی اختصاص داده شده است و تعابیر بلندی از مفهوم آن که گاه تعجب غربی‌ها را نیز برانگیخته، در آیات و روایات اسلامی به عمل آمده است. به گونه‌ای که هدف از ارسال رسل و انزال کتب در قرآن، تأمین عدالت فردی و به ویژه اجتماعی بیان شده است. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(مدّظلّه‌العالی) با استفاده از متون دینی تحلیل‌ها و نکات ناب بسیاری در این موضوع ابراز کرده‌اند که در «کتاب عدالت» به آن اشاره شده است. ایشان درباره معنای واقعی عدالت می‌فرمایند: «عدالت، همه جا به معنای برابری نیست، اشتباه نشود. عدالت، یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. این معنای عدل است. عدالت آن معنایی نیست که در ذهن بعضی از ساده‌اندیشان و آدم‌های کم‌عمق وجود دارد. شاید حالا هم خیال کنند که همه جامعه باید برداشت یکسان داشته باشند. خیر! یکی کار بیشتری می‌کند، یکی استعداد بیشتری دارد، یکی ارزش بیشتری برای پیشرفت کشور دارد. عدالت یعنی بر طبق حق، عمل کردن و حقِ هر چیز و هر کسی را به او دادن. این، معنای عدالت است و برای جامعه لازم است. هدف این است که عدالت حاکم شود. آن وقت اگر جامعه ثروتمند هم بشود، این ثروت درست تقسیم خواهد شد. مقصود حرکت اسلامی، همین است.» «کتاب عدالت» یک کتاب کاربردی و مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و بایدها و نبایدها برای سربازان عدالت اجتماعی است. در این کتاب سعی شده است پرسش‌های گوناگون مطرح در این حوزه را براساس «بیانات رهبر معظم انقلاب» پاسخ گفته و محتوای «کاربردی» و ناظر به «حل مسئله» در اختیار مخاطب قرار گیرد. از آنجا که کتاب تلاش داشته است یک کتاب عملیاتی باشد، محتوا در دو قالب ساختاری ذیل بخش اصلی و بخش مکمل چینش شده است. این کتاب از سوی نهضت نرم‌افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی به کوشش مهران کریمی‌سادات‌محله و سیدعلی کشفی به بازار عرضه شده است.

جریان‌شناسی فکری فرهنگی انجمن حجتیه ـ ۷

انجمن حجتیه و نگاه انحرافی به مهدویت

□ **عبدالله نوری گلجایی/** در شماره گذشته، ولایت فقیه از منظر سران انجمن حجتیه و چرایی تلاش آنها برای تفکیک آن از مرجعیت دینی را به اجمال بازخوانی کردیم. انحراف فکری آنها منوط و محدود در این زمینه نیست. گویی زمانی که یک تفکر انحرافی شکل می‌گیرد، تلاش بلیغی دارد به همه حوزه‌ها سَرک بکشد و خود را تکثیر کند. در این نوشته، انحراف این انجمن در حوزه مهدویت را بازنمایی می‌کنیم.

باور به «مهدویت» از ویژگی‌های مذهب تشیع است؛ البته همهٔ ادیان و مذاهب به نوعی به یک منجی اعتقاد دارند؛ اما مهم، نوع شناخت و شیوهٔ عمل در قبال مهدویت است. حضرت امام(ره) در توضیح اصل «مهدویت» می‌فرمایند: «مسئلهٔ مهدویت در اسلام و بالاخص در تشیع، یک فلسفهٔ بزرگ است، اعتقاد به ظهور منجی است، نه در شعاع زندگی یک قوم و یک ملت و یا یک منطقه و یا یک نژاد، بلکه در شعاع زندگی بشریت؛ مربوط به این نیست که یک منجی بیاید و مثلاً شیعه را یا ایران را یا آسیا را یا مسلمانان جهان را نجات دهد، مربوط به این است که یک منجی و مصلح ظهور کند و تمام اوضاع زندگی بشر را در عالم دگرگون کند و در جهت صلاح و سعادت بشر تغییر بدهد.»[۱]

حصر مهدویت به محبت و تبعیت عبادی

دشمنان اسلام برای نابود کردن نقش مهم مهدویت در نشاط و امیدواری مسلمانان، با روش‌های گوناگون مانند تکذیب، معرفی منجی‌های دروغین و... می‌کوشند با تبلیغات سوء این اصل مهم را کم‌رنگ جلوه دهند. از دیدگاه انجمن حجتیه اعتقاد به حضرت صاحب‌الزمان(عج) فقط در محبت و دوستی او و تبعیت عبادی خلاصه می‌شود. در مجموعه نوشته‌ها و خطبه‌های اعضای انجمن سخنی از دیگر ابعاد انتظار در میان نیست.

در این دیدگاه، ظهور حضرت ولی‌عصر ـ ارواحنا فداه ـ محدود به زمینه‌های منفی در جامعه، اعتقاد مردم به اسلام می‌شود. حجتیان نتیجه می‌گیرند که انسان منتظر باید خود و جامعه را نه در بُعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بلکه فقط ازنظر اعتقادی آماده کند و مهم‌تر آنکه باید همواره نیروی خود را بالقوه نگه دارد تا حضرت ولی‌عصر ـ ارواحنا فداه ـ انقلابی جهانی برپا دارند.

در یکی از نوشته‌های انجمن حجتیه بر این نکته تأکید می‌شود که انتظار، نشستن و منتظر شدن نیست؛ بلکه باید محیط را اصلاح کرد، اما بلافاصله همهٔ اصلاح جامعه را در نفی بهائیت و به مبارزهٔ اعتقادی با آن محدود می‌کند. در یکی از نشریات انجمن، مسئولیت‌های شیعه هنگام غیبت چنین تفسیر می‌شود: «۱ـ انتظار؛ منتظر بودن و ندیدن امام معصوم(ع) از بزرگ‌ترین مصیبت‌هاست؛ ۲ـ تقلید از مجتهد جامع‌الشرایط؛ ۳ـ غمگین بودن به واسطهٔ مفارقت از آن حضرت؛ ۴ـ دعا برای تعجیل فرج آن حضرت؛ ۵ـ گریستن از دوری آن حضرت؛ ۶ـ تسلیم و انقیاد داشته باشد که برای امر امام (ارواحنا فداه) عجله نکند و ۷ـ صدقه به قصد سلامت آن حضرت.»[۲]

انتظار از دو دیدگاه انجمنی و انقلابی

انجمن حجتیه در مباحث گوناگون مفهوم انتظار را به معنای اصلاح جامعه معرفی می‌کند و تلاش برای رسیدن به جامعه‌ای شایسته را سرلوحهٔ کار خود می‌داند: «در مکتب انتظار باید تلاش و کوشش کرد و محیط اجتماعی را اصلاح کرد. پس، انتظار برای به وجود آوردن صلاح و شایستگی، لیاقت، اصلاحات[در] کار ... است.»[۳] اما درواقع، این اصلاحی که از تفکرات و عقاید آنها بیان شد، اصلاح بعد از ظهور حضرت و تشریف فرماشدن آن وجود نازنین است که این تفکر، نتیجه‌ای جز پناه بردن منتظِر به کمینگاه صبر و تحمل هرگونه خواری، تسلیم و عجز در برابر ظالمان نخواهد بود. این در حالی است که؛ «از دید مؤمنان انقلابی، بسیج مستضعفان و از نگاه اسلام انقلابی، «انتظار» یک نوع دعوت به قیام و سازندگی فرد و اجتماع است. اسلام انقلابی تحرک را در پی دارد و رکود را مخرب می‌داند؛ اما اسلام آمریکایی از زیر بار مسئولیت‌ها فرار می‌کند. انتظار در نزد انجمن حجتیه، افیون‌گر است، به جای آنکه بیدارکننده باشد و در دیدگاه حجتیه، در زمان غیبت ولی‌عصر، اعتماد و وابستگی به نظام طاغوت نفی نشده است.»[۴]

مفهوم انتظار و برداشت‌های متفاوت از آن خود عاملی برای رشد و پویایی یا به عکس، رکود و عقب‌ماندگی است. استاد شهید مطهری خصوصیات انتظار مثبت و منفی را این‌گونه بیان می‌کند: «انتظار فرج و آرزو و امید و دل‌بستن به آینده دوگونه است؛ انتظاری که سازنده و نگه‌دارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک‌بخش است، به گونه‌ای که می‌تواند نوعی عبادت و حق‌پرستی شمرده شود و انتظاری که گناه است، ویرانگر، اسارت‌بخش و فلج‌کننده و نوعی اباحی‌گری باید محسوب شود.»[۵]

انتظار از نظر انجمن حجتیه انقلابی و انقلاب‌ساز نیست؛ بلکه باتوجه به روحیهٔ متکی به تقیّه، حتی مخالفت با فساد و ظلم نیز ممنوع است؛ به عکس، آنان معتقدند که با حکومت‌های ظالم باید موافقت شود. نگاه انجمن حجتیه، دربارهٔ مفهوم انتظار که نگاهی ویرانگر و منفی است، هر اصلاحی را در جامعه محکوم می‌داند؛ چرا که باید ظلم و تباهی رواج یافته، طرفداران حق و حقیقت در کنج خانه‌ها محبوس باشند، تا انفجاری رخ دهد و انتظار به سر آید. آقای محدث از مسئولان مدرسه علوی می‌گوید: «انجمن حجتیه، کاری به جامعه نداشته و اصولاً خودسازی را اصل قرار داده بود.»[۶]

رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی در مقابل این تفکر خانمان‌سوز سکوت نکرده، ضمن پیامی در مقابل آن ایستاد و فرمود: «یک دستهٔ دیگر هم که تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد شود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب مگر برای چه چیزی می‌آید، حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد؛ ما معصیت کنیم که او بیاید. این اعوجاجات را بردارید، این دسته‌بندی‌ها را برای خاطر خدا، اگر مسلمان هستید و برای کشورتان، اگر ملی هستید، این دسته‌بندی‌ها را بردارید. در این موجی که الآن این ملت را به پیش می‌برد، در این موج خودتان را وارد کنید و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پای‌تان خواهد شکست.»[۷]

پیامدهای اعتقاد به مهدویت از منظر انجمن

از نقاط قوت اندیشه‌های اجتماعی پیش‌برندگی و پیش‌روندگی آنها از طریق نظارت همگانی، یعنی برپایی فریضه امر به معروف و نهی از منکر برای سالم‌سازی جامعه است. اما از نوع نگاه انجمن حجتیه نور و روشنایی از جنس این ویژگی ساطع نمی‌شود. به‌بیان دیگر، در اندیشه انجمن حجتیه؛ «امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر دیگر جایی ندارد. واجبی است که باید ترک شود و حدّ الهی است که باید در تاریخ بایگانی شود؛ چرا که اجرایش، فریضه‌ای (ظهور مصلح) را به تأخیر می‌اندازد، پس وجوبش در ترک است. دیگر عاشورایی آفریده نمی‌شود، اصلاً نباید عاشورایی اندیشید. اندیشهٔ عاشورایی محکوم است. در این نگاه، قصهٔ کربلا افسانه‌ای می‌گردد که تنها ذکرش ثواب دارد و بس... حتی شورآفرینی عاشورا، عشق‌بازی قهرمانانش، در پای انتظار قربانی می‌شود. در این اندیشه، تمام تکالیف فردی و اجتماعی از انسان ساقط می‌شود.»[۸]

شهید مطهری با استناد به آیات پنجم سورهٔ قصص و صدوپنجم سورهٔ انبیا در این باره می‌فرماید: «از این آیات استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزهٔ اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدان‌ها در روایات استناد شده است، نشان می‌دهد که مهدی موعود(عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است. بنابراین، هر مبارزهٔ حق‌گرایانه‌ای، حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزهٔ جهانی و هر پیروزی، جلوه‌ای از پیروزی آن انقلاب بزرگ است.»[۹]

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۵۶.
۲ـ عمادالدین باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان، ص ۳۱ ـ ۳۰.
۳ـ همان، ص ۱۲۹.
۴ـ ابوالفضل صدقی، جریان‌شناسی انجمن حجتیه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۸۲۹۵، ۱۳۸۸/۹/۱۸.
۵ـ مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفهٔ تاریخ، ص ۷.
۶ـ محمدمهدی خالقی، مستند پوستین وارونه، ۱۳۹۱.
۷ـ عمادالدین باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان، ص۴۶.
۸ـ سیما محمدپور دهکردی، «مهدویت در اندیشه شهید مطهری»، مجلهٔ مهدویت، ش ۷۵، اردیبهشت ۱۳۸۶، ص ۸.
۹ـ مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفهٔ تاریخ، ص ۶۴.

آفاق

تحلیلی بر نسل نوین جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی ـ قسمت نودوششم

جنگ نرم اقتصادی با محوریت تغییر الگوی مصرف ملی

□ **دکتر سیامک باقری‌چوکامی/** الگوی مصرف در هر جامعه‌ای نشانه و جهت‌ساز ثبات یا تغییر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن جامعه به شمار می‌آید. تبارشناسی توجه قدرت‌ها به نقش الگوی مصرف در رفتارسازی مورد دلخواه نشان از سه پارادایم و طرح‌واره در بهره‌گیری از الگوی مصرف برای مقاصد جامعه صنعتی و فراصنعتی غرب دارد که نتایج هر یک از آنها هویت جدیدی از تهدیدات نرم را تعریف کرده است. این سه طرح‌واره عبارتند از: الگوی مصرف اقتصادی، الگوی مصرف فرهنگی و الگوی مصرف فکری و روانی که در این شماره الگوی مصرف اقتصادی تشریح می‌شود.

مصرف، پایه اصلی نظام سرمایه‌داری

اولین پارادایم الگوی مصرف برای تغییرات نرم جوامع، الگوی مصرف اقتصادی است که نقطه عطف آن به عصر صنعتی بر می‌گردد. در واقع، مصرف‌گرایی اقتصادی از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد و در نیمه اول قرن بیستم به اوج خود رسید. ریشه این تفکر نیز به نظام سرمایه‌داری مربوط می‌شود. «مصرف» یکی از مؤلفه‌های نظام سرمایه‌داری است. در این مکتب مصرف و تقاضای بیشتر، سبب تولید و عرضهٔ بیشتر و به تبع آن سود بیشتر می‌شود. بدین سان الگوی مصرف نقشی تعیین‌کننده در اقتصاد و در تخصیص منابع تولید، نوع کالای تولیدی و شیوه توزیع آن پیدا کرد. ارتباط این تفکر با جنگ نرم این است که جامعه و افرادی که دچار مصرف‌زدگی یا بیماری اسراف و تبذیر می‌شوند و مصرف کالاهای خارجی به ویژه لوکس آن به عادت‌واره آنها تبدیل می‌شود، چنین جامعه‌ای به طور طبیعی و ناخودآگاه تحت سلطه قدرت خارجی واقع شده و بدون کوچک‌ترین مقاومتی استقلال خود را از دست خواهد داد؛ زیرا اساساً در فرآیند عادت‌واره شدن مصرف کالاهای خارجی حس و درکی از جنگ نرم مبتنی بر صدور الگوهای مصرف اقتصادی ندارد تا بخواهد مقاومتی در برابر آن داشته باشد. چنین جامعه‌ای در شرایط استثمار فرانوینی قرار دارد که فکر می‌کند بدون احساس استثمارشدگی برای تأمین نیازهای عادت‌واره مصرفی خود، استثمار اقتصادی را می‌پذیرند.

به بیان دیگر، مردم در این پارادایم، مصرف را امری می‌دانند که بر مبنای خواست آنهاست و فقط برای رفع نیاز نیست. آنها چیزهایی را می‌خواهند بخرند که بر اثر تبلیغات از طریق فیلم‌ها، مطبوعات، صداوسیما و شیوه‌های تبلیغاتی دیگر در ذهن نقش می‌بندند. برای نمونه، زرین‌قلم و فراهانی (۱۳۷۳) در مقاله‌ای اشاره کردند که شست‌وشوی مغزی مردم با تبلیغات گسترده، چنان عمیق صورت می‌گیرد که بسیاری از مردم جهان گمان می‌کنند بدون نوشابه‌های گازدار و غذاهای آماده و کنسروها و لوازم آرایش و تزئینی و لوکس و تجملی نمی‌توان زندگی کرد. این در حالی است که حیات اقتصادی مبتنی بر سودمحوری و انباشت سرمایه، مصرف بی‌رویه و بدون توجه به نیازهای واقعی مغایر با اصول و مبانی دینی و حتی دور از تعالیم سنتی و بومی است که در آیاتی از قرآن و احادیث متعدد، این موضوع از مصادیق گناهان کبیره شمرده شده است. (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۴۵)

پیامدهای تغییر الگوی مصرف

از رهگذر تغییر الگوی مصرف کالاهای اقتصادی داخلی به الگوی مصرف کالاهای خارجی، چند اثر مخرب متوجه اقتصاد داخل خواهد شد که به مثابه تهدید نرم علیه دارایی‌های حیاتی و سرمایه کلیدی جوامع مصرف‌زده به شمار می‌رود:

۱ـ بروز حس خود کوچک‌بینی و حقارت نسبت به تولیدات داخلی؛ ۲ـ تضعیف قدرت اقتصادی و وابستگی اقتصادی؛ ۳ـ توقف تولید و رشد بیکاری و در نتیجه افزایش معضلات اجتماعی؛ ۴ـ ورود فرهنگ غربی به همراه مصرف کالاهای خارجی و تغییر ذائقه‌های فرهنگی و سیاسی؛ ۵ـ تضعیف فرهنگ دینی در جهت‌دهی سبک زندگی.

با این وصف، اولین اتفاقی که در مصرف مبتنی بر کالاهای خارجی در شرایط کنونی جامعه ما که در شرایط جنگ اقتصادی قرار داریم به وقوع می‌پیوندد، ضربه‌پذیری اقتصاد کشور و ضربه خوردن تولید ملی و داخلی است. تحقیق اسماعیلی(۱۳۸۹) نشان می‌دهد، حس کوچک‌بینی سبب می‌شود افراد هنگام خرید کالا و نیازهای روزمره تمایل خود را نسبت به خرید کالاهای داخلی از دست داده و بی‌اختیار در پی خرید اجناس خارجی باشند که نتیجه نبود اقبال عمومی و کم شدن تقاضا، انباشته شدن کالاها در انبارها و توقف چرخه تولید خواهد بود. رکود ناشی از توقف تولید، موجب تعطیلی کارخانه و رشد بیکاری و هزاران پیامد دیگر می‌شود و پیوند این عوارض با آثار جنگ نرم در حوزه‌های دیگر می‌تواند تهدیدات بزرگی را در مقابل ساختار سیاسی کشور ایجاد کند.

رهبر معظم انقلاب تعبیری که از خطر مصرف‌گرایی برای جمهوری اسلامی ایران دارند، «بیماری اجتماعی»(۱۳۸۵/۸/۱۸) است. ایشان در جایی دیگر تأکید می‌کنند: «مصرف‌گرایی، جامعه را از پای در می‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدان‌های مختلف شکست خواهد خورد.» (۱۳۸۱/۹/۱۵)

برندسازی و تغییر الگوی مصرف

برای اینکه مصرف کالاهای خارجی به عادت‌واره جامعه‌ای تبدیل شود، شگردهای گوناگونی به کار برده می‌شود. یکی از ترفندهای تبلیغاتی القای این نگرش است که کالاهای خارجی به علت مرغوبیت و بادوام بودن، برای دیگر جوامع مقرون به صرفه است. تکنیک برند و مد نیز از قوی‌ترین شیوه‌های مصرف‌زده کردن جوامع به کالاهای خارجی است. این فرهنگ(برند و مد) اکنون به یک عامل ضد تولید ملی و قدرت تولیدات و کالای دولت‌های بیگانه در کشور ایران تبدیل شده است؛ به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب دلسوزانه از مردم خواسته‌اند که برای منافع ملت ایران و سربلندی عزت ایرانی، با پدیده «برند» مبارزه کنند و نسبت به کالای ایرانی تعصب داشته باشند.

«محصولات داخلی را مردم مصرف کنند؛ نروند دنبال این نشانه‌ها. حالا مُد شده است بگویند «بِرَند» است، بِرَند فلان؛ بِرَند چیست! بروید سراغ مصرف تولیدات داخلی. آن چیزهایی که مشابه داخلی دارد، متعصّبانه و با تعصّبِ تمام، ملّت ایران، خارجیِ آن را مصرف نکنند. این را من فقط برای یک عدّه خاص نمی‌گویم؛ خب بله، وقتی ما می‌گوییم، یک عدّه متدیّنین فوراً گوش می‌کنند حرف را، پیغام هم می‌دهند فلان چیز را که خارجی است بخریم؟ فلان چیز را نخریم؟ من فقط برای متدیّنین و افرادی که برای حرف ما حجّیّت شرعی قائلند، این را نمی‌گویم؛ من این حرف را برای هرکسی می‌گویم که به ایران علاقه‌مند است، به آینده کشور علاقه‌مند است، به فکر بچّه‌های خودش است که بنا است فردا در این کشور زندگی کنند. شما مصنوعات خارجی را که مصرف می‌کنید، در واقع کمک می‌کنید به اینکه حجم آن بنگاه خارجی، آن کارگر خارجی، آن سرمایه‌دار خارجی، مدام بیشتر بشود و تولید داخلی ضربه بخورد، شکست بخورد.»(۱۳۹۳/۱۱/۲۹)

در فروردین سال بعد نیز بار دیگر رهبر معظم انقلاب درباره آفات و پیامدهای برند چنین گفتند: «دنبال اسم و رسم نروند، دنبال بِرَند نروند ـ این حرفی که حالا مرتّب تکرار می‌کنند: بِرَند، بِرَند ـ دنبال مارک نروند؛ دنبال مصلحت بروند. مصلحت کشور، مصرف تولید داخلی است، کمک به کارگر ایرانی است. بعضی‌ها هستند حتّی حاضرند به نفع کارگر هم شعار بدهند، رگ گردن را هم درشت کنند و شعار بدهند، امّا در عمل به کارگر ایرانی لگد بزنند. لگد زدن به کارگر ایرانی این است که انسان جنس مصنوع این کارگر را مورد استفاده قرار ندهد و برود مشابه این را از خارج بگیرد؛ گاهی هم به قیمت‌های گران‌تر! ما در برخی از صنایع در کشورمان جزء پیشروان دنیاییم، [امّا] در همان چیزها، می‌روند از بیرون چیزهایی را برمی‌دارند و به داخل می‌آورند و این وظیفه همه است.»(۱۳۹۴/۱/۱)

پردازش

امکان یا امتناع علوم انسانی اسلامی

□ **شهاب زمانی/** چندی پیش دبیرخانه هم‌اندیشی اسلامی مستقر در مرکز نوین علوم اسلامی در شهر قم از دکتر رضا داوری‌اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران برای حضور و سخنرانی در نشست علوم دینی و علوم انسانی اسلامی دعوت کرده بود. اما وی در این هم‌اندیشی شرکت نکرد و با صدور پیامی سرگشاده به این دعوت پاسخ داد.

دکتر داوری در بخشی از این نامه که به اذعان سایتش واجد لحن «اعتراض صریح به بدفهمی‌های صورت گرفته در باب اسلامی شدن علوم انسانی» است و موج جدیدی از مباحث را در کشور و در جمع نخبگان و فرهیختگان کلید زده، درباره «ارتباط میان علم و دین» نوشته است: «ماهیت علم با دین متفاوت است و علم، اساساً و ذاتاً نمی‌تواند متصف به وصف دینی شود، مگر در آنجا که موضوع و مسائلش به طور خاص، دین باشد، مانند علم فقه و اصول و تفسیر و حدیث و کلام و به تعبیر ایشان حتی فلسفه اسلامی و اما سایر علوم هر کدام موضوع و مسائل خاص خود را دارند و ملاک صحت و عدم صحت آنها مراعات روش مقرر در آن علم‌هاست.»

این نامه مجدداً مباحث و دیدگاه‌هایی را که در دهه اخیر با جدی‌تر شدن اسلامی‌سازی علوم انسانی غربی در جامعه ایرانی در باب امکان یا امتناع علوم انسانی اسلامی مطرح شده بود، احیا کرد. اما بازتاب ویژه این نامه به چند دلیل است:

یک ـ اهمیت و جایگاه ذاتی این بحث؛ طرح تحول در علوم انسانی و پیاده‌سازی علوم انسانی اسلامی از پروژه‌ها یا به عبارت بهتر، از پروسه‌های کلان و حیاتی برای نظام اسلامی است که می‌خواهد در حوزه گفتمانی و الگوسازی نظامات حکومتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای گذار به مرحله تمدن نوین اسلامی وارد شود و به هواداران خود در جهان نسخه عملی ارائه دهد. دقیقاً بخشی از مخالف‌خوانی‌ها و بی‌فایده و بدون نتیجه تلقی کردن‌ها با کلیت طرح‌های نظام اسلامی و دلسوزان از جنس تحول در علوم به همین دلیل است.

دو ـ آفت برداشت‌های سیاسی و برخورد سیاسی با مباحث؛ آیا اسلامی کردن علوم انسانی پروژه‌ای سیاسی و ایدئولوژیک است؟ یا هر نظام سیاسی حق دارد مطابق با اقتضائات و هنجارهای خود نظام آموزشی و فرهنگی را تغییر بدهد؟ با این نگاه چه بسا با سپری شدن چهار دهه از انقلاب اسلامی که قرار بود مطابق با نامش در خیلی از حوزه‌ها انقلابی عمل کند دیر هم شده است. البته طرح این مسائل بسیار مفید خواهد بود و موجب بالندگی دانش و معرفت در جامعه به ویژه جامعه نخوت‌زده علمی کشور خواهد شد؛ لذا نباید از نقد و تحلیل دیگران ناراحت و مکدر شد و اجازه داد با افزایش آستانه صبر و تحمل این مباحث در ساحت‌های علمی و مراکز و آکادمی جلو برود و بتواند مجاب‌سازی کند.

سه ـ جایگاه فردی داوری‌اردکانی نیز در حجم و نحوه بازتاب این نامه به ویژه از سوی رسانه‌های جریان سیاسی خاص دارای اهمیت است؛ زیرا وی از حیث خاستگاه علمی به نحله فردیدی تعلق دارد و همواره در طرح مباحث این چنین جزء موافقان بوده و بیشتر مباحث خود را در طرفداری از رویکرد تحولی انقلاب و نگاه گفتمانی آن ارائه کرده است و الآن طیف مقابل که هواداران دکتر سروش و دیگر روشنفکران مخالف اسلامی‌سازی علوم انسانی غربی هستند، با ذوق‌زدگی به استقبال مباحث وی رفته و آن را اعترافی به حقانیت خود پس از سال‌ها مقاومت می‌دانند. از این رو، مقالات و نوشته‌هایی در روزنامه کارگزاران و مکتوبات مجازی اصلاح‌طلبان که تنها از دریچه نقد غیرعلمی و با نگاه سیاسی وارد موضوع شده‌اند، جز افزودن بر شبهات این مباحث و مانع‌سازی برای آن در راستای خواسته دشمنان کارکردی دیگر ندارند.

هنر بزرگ سیدجمال

هنر بزرگ سیدجمال در مبارزه سیاسی او نبود؛ در این بود که اسلام را به عنوان یک دین زنده و به عنوان یک مایه زندگی و به عنوان یک مکتبی که یک نظام اجتماعی را در خودش دارد، مطرح می‌کرد.

(امام خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۲/۱۰)

روایت یار

امام خامنه‌ای در گذر زمان- ۱۸۰

دفاع از ارزش‌های معنوی

□ **سید مهدی حسینی/** در ادامه ماجراها و مباحث این ستون، سال ۸۶ وضعیت کشور به‌گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. این ایام با حوادث غم‌انگیزی همراه است؛ چراکه برخی از شخصیت‌ها، علما و مسئولان رده بالای نظام چون؛ مرحوم آیت‌الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری و استاد اخلاق و معرفت حوزه علمیه و آیت‌الله حق‌شناس، علامه عسگری و برخی مراجع تقلید وقت و برخی دیگر از بزرگان به ملکوت اعلی می‌پیوندند و غم و عزا و مصیبت بر جامعه آن روز سایه می‌اندازد. از سوی دیگر مسئولان نظام جمهوری اسلامی مشغول برگزاری انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی بودند و به شدت جامعه سیاسی به یک آرامش روحی و روانی نیاز داشت. در این اوضاع و احوال دشمن فرصت ایجاد آشوب و فتنه را فراهم می‌دید و در کمین بود. در چنین فضایی کمبود یک راه‌حل اساسی و مهم احساس می‌شد تا وضعیت عمومی کشور را در وضعیتی آرام و مناسب انتخابات قرار دهد. امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) در این زمان با درایتی که داشتند، تشخیص دادند که بیش از هر موضوعی باید بر تقویت معنویت اهتمام شود؛ چراکه قوی‌ترین کارایی را در اداره کشور داشت. ایشان هم مدام بر این موضوع تأکید می‌کردند. در آستانه ماه محرم، معظم‌له با توسل به ائمه اطهار(ع) و با بهره‌گیری از ارزش‌های اسلامی و معنوی مکتب اهل بیت(ع) در این باره رهنمود دادند و در مجلسی باشکوه متعلق به حضرت اباعبدالحسین(ع) درباره عاشورای حسینی فرمودند: «عاشورا را شیعه با همه وجود نگه داشتند، شما ببینید در طول سال‌های متمادی، قرن‌های متمادی، یاد امام حسین، نام امام حسین، تربیت امام حسین، عزای امام حسین، هرگز از بین مردم پیرو اهل‌بیت و مؤمن به اهل بیت خارج نشد. این را رها نکردند، هرچند خیلی تلاش شد. حالا شما قضیه متوکل و بستن راه را شنیده‌اید. اینها آن کارهای چارواداری، مخالفت‌های چارواداری، بوده است.

مخالفت‌های زیادی در طول زمان به شکل‌های ظاهراً عملی، به شکل احساساتی، به شکل تجربه‌ای انجام دادند، ولی شیعه نگه داشته و باید نگه دارد.

می‌گویند چرا ماتم و گریه و اشک را در بین مردم رواج می‌دهید؟ این ماتم و اشک برای ماتم و اشک نیست، برای ارزش‌هاست. آنچه پشت سر این عزاداری‌ها، بر سر و سینه‌زدن‌ها، اشک ریختن‌ها وجود دارد، عزیزترین چیزهایی که در گنجینه بشریت ممکن است وجود داشته باشد، او همان ارزش‌های معنوی الهی است. اینها را می‌خواهند نگه دارند که حسین‌بن‌علی مظهر این ارزش‌ها بود.»

ترویج معنویت و ارزش‌های معنوی در هر زمانی کارآیی دارد و همه در برابر آن مسئول هستند، باید از آن دفاع کنند و آن را گسترش دهند.

درنگ

ترور ناکام

گروه فرقان دو مرتبه به شیراز آمدند و دستگیر شدند و ظاهراً برای ترور من(ربانی شیرازی) آمده بودند، در شب ۹ فروردین ۱۳۶۰ پس از مراجعت از جهاد سازندگی در برابر بیمارستان حافظ از شیشه عقب مورد حمله واقع شدم. به مجرد آنکه در گردن احساس سوختگی کردم متوجه توطئه شدم، خودم را به کف ماشین انداختم، راننده از فریاد من متوجه پیشامدی گردید. از ماشین پایین آمد. یک نفر به نام محبی که همراهم [بود] تیری شلیک کرد. کسانی که قصد ترور داشتند، با فکر اینکه به مقصود رسیده‌اند با موتور فراری شدند. به هر حال، به راننده گفتم فوراً مرا به منزل برسان و آنها را تعقیب نکن. به منزل رسیدم و از منزل به شهربانی و سپاه و بیمارستان تلفن نمودند. آمبولانس فوراً آمد و مرا به داخل آمبولانس در حالتی که خون از گردنم می‌ریخت و لباس‌هایم آلوده شده بود، به بیمارستان بردند. ولی بحمدالله با اینکه تیر در حساس‌ترین محل بدن خورده بود، صدمات به کمترین حد بود و پس از چند روز بستری شدن به منزل منتقل گشتم.

(زندگی خودنوشت مرحوم آیت‌الله ربانی‌شیرازی)

رفع مانع ملی شدن صنعت نفت

مروری بر ماجرای ترور سپهبد رزم‌آرا به دست فدائیان اسلام

□ **اکبر ادراکی/** ترور رزم‌آرا را می‌توان یکی از عوامل مؤثر و تسهیل‌کننده ملی شدن صنعت نفت دانست که در اسفند ماه ۱۳۲۹ به دست خلیل طهماسبی، عضو برجسته فدائیان اسلام صورت گرفت. حاج‌علی رزم‌آرا در ۱۰ فروردین ۱۲۸۰ ه.ش در شب عید قربان در تهران به دنیا آمد. به همین دلیل «حاج» را به نام او افزودند. وی با ارتقا در ارتش شاهنشاهی به مقام سپهبدی رسید و به تدریج به یکی از قدرتمندترین افراد ارتش و سیاست کشور بدل شد. پدر او نیز نظامی بود و از افسران تحصیل‌کرده قزاقخانه به شمار می‌آمد. رزم‌آرا در دارالفنون تحصیل کرد و سپس به مدرسه نظام مشیرالدوله وارد شد و بعد به خدمت بریگاد مرکزی درآمد. در عملیاتی در شمال برای مقابله با جنگلی‌ها و طرفداران میرزا کوچک‌خان جنگلی شرکت مؤثر داشت. وی مدتی را برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و از دانشکده «سن سیر» فارغ‌التحصیل شد.

پس از بازگشت به فرماندهی هنگ کرمانشاه و فرماندهی تیپ لرستان رسید و سپس به تهران آمد و با انورالملوک هدایت، خواهر صادق هدایت ازدواج کرد و مدتی بعد به درجه سرتیپی ترفیع یافت و به عضویت شورای عالی جنگ برگزیده شد. وی مدتی معاون سپهبد فرانسوا ژرژ ژاندر فرانسوی، مؤسس دانشگاه جنگ بود و در آن دانشگاه تدریس می‌کرد. پس از شهریور ۱۳۲۰ و در دوران محمدرضا پهلوی وی به ریاست ستاد ارتش برگزیده شد و با افزایش محبوبیتش، فرماندهی دانشکده افسری و دفتر نظامی شاه نیز به او واگذار شد.

در ابتدا رابطه رزم‌آرا و شاه رابطه مثبتی بود و حتی احتمال نخست‌وزیری رزم‌آرا نیز می‌رفت، اما پشت پرده سیاست به نحو دیگری رقم خورد و افراد دیگری در این جایگاه قرار گرفتند و این امر موجب شد تا روز به روز رزم‌آرا از شاه فاصله بگیرد و با توجه به محبوبیت روزافزونی که در ارتش برای خود فراهم کرده بود، به رقیبی جدی برای محمدرضا بدل شود!

در تیر ماه ۱۳۲۹ مجلسی که به ظاهر در اکثریت هواداران رزم‌آرا بود، رأی تمایل به نخست‌وزیری او داد و شاه به ناچار آن را پذیرفت و در ۵ تیر ۱۳۲۹ او را به نخست‌وزیری منصوب کرد؛ اما دربار، جبهه ملی در مجلس و نیروهای مذهبی به رهبری سیدابوالقاسم کاشانی در خیابان، با او مخالف بودند. رزم‌آرا قصد داشت قرارداد الحاقی نفت (معروف به قرارداد گس-گلشائیان) را در مجلس به تصویب برساند؛ اما مخالفت جدّی و گسترده جبهه ملی به وی اجازه این کار را نداد که این امر موجب شد او در ۵ دی ۱۳۲۹ لایحه قرارداد الحاقی را از مجلس پس بگیرد.

رزم‌آرا که تلاش داشت با نزدیک شدن به قدرت‌های جهانی از جمله انگلیس در مسیر افزایش قدرت پیش رود، مخالفت خود را با ملی شدن نفت به انحای گوناگون اعلام کرده بود. از جمله در جلسه‌ای خصوصی در مجلس که در سوم دی ماه ۱۳۲۹ تشکیل شد، اظهار داشت: «ایران دارای آن قدرت صنعتی نیست که به خودی‌خود استخراج نفت کرده، در بازارهای دنیا بفروشد. ایرانی که یک کارخانه سیمان را نمی‌تواند با پرسنل خود اداره نماید و ایرانی که کارخانجات کشور را در اثر عدم قدرت فنی به صورت ناگواری درآورده است و ضرر می‌دهد، با کدام وسایل می‌خواهد نفت را شخصاً استخراج کند.!؟»

انتشار عمومی چنین اظهاراتی کافی بود که رزم‌آرا مهم‌ترین مانع ملی شدن نفت در اذهان عمومی معرفی شود؛ در این شرایط بود که در اسفندماه ۱۳۲۹ ترور رزم‌آرا به عنوان خائن به ملت در دستور کار فدائیان اسلام قرار گرفت. خلیل طهماسبی از اعضای این گروه اسلامی مأموریت یافت تا این پروژه را به انجام برساند. وی دو سال بعد، پس از تصویب قانون معاف شدنش از مجازات در تاریخ ۲۷ آبان سال ۱۳۳۱ در مصاحبه با مطبوعات، ماجرا را چنین تعریف می‌کند: «خیانت رزم‌آرا به وطن، بر ما (جمعیت فدائیان اسلام) محرز شده بود و من برانداختن او را برعهده گرفتم. پیش از انجام ترور، خانواده‌ام را از محل سکونت‌شان نقل مکان دادم؛ زیرا اطمینان داشتم که پس از رویداد، آنان را زجر و شکنجه می‌دادند. شب قبل از آن به خانه نرفتم و روز حادثه به مسجد رفتم که قرار بود رزم‌آرا برای شرکت در مراسم ترحیم آیت‌الله فیض به آنجا بیاید. هنگام ورود رزم‌آرا به مسجد، مأموران انتظامی مردم را از مسیر او دور ساختند. یک مأمور پلیس مرا برای دور شدن هل داد و دست بر سینه‌ام گذاشت. دستش به سلاح کمری من که در جیب بغل بود خورد؛ ولی متوجه آن نشد. من همچنان در صف اول بودم که رزم‌آرا به سه قدمی‌ام رسید و رد شد که به سویش دویدم و سه گلوله به او زدم. گلوله چهارم در لوله تپانچه گیر کرد. مأموران بر سرم ریختند و مرا که قصد مقاومت نداشتم، زیر مشت و لگد قرار دادند که از حال رفتم و تا دو روز چیزی نفهمیدم. پس از بهوش آمدن، نگرانی من از این بود که رزم‌آرا زنده مانده باشد و دیکتاتور شود که روز بعد با اخباری که به گوشم رسید، این نگرانی‌ام رفع شد. من خودم را آماده مردن کرده بودم و باکی از اعدام شدن نداشتم و حتی جملاتی را که می‌خواستم زیر چوبه دار بگویم، در ذهن آماده کرده بودم. در زندان بودم که ملت پیروز شد و نمایندگان آن (مجلس) مرا از مجازات معاف و آزاد کردند.»

اما برخی دیگر در این امر که رزم‌آرا با گلوله شلیک شده از سوی خلیل طهماسبی کشته شده باشد، تردید کرده‌اند! برای نمونه مهندس عزت‌الله سحابی می‌نویسد: «عده‌ای از محققین را نظر بر این است که گلوله‌ای که رزم‌آرا را از پا درآورد، از سوی یکی از محافظین خود او و با هدایت شاه و دربار شلیک شده باشد. شاه نگران کودتا بود؛ اما ترور رزم‌آرا در هر حال در برنامه فدائیان اسلام بود.»

سرهنگ ستاد غلامرضا مصوررحمانی در خاطرات خود می‌نویسد: «زندانیان هم‌بند خلیل طهماسبی معتقد بودند تیر او موجب قتل رزم‌آرا نشده. البته او تیری انداخته بود، ولی آن تیر اصابت نکرده است؛ زیرا شش تیر کوچک او کالیبر کوچک و سرعت اولیه کمی دارد، حال آنکه وسعت زیاد زخم گلوله و نفوذ عمیق آن در بدن رزم‌آرا نشان می‌داد گلوله از سلاح کمری کلت و با کالیبر بزرگ رها شده که تنها ارتش در اختیار داشت.» وی مدعی است: «خلیل طهماسبی با اتکا به فضای ایجاد شده و عفو پس از آن سعی داشت ترور را به خود منتسب کند و به عکس بعد از کودتای ۲۸ مرداد هر چه سعی کرد این ترور را از خود باز کند، تلاش او به جایی نرسید.»

اظهارات امیر اسدالله علم نیز که در یادداشت‌های روز ۲۷ بهمن ۱۳۴۹ وی بازتاب داشته است، تردیدها را نسبت به این ماجرا افزایش می‌دهد. وی می‌نویسد: «در هواپیما نشسته بودیم. به سوئیس می‌رفتیم. شاهنشاه صحبت عجیبی فرمودند... هر که با من در افتاده از بین رفته... مثال برادران کندی را می‌زدند... در داخل هم مصدق و قوام‌السلطنه و رزم‌آرا که من یقین داشتم خیال سوء نیت به شاه داشت، کشته شده بودند.»

سیدضیاء طباطبایی نیز در خاطرات خود به نحوی به این ماجرا اشاره دارد که گویا شاه از قبل، از ماجرای ترور آگاه بوده است. او نقل می‌کند: «خدمت اعلیحضرت بودم تا مشورتی داشته باشم...اما نوعی حواس‌پرتی و پریشان‌خاطری در ایشان می‌دیدم. مدام به ساعت نگاه می‌کردند. به تلفن خیره می‌شدند و اصلاً حواس‌شان به من نبود... در این اثنا در باز شد. کسی شتاب‌زده در آستانه در ظاهر شد و بدون اینکه مرا دیده باشد یا بر اثر هیجان با صدای بلند گفت: تمام شد قربان! اعلیحضرت راحت توی صندلی افتاد و چشم‌ها را بست و پس از لحظه‌ای گشود و به من گفت: آقا! فردا پس فردا بیایید تا حرف‌مان را تمام کنیم.»

به هر حال مرگ رزم‌آرا از مرگ‌های مشکوک و مؤثری بود که بستر را برای تحولی تاریخی در ایران زمین فراهم آورد و بسترساز اصلی ملی شدن نهضت نفت شد.

تاریخ ایران

قطع رابطه ایران و انگلیس

□ **مرتضی دخیلی/** قدمت رابطه ایران و انگلیس به بیش از چهار قرن می‌رسد. اولین بار استعمارگران انگلیسی تحت لوای تجار و بازرگانان غربی وارد خلیج‌فارس شدند و تلاش کردند تا روابط اقتصادی خود را با شاه طهماسب اول برقرار کنند.

در طول دو قرن اخیر و به ویژه در دوران حاکمیت خاندان قاجار و پس از آن پهلوی، انگلیسی‌ها نقش مؤثری در تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران داشتند و با توسل به قدرت نظامی و توان اقتصادی بر تصمیم‌گیری‌های دربار ایران تأثیر می‌گذاشتند. نقش ایران در منطقه خاورمیانه و اثر مستقیم آن در تأمین منافع امپراتوری بریتانیا در شبه قاره هند موجب شده بود تا ایران به طور خاص مورد توجه انگلیسی‌ها قرار گیرد. این اهمیت آنجا دوچندان شد که چاه‌های نفت ایران برای اولین بار شناسایی شد و چرخ صنعت بریتانیا نمی‌توانست نسبت به آن بی‌اعتنا باشد!

برای اولین بار رابطه ایران و انگلیس در دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق و پس از ملی شدن صنعت نفت در آخرین روز مهر ماه ۱۳۳۱ قطع شد. اما سال بعد و چهار ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت مصدق که با دخالت‌های مستقیم سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس انجام شد، رابطه ایران و انگستان از سر گرفته شد.

پس از انقلاب اسلامی روابط ایران و انگلیس دستخوش تحولات جدیدی شد و طبیعی بود که کینه و نفرت ملت ایران از استعمارگران انگلیسی آنقدر زیاد باشد که نتوان انتظار رابطه‌ای گرم داشت! در آبان ماه ۱۳۵۸ چند روز پس از آنکه دانشجویان سفارت آمریکا را تسخیر کردند، گروهی از آنان به سمت سفارت انگستان حرکت کردند که با دخالت پلیس موفق نشدند وارد سفارتخانه شوند، اما بریتانیا به دلیل این اتفاق و اوضاع حاکم بر ایران دیپلمات‌هایش را از تهران فراخواند که پس از چند ماه، مجدد روابط عادی شد.

در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی یک‌بار دیگر انگلستان سفارتخانه‌اش در تهران را تعطیل کرد و یک سال بعد در پاییز ۱۳۶۷ با دیدار دکتر علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران و ریچارد ادوارد جفری هاو، همتایش در بریتانیا، تصمیم گرفته شد روابط از سر گرفته شود.

چند ماه پس از آن و در پی فتوای امام خمینی(ره) در بهمن ماه ۱۳۶۷ درباره سلمان رشدی، انگلستان بار دیگر سفارتش را به حالت نیمه‌تعطیل درآورد. انگلیسی‌ها را می‌توان طراحان اصلی پروژه توهین به اسلام و نبی مکرم اسلام(ص) و حامیان اصلی سلمان رشدی دانست که بابت حمایت از

او حاضر به پرداخت هزینه‌های گزافی شدند و سال‌ها روابط خود را با بخشی از کشورهای اسلامی و با میلیون‌ها نفر از ملت مسلمان تیره کردند! سلمان رشدی تا سال ۱۳۷۶ ه.ش تحت حفاظت بسیار شدید مأموران انگلیسی قرار داشت و پنهانی زندگی می‌کرد. با توجه به اقتصاد آن روزهای انگلیس، پلیس این کشور سالیانه یک میلیون دلار برای محافظت از سلمان رشدی هزینه می‌کرد و همین امر انتقادات فراوانی را متوجه رشدی کرد. رشدی درباره این موضوع در مصاحبه‌ای گفت: «بزرگ‌ترین مشکلی که داشتم و همیشه به آن فکر می‌کردم، این بود که من نمرده بودم. اگر من مرده بودم هیچ‌کس در انگلیس به هزینه‌های امنیت من اعتراض نمی‌کرد.»

تاریخ حماسه

عملیات شکست حصر آبادان ـ ۵

□ **حمیدرضا میری/** از جمله ویژگی‌های طرح عملیات ثامن‌الائمه، پیش‌بینی رزمایش احاطه‌ای از محور نهر شادگان در جبهه دارخوین بود. بررسی جبهه دشمن در زمین‌های شرق کارون نشان می‌داد، ارتش عراق در جبهه شمال شرق کارون به دلیل پیشروی آب هور موفق به ایجاد خطوط دفاعی به هم پیوسته‌ای در حد فاصله جبهه ماهشهر و جبهه دارخوین نشده است. در این فاصله، حدود ۱۶ تا ۱۸ کیلومتر فضای باز بدون عارضه طبیعی یا مصنوعی وجود داشت. از این رو، محدوده نهر شادگان (این نهر که دارای عرض چهار تا پنج متر و عمق حدود دو متر است، از شهر شادگان شروع شده و به منطقه مارد در حاشیه رود کارون منتهی می‌شود. نهر شادگان، آب‌های سرریز (اضافی) هور شادگان را به کارون منتقل می‌کرد. در برخی از فصول سال، نهر خشک شده و امکان تردد در آن فراهم می‌شد.) برای مسیر حرکت گردان‌ها به عمق منطقه دشمن انتخاب شد.

اجرای عملیات از محور نهر شادگان به سبب آنکه از مقابله مستقیم با خطوط دفاعی محکم ارتش عراق پرهیز و به جناح آن حمله می‌شد، اهمیت داشت. در صورت نفوذ نیروهای خودی به عمق دشمن، سه رده اصلی دفاعی ارتش عراق در جبهه شمالی دور زده می‌شد و شرایط برای دسترسی به عقبه نیروهای عراقی بر روی رودخانه کارون فراهم می‌شد. در انتخاب این محور و فراهم کردن شرایط برای به نتیجه رسیدن تلاش‌ها، شناسایی‌هایی که حسن باقری انجام داد، نقش اصلی و اساسی را ایفا کرد.

از جمله تدابیر پیش‌بینی شده در رزمایش، انتقال جریان نفت سیاه به روی رودخانه کارون و آتش زدن آن در محدوده تحت سلطه عراقی‌ها در صبح روز اول عملیات بود. هدف از اجرای این طرح، جلوگیری از پشتیبانی نیروهای دشمن از طریق دو پل (قصبه و حفار) و اختلال در ارتباط بین نیروهای عراقی در شرق و غرب رودخانه بود. بر اساس این تدبیر و با همکاری نیروهای شرکت نفت و دیگر ارگان‌های ذی‌ربط، لوله‌های انتقال نفت تا ۳۰۰ متری ساحل شرقی کارون کشیده شدند و سپس در فاصله انتهای لوله تا ساحل، کانال‌هایی به سمت کارون حفر شد و قرار شد در زمان مقرر با باز کردن لوله‌ها حجم زیادی نفت سیاه از طریق کانال‌ها به رودخانه جاری شود و از ساعت‌های اولیه صبح عملیات و بنا به دستور با آتش زدن نفت روی آب، آتش به پل‌ها سرایت کرده و در ارتباط نیروهای عراقی در شرق و غرب کارون اختلال ایجاد شود.

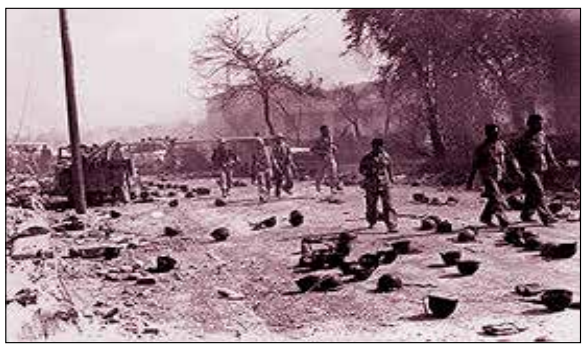

تاریخ جهان

مراکش از استعمار تا استقلال ـ ۱

□ **دکتر عبدالله شهبازی/** مراکش پس از سال‌ها مستعمره بودن در سوم مارس ۱۹۵۶ میلادی (۱۲ اسفند) استقلال خود را از کشور فرانسه اعلام کرد. مراکش یا مغرب، کشوری در شمال غربی آفریقا است که ساحلی طولانی با اقیانوس اطلس دارد و از شمال به جبل‌الطارق و دریای مدیترانه می‌رسد. کشور مراکش از سوی خاور با کشور الجزایر، از غرب با اقیانوس اطلس و از جنوب با کشور موریتانی همسایه است.

قبایل ساکن منطقه شمال آفریقا از دیرباز روابطی گسترده با ملل و تمدّن‌های کهن فنیقی، کارتاژی، رومانی، وندالی و بیزانسی داشته‌اند. با وجود این، هیچ‌یک از این تمدّن‌ها توانایی تسلّط کامل بر منطقه را نداشتند؛ چرا که قبایل ساکن آن دارای صفات متمایزی، چون ایستادگی و مقاومت و همچنین آزادی‌خواهی و پایبندی به فرهنگ و زبان خود بودند.

با رسیدن دعوت اسلامی به آن منطقه در سال ۵۰ هجری قمری (برابر سال ۶۶۵ میلادی) ساکنان منطقه با اهداف اسلامی آشنا شدند و دین اسلام را پذیرفتند. اسلام، سرانجام در سال ۱۷۰ هجری قمری (برابر با سال ۷۸۶ میلادی) و به طور مشخص پس از حضور ادریس بن‌عبدالله بن‌الحسن بن‌الحسن ابن‌علی، به صورت ریشه‌ای و بنیادین در منطقه گسترش یافت تا اینکه مراکشی‌ها وی را به امیرالمؤمنین بودن برگزیدند و پس از بیعت و اعلام وفاداری، با کمک او نخستین دولت اسلامی مستقل از خلافت مشرق عربی را بر پا کردند که نام دولت ادریسیان را به خود گرفت.

ساکنان و حکمرانان مراکش، گذشته از تفاوت‌های قبیله‌ای و ریشه‌ای خود، همواره کوشیدند تا دین اسلام را نه تنها در سراسر کشور، بلکه در مناطق جنوب و دیگر سرزمین‌های آفریقایی نیز بسط دهند؛ آنها همچنین تلاش کردند اسلام را در مناطق شمال و کشورهایی، همچون اسپانیا، پرتغال و جنوب فرانسه گسترش دهند.

منطقه مغرب عربی، در حقیقت حاشیه امنیّتی و استراتژیکی اروپا و کشورهای حوزه دریای مدیترانه است و همین عامل سبب تبدیل منطقه به یکی از کانون‌های اختلافات بین‌المللی است. سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۹۱۲ مصادف با حکومت‌های حسن اول، عبدالعزیز و مولای حفیظ است. مراکش در این دوران به دلیل رقابت قدرت‌های بزرگ استعماری، استقلال خود را حفظ می‌کند. با این اوصاف، شاهد تقسیم مراکش از طریق معاهدات استعماری، به تکه‌های مجزّا هستیم.

سال ۱۸۸۵، مصادف با پادشاهی «حسن اول»، مراکش از دریای مدیترانه تا رودخانه سنگال وسعت داشت و متشکّل از مراکش کنونی و کشورهای جمهوری دموکراتیک عربی صحرا و موریتانی بود که میان کشورهای فرانسه (به اعتبار حضور سنتی در الجزایر از ۱۸۳۰ و تونس از ۱۸۸۱) و اسپانیا تقسیم شد. اشغال مصر، در سال ۱۸۸۳، به دست انگلستان، دست فرانسه را در مغرب باز گذاشت و فرانسه توانست به یگانه استعمارگر منطقه شمال آفریقا مبّدل شود.

مذاکره برای تقسیم مراکش در میان قدرت‌های اروپایی سه ماه متوالی (از تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۰۶ تا ۷ آوریل ۱۹۰۶) طول کشید و نشست «جزیره خضراء» نامیده شد. در این نشست، کشورهای آلمان، فرانسه، اسپانیا، انگلستان، پرتغال و ایتالیا حضور داشتند و درباره مسائلی از قبیل اشکال گوناگون دیپلماتیک، نظامی، اقتصادی و حل و فصل بحران بحث و بررسی شد.

از این سال به بعد، مبارزه علنی مردم علیه سلطه فرانسه تحت رهبری «عبدالکریم خطاب» آغاز می‌شود. در سال ۱۹۲۷ میلادی، «محمدبن‌یوسف» (محمد پنجم) به تخت سلطنت می‌نشیند و به علّت مخالفت با سلطه فرانسوی‌ها، بدون اینکه خواهان گسستن کامل از فرانسه باشد، به یک چهره ملّی تبدیل می‌شود و در آینده به پدر استقلال مراکش شهرت می‌یابد. فرانسه که حاضر به پذیرش استقلال مراکش نبود، کوشید از برخی گروه‌ها علیه محمد پنجم استفاده کند که در رأس آنها «الجلاوی» بود.

از این رو، به خواسته هواداران الجلاوی که خواستار عزل محمد پنجم بودند، جواب مثبت داد و محمد پنجم را به همراه خانواده‌اش به ماداگاسکار تبعید کرد. تبعید محمد پنجم، نقش مثبتی در تحقّق استقلال این کشور ایفا کرد و مردم خواستار بازگشت وی و اعلام استقلال کشور شدند. از سویی قیام الجزایر علیه فرانسه، عاملی در جهت تضعیف حضور فرانسه در مراکش شد و فرانسه به منظور جلوگیری از سرایت این قیام بر همه منطقه و فشارهای مردمی در داخل، به تدریج زمینه را برای پذیرش خواست عمومی مردم مراکش فراهم کرد.

دولت فرانسه در سال ۱۹۵۵، تصمیم به مراجعت سلطان‌محمد گرفت و از وی دعوت کرد تا برای حلّ اختلافات به فرانسه مسافرت کند. به دنبال مذاکرات سن ـ کلو در پاریس، محمدبن‌یوسف موافقت مراجعت به مراکش و استقلال این کشور را به دست آورد. محمدبن‌یوسف، در شانزدهم نوامبر ۱۹۵۵، با پیروزی تمام وارد رباط، پایتخت مراکش شد و به نام محمد پنجم بر تخت سلطنت نشست و در روز دوم مارس ۱۹۵۶، استقلال کامل کشورش را از طریق تونس به دست آورد.

مراقبه تا مرگ

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدمهدی حسینی همدانی گفت: اگر همه مباحث اخلاقی را بدانیم، اما اهل مراقبه نباشیم و دائم به نفس، اعمال و افکار خود سرک نکشیم، به نهایت و غایت متعالی وجودی خود دست نمی‌یابیم. مراقبه به مداومت و استمرار نیاز دارد. حبّ نفس اجازه نمی‌دهد انسان پا روی نفع و سود خود بگذارد. مراقبه دستوری است که سفارش شده تا زمان مرگ انسان بر آن اهتمام داشته باشد و لحظه‌ای را به غفلت نگذراند.

آیینه خواص

سهل‌بن‌حنیف-۲
کارگزار مورد اعتماد

حضور سهل و ایمان راسخ او در میان مسلمانان در ابتدای تشکیل دولت در مدینه روشن‌تر است؛ زیرا از نظر اعتقاد و ایمان به پیامبر(ص) و اسلام جزء افراد مهم در میان اهل مدینه است و مشخصه بارز آن ایجاد پیمان اخوت میان سهل و امام علی(ع) به وسیله پیامبر(ص) است.

ابتدا تا سرانجام زندگانی، سهل همواره پیرو دستورات پیامبر(ص) و وصی بر حق آن حضرت بود. اعتقادات و گرایش‌های سهل‌بن‌حنیف اظهار نظر درباره اعتقادات مسلمانان نخستین در برخی موارد کار بسیار دشواری است. با این حال، گرایش به سمت خاندان پیغمبر در بین برخی از یاران رسول خدا(ص) و اعتقاد به حقانیت خلافت آنان از همان زمان مشخص بود و اگرچه اظهار نظر درباره گرایش‌های برخی از صحابه در این زمینه دشوار است؛ اما با بررسی منابع گوناگون و سخنان و موضع‌گیری مسلمانان صدر اسلام تا حدودی می‌توان به این مهم دست یافت. بنا به سفارش رسول خدا(ص)، سهل به همراه برادرش عثمان از جمله افرادی بودند که از امام علی(ع) طرفداری کردند و در دفاع از حقانیت امام(ع) سخن گفتند. در روایتی از امام صادق(ع) آمده است، سهل‌بن‌حنیف در اعتراض به خلافت برخی چنین سخن گفت: «ای معشر قریش، گواه باشید که من شهادت می‌دهم رسول خدا(ص)را در این مسجد دیدم که دست علی را گرفته و چون به نزدیک اصحاب رسید، فرمود: ای مردم، این علی؛ پس از من امام(ع) و پیشوای شما است و در حیات و مرگ وصی و جانشین من است و پس از مرگ اداکننده بدهکاری‌های من و برآورنده وعده‌هایم است؛ همو است نخستین فرد که در کنار حوض با من مصافحه خواهد کرد، پس خوشا به حال کسی که او را پیروی نموده و یاریش کند و وای بر کسی که از او تخلّف نموده و و ی را تنها گذارد.»

در آن برهه از زمان، شهادت سهل‌بن‌حنیف افزون بر اینکه از شجاعت وی حکایت دارد، نشان از اعتقاد عقلی و قلبی وی به امام(ع) است. سهل به صورت صریح جانشینی را حق امیرالمؤمنین علی(ع) می‌داند و از حقانیت ایشان دفاع می‌کند. وی به شهادت خویش اعتقاد کامل دارد و بنابر سفارش رسول خدا(ص)، تنها شخص شایسته خلافت را امام علی(ع) دانسته و راه سعادت و نیکبختی را در پیروی از آن حضرت می‌داند. چنانکه سهل پس از رحلت پیامبر(ص) بر این اعتقاد خویش باقی ماند و همواره از یاران وفادار به امام(ع) و از نزدیکان ایشان بود. افزون بر این، در سراسر زندگی سهل شاهد فرمانبرداری سهل از امام علی(ع) هستیم.

سهل از جمله افرادی است که حدیث غدیر را نقل کرده است. وی از جمله مشاوران و افراد قابل اعتماد امام علی(ع) بود. زمانی که عثمان نماز جماعت حضرت را منع کرد، امام علی(ع) سهل را برای برگزاری نماز فرستاد که این بر جایگاه سهل نزد امام(ع) و مسلمانان دلالت دارد. وی از جمله افرادی است که پس از کشته شدن عثمان با امام علی(ع) بیعت کرد.

از جمله مواردی که به خوبی می‌توان از گرایش‌های سهل به امام علی(ع) و تشیع اشاره کرد، تسلیم‌پذیری وی نسبت به رأی و تصمیم آن حضرت و اعتماد کامل امام علی(ع) به سهل‌بن‌حنیف در شرایط دشوار و سپردن مسئولیت‌های مهم به وی بود. برای نمونه، در حالی که ابن‌عباس از امارت شام سرباز زد، امام(ع) سهل را فرستاد و او اطاعت کرد؛ در حالی که می‌دانست شاید به دست افراد معاویه کشته شود. در جنگ جمل امام(ع) سهل را به عنوان والی مدینه برجای گذاشت. سهل از ایجاد تفرقه و جنگ در مدینه جلوگیری کرد و مردم را به سوی امام علی(ع) و دوری از فتنه و جنگ فراخواند.

تساوی زن و مرد در رشد و کمال معنوی

آیت‌الله عبدالکریم فرحانی*

در ارتباط با موضوع «جایگاه زن در تفکر دینی» اولین مبحثی که لازم است به آن توجه شود، اصلِ «ضرورت‌شناسی» این مبحث است. مسئله زن در تفکرات دینی و اسلامی و قرآنی از سه نظر ضرورت بررسی دارد.

بعد کلامی

بعد کلامی و عقیدتی یکی از جنبه‌های مهم است. این نکته حائز اهمیت است که بسیاری از جمعیت یک جامعه را حداقل خواهران و بانوان تشکیل می‌دهند. اگر مکتبی به منزله یک نظام فکری منسجم نتواند جایگاهِ نیمی از جمعیت بشری را درست تبیین کند، به طور حتم از نظر عقیدتی و کلامی نخواهد توانست مکتب برتر باشد.

بعد تربیتی

رسالت بسیار بزرگ تربیت کردن و به وجود آوردن مایه‌های تربیتی در جامعه بشری به عهده خانم‌هاست یا به طور مستقیم در مقام مادری و همسری یا به طور غیر مستقیم، زیرا حضور بانوان در محیط‌های گوناگون جامعه، اگر حضوری درست و تعریف‌شده نباشد، به طور حتم برای خود و جامعه مشکلات تربیتی به وجود خواهد آورد؛ البته این موارد درباره آقایان نیز صادق است.

بعد سیاسی

شهید مطهری به این مسئله بسیار زیبا اشاره کرده است. روزگاری برای استثمارِ جامعه‌ها از ابزار جهالت استفاده می‌شد؛ اما مدت‌هاست که استثمارگران به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه استثمار جامعه استفاده ابزاری کردن از شخصیت زن است. حتی در جامعه خودشان (کارخانه‌داران مجلس عوام انگلیس) از شخصیت زن برای استثمار و استعمار سیاسی جامعه بهره‌مند می‌شدند.

رشد اخلاقی و معنوی زنان

اگر گفته می‌شود زن موجودی مثبت است، آیا با عمل صالح می‌تواند رشد کند و به تعالی برسد؟ اگر پاسخ مثبت است؛ این رشد تا کجا می‌تواند باشد؟

خداوند در آیه ۳۵ سوره احزاب می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْقَانِتَاتِ وَ الصَّادِقِينَ وَ الصَّادِقَاتِ وَ الصَّابِرِينَ وَ الصَّابِرَاتِ وَ الْخَاشِعِينَ وَ الْخَاشِعَاتِ وَ الْمُتَصَدِّقِينَ وَ الْمُتَصَدِّقَاتِ وَ الصَّائِمِينَ وَ الصَّائِمَاتِ وَ الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَافِظَاتِ وَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَ الذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظِيماً».

دقت کنید «مسلمین و مسلمات»، یعنی چه مرد چه زن، «قانتین و قانتات» (قنوت در اصطلاح قرآن اطاعت همراه با خضوع است)؛ آیه می‌گوید آنهایی که اطاعت می‌کنند توأم با خضوع چه مرد باشند چه زن، الی آخر «اعدالله لهم مغفره و اجرا عظیما» خداوند مغفرتش را و اجر بسیار بزرگی را در نظر گرفته است.

دو دسته قانون در قرآن

علامه‌طباطبایی می‌فرماید: «ما در اسلام دو گونه قانون داریم ۱ـ قانونِ مَداری، ۲ـ قانونِ مَنزلی. قانون مداری به اصطلاح قانونی است که در مسیر حرکت انسان به سوی کمال همواره حاکم و پابرجاست و در هیچ مقطعی از دوره‌های حرکت انسان و جامعه و تاریخ بشری این قانون استثنا نمی‌شود. قانونی است مربوط به مدارِ حرکت انسان، اما قانون منزلی قانونی است که در مراحل گوناگون تغییر می‌کند. یک قانون ممکن است در یک منزل و در یک مقطع وجود داشته باشد و در منزل و مقطع دیگر، قانون دیگری وضع شود. «اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» قرآن می‌فرماید یک قانونِ مداریِ ثابت وجود دارد و آن اینکه جامعه اسلامی باید برای مقابله با دشمنان مهیا باشد.

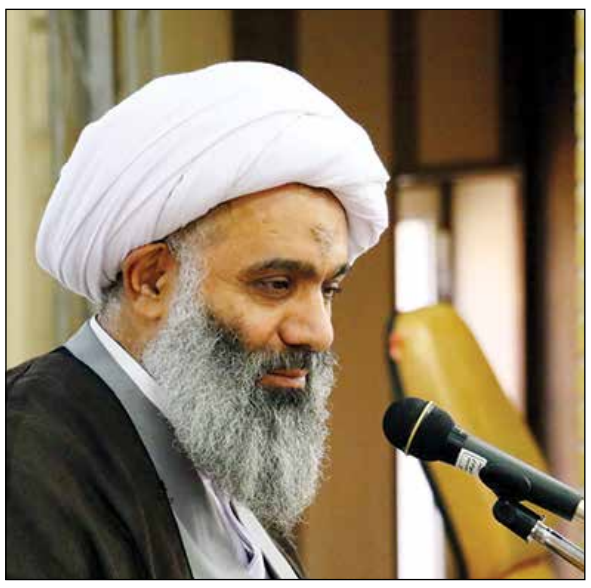

هر چه قدر که می‌توانید از قوه، نیرو، استعدادها را برای مقابله با دشمن بسیج کنید. در همه مراحل و در همه مکان‌ها این «اعدوا لهم مااستطعتم» ثابت است. بعد قرآن اضافه می‌کند: «و من رباط الخیل» اسب‌های آماده کارزار. یکی از موارد قوه و استعداد در مقابل دشمن، در آن مقطع و زمان، رباط خیل است. بعد در ادامه می‌فرماید: «ترهبون به عدوالله و عدوکم» با این اسب‌ها دشمنان خدا و دشمنان خودتان را باید بترسانید. این آیه یک قانون مداری و یک قانون منزلی دارد. جامعه اسلامی برای مقابله با دشمن باید همه نیرو و استعدادش را بسیج کند، ولی در زمان پیغمبر(ص) آن استعدادی که برای مقابله با دشمن وجود داشت، اسب آماده کارزار بود. اسب آماده بیانِ یک قانون منزلی است و در زمانه ما اسب دیگر ترسی برای کسی ایجاد نمی‌کند، پس این قانون دیگر اجرا نمی‌شود. نقش زمان و مکان در اجتهاد مهم است.

ملاک برتری در منظر قرآن

ملاک برتری در مسیر حرکتِ انسان به سوی خدا ایمان و عمل صالح است. ایمان و عمل صالح ملاک برتری و امتیاز در اسلام است. نه به قومیت بستگی دارد و نه به جنسیت. قرآن اعلام می‌کند انسانی که در سایه ایمان و عمل صالح حرکت کند، چه زن باشد و چه مرد، می‌تواند به سوی خدا حرکت کند. هر کس که در این مسیر حرکت کرد، به خدا تقرب بیشتری خواهد داشت که «ان اکرمکم عند الله اتقاکم». پس در قانون ما که قانون مداری است، ملاک برتری ایمان و عمل صالح است.

قانون حرکت به سمت خدا

در سوره تحریم همین قانون مداری را تطبیق می‌دهد. خداوند در آیات بسیار زیبای سوره تحریم می‌فرماید: «ضرب‌الله مثلاً» ببینید خدا مثال‌ها را به چه نحوی دقیق و با حساب و کتاب بیان کرده است. «ضَرَبَ‌الله مَثَلاً لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَةَ نُوحٍ وَامْرَأَةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا الصَّالِحَيْنِ» خدا برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثال می‌زند که شوهران‌شان پیغمبر بودند «کانتا تحت عبدین من عبادنا الصالحین». این دو زن کافر بودند و عمل صالح نداشتند، نتیجه‌اش می‌شود: «فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ»؛ (تحریم: ۱۰) این پیامبران نتوانستند برای زن‌های‌شان کاری بکنند، چون این دو زن در چارچوب ایمان و عمل صالح قرار نگرفته بودند، به همین دلیل نتیجه‌ای جز آتش نداشتند.

بلافاصله برای آنکه مردها اشتباه نکنند، آن طرف را هم مثال می‌زند «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ (تحریم: ۱۱) ببینید قرآن چه منطقی دارد. خداوند برای زن مؤمن، آسیه همسر فرعون را مثال می‌زند. این اعجاز قرآن است که بلافاصله دو مرد صالح را در کنار دو زن ناصالح نشان بدهد. قانونِ مداریِ ایمان و عمل صالح ملاک است. نوح و لوط خوبند و به بهشت می‌روند؛ اما زنان‌شان ناصالح هستند و از این رو به جهنم می‌روند. از طرفی فرعون بد است، اما زن فرعون تقاضا می‌کند که خانه‌ای در بهشت داشته باشد و از شرّ شوهر خود و اعمال زشتش رهایی یابد.

برای آنکه قانون مداری ایمان و عمل صالح تبیین شود، قرآن می‌فرماید فرقی نمی‌کند مرد ایمان و عمل صالح داشته باشد یا زن. هر یک که این ملاک را رعایت کند، بالا می‌رود.

این قانونِ مداریِ قرآن برای اوج پیدا کردن و تعالی یافتن است و جنسیت در آن ملاک نیست. قومیت ملاک نیست. نظام تفکر قرآنی و نظام تفکر اسلامی قومیت را الغا کرده است. می‌گوید ملاک اسلام قومیت نیست جنسیت را هم الغا کرد. عرب و عجم و زن و مرد و کوچک و بزرگ «ان‌الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملوالصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» بروید در قانون ایمان و عمل صالح تا رشد کنید و بالا بیایید.

*** نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری**

نقطه‌نظر

حضرت فاطمه سرچشمه ثقلین!

حجت‌الاسلام سیدمهدی میرباقری/

خدای متعال دو تا حقیقت را به وجود نبی اکرم(ص) عطا کرده که ادامه خیرات و برکات وجود مقدسش از طریق این دو سرچشمه است؛ یکی قرآن و دیگری هم اهل بیت(علیهم‌السلام) که همه حقایق در این دو باقی هستند. این دو حقیقت در ظرف وجودی فاطمه زهرا(س) به نبی اکرم اعطا شده است.

روایت از وجود مقدس امام صادق(ع) نقل شده است که فاطمه حبیبه خدا و سرّ الهی است. بنابراین لیله‌القدر یعنی فاطمهٔ الله. خدای متعال قرآن را در ظرف وجود حضرت زهرا(س) از عالم والا تنزل داده تا قلب نبی اکرم.

حضرت فاطمه شب قدر نبی اکرم است. شب قدری که خدا به حضرت عطا کرده و در آن شب قدر همه حقیقت قرآن را بر قلب حضرت نازل کرده وجود مقدس حضرت زهرا(س) است.

اما دومین فیضی که حضرت رسول‌الله(ص) آوردند، ائمه است. وقتی بنا است این نور در عالم دنیا بیاید، باید پیغمبر خاتم به معراج بروند. آنجا وقتی از عالم انبیاء عبور می‌کنند، خدای متعال یک مهمانی خلوت با این پیغمبر دارد که آنجا در آن اطعامی که به حضرت می‌کنند، نور حضرت زهرا(س) را به ایشان می‌دهند. بعد فرمود از این نور انوار ائمه را بیرون می‌آورم. خیلی تعبیر بلندی است؛ حضرت فقط مصدر تنزل جسم ائمه نیست، حضرت زهرا مصدر تنزل نور ائمه است. از این رو در یک روایتی آمده است خدای متعال فاطمه را فاطمه نامید؛ چون وقتی این وجود مقدس به دنیا آمد و از نور ایشان نور ائمه خارج می‌شود، دیگر دشمنان از اینکه بتوانند در دستگاه نبی اکرم نفوذ کنند، مأیوس شدند و طمع آنها را برید و قطع کرد.

از این رو ادامه وجودی نبی اکرم(ص) به حضرت زهرا(س) است و ایشان کوثر خدای متعال به نبی اکرم می‌شود. پس وقتی می‌گوید ای پیغمبر، شما ابتری و ادامه نداری، مقصود ادامه نسل ظاهری نیست؛ بلکه ادامه نبوت، ادامه هدایت و ادامه نور نبی اکرم(ص) مقصود است.

گزارش ویژه

گزارش صبح صادق از افتتاح مهم‌ترین پروژه‌های هوانیروز سپاه

توانایی تعمیر همه بالگردهای سپاه را داریم

هفته گذشته در حوزه ارتقای توان رزم و تقویت بنیه دفاعی کشور یکی از مهم‌ترین اتفاقات در حوزه نیروی زمینی سپاه به وقوع پیوست. در راستای توسعه توان رزم نیروی زمینی سپاه و در امتداد تشکیل هوانیروز نیروی زمینی سه مجموعه تحقیقاتی، آموزشی و تعمیراتی بالگردی هوانیروز در پایگاه بالگردی فتح در استان البرز با حضور فرمانده کل سپاه و مجموعه فرماندهان قرارگاه‌ها و معاونت‌های نیروی زمینی سپاه افتتاح شد و به بهره‌برداری رسید.

سه مرکز بالگردی در یک مجموعه

جدیدترین مرکز آموزشی و تعمیراتی هوانیروز سپاه به منظور تربیت و آموزش کادر تخصصی بالگردی سپاه پاسداران شامل آموزش‌های خلبانی، مکانیک هوایی، برق و الکترونیک هوایی، مراقبت پرواز و خدمات پروازی و انجام تعمیرات اساسی و پشتیبانی تعمیراتی از گروه‌ها و پایگاه‌های رزمی بالگردی در سراسر کشور و نیز بهینه‌سازی و ارتقای بالگردها و تحقیق و ساخت و تولید تجهیزات بالگردی مورد نیاز هوانیروز ساخته شده است.

اما یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که افتتاح این پایگاه در اسفند ماه سال جاری را مهم نشان می‌دهد، گذشت کمتر از دو سال از عمر تأسیس هوانیروز نیروی زمینی سپاه است که نشان از عزم جزم فرماندهان سپاه برای توسعه و تقویت توان بالگردی هوانیروز دارد. بنا به اظهارات فرمانده نیروی زمینی سپاه، سردار سرتیپ محمد پاکپور این پایگاه ظرف مدت یک سال و نیم ساخته شده است که خود یکی از دستاوردهای مهم پس از تأسیس این واحد در مجموعه سپاه است.

اگر نیروی زمینی روی مرزها متمرکز نبود، با مشکل مواجه بودیم

سردار سرلشکر محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه در مراسم افتتاح این پروژه‌ها در پایگاه بالگردی فتح با اشاره به مأموریت‌های مهم سپاه در حوزه اقتدار و امنیت کشور، اظهار داشت: «تصمیمات ساختاری برای سپاه در عرصه مقابله با تهدیدات بسیار ضروری است و امروز آمادگی‌های خوبی در بخش‌های گوناگون برای مقابله با ناامنی‌ها و توطئه‌های دشمنان ایجاد شده است.»

وی افزود: «موضوع تغییر و تحولات ساختاری و سازمانی در جنگ، بسیار مهم بود و سپاه به هیچ وجه خود را در این محدودیت‌ها قرار نمی‌داد و در سال‌های آخر جنگ این انعطاف بسیار به ما کمک کرد؛ از این رو سپاه به منزله نهادی که متناسب با تهدیدات شکل و سازمان خود را تنظیم می‌کند، در صحنه حاضر است.»

سرلشکر جعفری تصریح کرد: «پس از جنگ با تهدیدات امنیتی در شمال غرب و جنوب غرب و برنامه‌ریزی گسترده دشمنان مواجه شدیم که اگر نیروی زمینی روی مقابله با این تهدیدات متمرکز نبود، نمی‌توانستیم برنامه‌ریزی گسترده دشمنان در نقاط گوناگون را شکست دهیم. امروز سپاه حتی در حوزه اقدامات اطلاعاتی- امنیتی که در بخش‌های مختلف صورت می‌گیرد، در حال کار و فعالیت است.»

وی حضور سپاه در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، محرومیت‌زدایی و عمران و بازسازی کشور را از ثمرات چنین تفکری دانست که سپاه را در قالب یک سازمان نظامی صرف قرار نداده و این نهاد توانسته است متناسب با نوع تهدیدات اقدامات خود را در حوزه‌های متفاوت سامان دهد.

سردار جعفری در ادامه افزود: «به تازگی شاهد اغتشاشات در برخی شهرها بودیم و همزمان داعش در مرزها حمله می‌کند و این نیروی زمینی سپاه و بسیجیان هستند که در مرزها و نه در داخل شهرها با آنها مقابله می‌کنند.»

وی تصریح کرد: «اگر نیروی زمینی بر روی مقابله با تهدیدات مرزی دشمنان متمرکز نبود، با اطمینان می‌گویم که امروز با مشکلات امنیتی جدی مواجه می‌شدیم.»

بالگرد نیاز نیروی زمینی است

فرمانده سپاه با اشاره به تشکیل واحد بالگردی و توانمندی‌های هوانیروز گفت: «تجهیز نیروی زمینی به بالگرد، سرعت انجام مأموریت‌ها و مقابله با تهدیدات را بالا برده و اصولاً یکی از نیازهای این نیرو بوده است.»

سردار جعفری، با اشاره به نیروی انسانی که مهم‌ترین عامل تقویت سپاه است، افزود: «در کنار تمرکز روی تقویت عامل اصلی انسانی، باید کار بیشتری برای افزایش کیفیت در این حوزه انجام دهیم. به عبارتی، نیروی انسانی جهادی و مؤمن اولویت اول سپاه در همه دوره‌ها بوده است، اما در عین حال، امروزه فناوری و تجهیزات پیشرفته هم تعیین‌کننده است و برای نمونه در تقابل با ناامنی‌ها در شرق و جنوب شرق، انواع تجهیزات از جمله پهپادها و دقت و برد سلاح‌ها اهمیت دارد.»

دقت در اجرای آتش نیاز امروز جنگ‌ها است

وی با بیان اینکه نوع تاکتیک‌ها و روش‌های نبرد امروز به گونه‌ای شده است که دیگر آتش زیاد و گسترده و بمباران اثرگذاری قبل را مانند دوران دفاع مقدس ندارد، گفت: «شاهد هستیم که ترکیه مواضع پ.ک.ک را بمباران می‌کند و آنها تلفات نمی‌دهند و حتی در جنگ‌های سوریه و عراق هم همین‌طور است، از این رو باید دقت و تأثیر را در سلاح‌ها بالا برد.»

سرلشکر جعفری در ادامه افزود: «یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای افزایش تأثیر در سلاح‌ها دقت و نقطه‌زنی اهداف است که در این حوزه نیروی زمینی سپاه با راهبرد استفاده از پهپاد و بالگرد هم در نقطه‌زنی و هم در اشراف اطلاعاتی نسبت به موقعیت دقیق دشمن می‌تواند یک نیروی قدرتمند و پیشرو باشد. افزون بر این، بالگرد می‌تواند بهترین وسیله برای چابکی و جابه‌جایی سریع نیرو و تجهیزات در مأموریت‌های این نیرو باشد.»

وی خاطر نشان کرد: «نیروی زمینی سپاه به واسطه وسعت مأموریت‌های خود نسبت به دیگر یگان‌ها و نیروها در سپاه به بالگرد بیشتری نیاز داشت و با تجمیع توان بالگردی در این نیرو مدیریت رده پشتیبانی و رده استفاده‌کننده از بالگرد را در نیروی زمینی به صورت واحد قرار دادیم تا این نیرو بتواند با هماهنگی‌های بهتر و بیشتری نسبت به انجام مأموریت‌های محوله خود اقدام کند که افتتاح این سه مرکز در این راستا صورت گرفته است.»

فرمانده کل سپاه افزود: «در آینده، این مرکز جدید هوانیروز به مرکز اصلی آموزشی و تعمیرات بالگردی تبدیل خواهد شد و تمرکز روی اینجا قرار می‌گیرد تا سطح آن بالاتر رود.»

رشد یگان بالگردی نیروی زمینی با هدف اقتدار و امنیت

همچنین فرمانده کل سپاه در حاشیه افتتاح مراکز بالگردی هوانیروز سپاه در جمع خبرنگاران اظهار داشت: «کمتر از دو سال است که تصمیم گرفته شده نیروی زمینی سپاه به بالگرد مجهز شود و یگان بالگردی داشته باشد.»

وی افزود: «به همین منظور با همت فرمانده نیروی زمینی سپاه سه مرکز بالگردی نیروی زمینی احداث و آماده انجام مأموریت شد که کار بی‌نظیری است و نشان می‌دهد وقتی تجهیزاتی به یک نیرو واگذار می‌شود، همت، تلاش و تمرکز منابع برای استفاده هر چه بهتر آن صورت می‌گیرد.»

فرمانده کل سپاه گفت: «این مرکز اورهال در کشور بی‌نظیر است و امیدواریم با رشد یگان بالگردی نیروی زمینی سپاه به اقتدار نیرو و برقراری امنیت در کشور بینجامد.»

جعفری خاطرنشان کرد: «با توجه به فناوری پهپادی و بالگردی و تأثیر تعیین‌کننده‌ای که در انجام مأموریت‌ها دارد، با تصمیم جدید در نیروی زمینی به این سمت می‌رویم که استفاده بهینه و خوبی از این موضوعات در عملیات‌ها به خصوص هلی‌برن، شناسایی دشمن در مناطق عملیات‌ها و تک هوایی داشته باشیم.»

مراکز تخصصی بالگرد ظرف یک و نیم سال ساخته شد

سردار محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه دیگر سخنران مراسم افتتاح این پروژه‌ها اظهار داشت: «وسعت مناطق مأموریتی نیروی زمینی منطقه وسیعی از شمال غرب از آذربایجان غربی تا قصرشیرین و منطقه جنوب شرق است و منطقه شرق دو سال است به سپاه واگذار شده است.»

وی با بیان اینکه، اداره عملیاتی این مناطق ابزارهای رزم خاص خود را می‌طلبد، گفت: «از زمانی که بنده در نیروی زمینی مسئولیت گرفتم، به دنبال بحث بالگردی بودم و با تلاش فرمانده کل سپاه و تأیید رهبر معظم انقلاب بالگردها به نیروی زمینی واگذار شد.»

پاکپور افزود: «موضوع بالگردی هم نیاز به مراکز تخصصی خود دارد و مکان خاصی برای آن وجود نداشت و فقط در اصفهان برادران هوافضا مرکزی داشتند و باید به خود آنها تحویل می‌شد؛ لذا ساخت این سه مرکز را در این مجموعه شروع کردیم و طی یک سال و نیم کامل و عملیاتی شد.»

وی با بیان اینکه تاکنون دو دوره آموزش خلبانی برگزار شده است، گفت: «با ساخت این مجموعه وضعیت مناسبی برای زیرساخت‌های بالگردی هوانیروز ایجاد شده است.»

توانایی تعمیر همه بالگردهای سپاه را داریم

سردار محمد رحمانی‌قهرودی، فرمانده هوانیروز سپاه، در حاشیه این مراسم که در پایگاه فتح انجام شد، اظهار داشت: «هوانیروز سپاه از سال ۹۵ با ابلاغ فرماندهی معظم کل قوا تشکیل شد و وظیفه اصلی آن پشتیبانی از یگان‌های زمینی و به خصوص قرارگاه‌های مرزی است.»

وی با اشاره به افتتاح مرکز جدید گفت: «در این سه مرکز، کار آموزش، تعمیرات و پشتیبانی از بالگردها صورت می‌گیرد و ما از توان صنایع وزارت دفاع نیز بهره می‌گیریم.»

فرمانده هوانیروز سپاه تصریح کرد: «در این مرکز تعمیر و اورهال همه بالگردهای حاضر در نیروی زمینی انجام می‌شود.»

افتتاح پروژه موشکی آذرخش

در حاشیه این مراسم پروژه موشکی «آذرخش» به عنوان موشک بالگردی ضد زره، با هدف انجام عملیات‌های هوایی ارتفاع کم علیه زره‌پوش‌ها، اهداف زمین و استحکامات دشمن افتتاح شد.

این موشک با وزنی در حدود ۷۰ کیلوگرم می‌تواند اهداف را در فاصله ۱۰ کیلومتری مورد اصابت قرار دهد. بُرد قفل جست‌وجوگر این موشک حرارتی ۶ کیلومتر و حداکثر سرعت آن نیز ۵۵۰ کیلومتر بر ثانیه است.

این موشک همچنین ۱۲۷ میلی‌متر قطر و ۳۰۹۶ میلی‌متر طول دارد.

قدردانی از دست‌اندرکاران ساخت مجموعه

از دیگر برنامه‌های برگزار شده در حاشیه این مراسم در پایگاه بالگردی فتح هوانیروز سپاه قدردانی از دست‌اندرکاران طراحی و ساخت این مجموعه در بخش‌های مختلف نیروی زمینی از جمله هوانیروز، معاونت مهندسی و پدافند غیرعامل و دیگر معاونت‌ها و رده‌ها بود که مابین نماز ظهر و عصر در نمازخانه پایگاه فتح انجام شد.

با نیابت، اذن و کمک حضرت حجت اقدام کنید

آیت‌الله جوادی‌آملی در دیدار با رئیس و معاونان سازمان اطلاعات سپاه گفت: توکل به خدا رمز موفقیت سازمان اطلاعات سپاه است. کار شما آقایان خیلی سنگین است. قبلاً عرض می‌کردیم خوب است که انسان هر کاری را به نیابت حضرت حجت(عج) بکند؛ الآن عرض می‌کنیم کارهای‌تان را به نیت حضرت، به اذن حضرت و به کمک حضرت انجام دهید.

یادداشت

ورزش پهلوانی نیاز سپاه

□ **علیرضا جلالیان**/ ورزش در بعد آموزش و تربیت نیروهای مسلح یکی از بنیادین‌ترین موضوعاتی است که می‌تواند نسبت مستقیمی با توان رزم و سلامت روحی کارکنان داشته باشد. آنچه که امروز در نیروهای مسلح به عنوان موضوع تربیت بدنی مطرح است تلفیقی از دستاوردهای ارتش‌های جهان در بستر ورزش و تجربیات بومی بوده است؛ اما در برخی موارد جنبه غیر نظامی پیدا کرده و به سمت ورزش‌های توپی هم رفته است. عمده این موضوع به دلیل وجه باشگاه‌داری در نیروهای مسلح بوده که سبب شده است تا نیروهای مسلح در حوزه ورزش‌های کشوری هم حضور داشته باشند و عملکرد موفقی را به نمایش بگذارند؛ ولی آنچه که می‌توان به نیروهای مسلح در حوزه ورزش نسبت داد و نیاز آنها است ورزش‌هایی را شامل می‌شود که با آمادگی رزم، نسبت مستقیمی داشته باشد. برای این منظور در یک دهه گذشته تعاریف ورزش‌های نیروهای مسلح در ارتش‌های پیشرفته جهان در حال تغییر است؛ به صورتی که دیده می‌شود بسیاری از ارتش‌ها رو به سمت ورزش‌ها و مسابقات تخصصی مرتبط با رزم آورده و مسابقاتی مبتنی بر این، در حال رواج است. در ساده‌ترین حالت مسابقات عبور از موانع، جهت‌یابی، زندگی در شرایط سخت و... تا مسابقات کار با تجهیزات سنگین زرهی و... در نیروهای مسلح رواج یافته و همواره مبتنی بر نیاز و ابتکار، انواع جدیدی از مسابقات مهارتی در این حوزه برگزار می‌شود. در کنار این تیراندازی، شنا و ورزش‌های رزمی هم از دیرباز در این نیروها رواج دارد؛ اما نکته اصلی در این میان که در فرهنگ بومی ایرانی دارای جایگاه ارزشی والایی است، ورزش‌های پهلوانی است که از دیرباز با منش پهلوانی و در زورخانه‌ها با رویکردهای اخلاقی و مذهبی انجام می‌گرفته و خروجی آن پهلوانان بامرامی بودند که هم در میدان رزم و هم در میدان مردم‌داری زبانزد خاص و عام بوده‌اند. گود زورخانه در یک نگاه نمی‌تواند تنها یک محل برای تمرین و نرمش و ارائه هنرهای این ورزش باشد؛ بلکه در صحنه به صحنه این گود می‌توان درس‌های اخلاقی گرفت. گود زورخانه می‌تواند یک کلاس عقیدتی باشد که فرد باید در صحنه عمل نسبت به آموزش و اجرای اعتقادات خویش در آن همت گمارد، رفتار علوی مایه اصلی این ورزش است و هر لحظه این ورزش با یاد خدا و اسامی ائمه(ع) صورت می‌گیرد، کاری که عده‌ای از رزمی‌کاران ارزشی در تغییر آیین ورزش‌های ژاپنی و چینی برای تطبیق با ارزش‌های اسلامی انجام داده‌اند در ذات این ورزش گنجانده شده است. مهم‌تر از همه نبود محدودیت سنی در این ورزش است. در بعد ورزیدگی نیز می‌توان گفت؛ حرکت‌ها و نرمش‌های این ورزش قابلیت ایجاد ورزیدگی در فرد ورزشکار را دارا است و حتی می‌توان بخش‌هایی دیگر را به حرکات این ورزش افزود. به طور کلی تمام ابعاد این ورزش می‌خواهد یک پاسدار انقلاب اسلامی را تربیت کند. با این اوصاف به نظر می‌رسد این ورزش باید در سپاه به عنوان ورزش همه‌گیر و سازمانی اجرا شود. چیزی که روند آن آغاز شده و در بخش بسیاری از رده‌ها زورخانه احداث شده است؛ اما نیاز به توجه بیشتر فرماندهان سطوح بالای نیروهای مسلح دارد.

نقطه سرخط

چرا پسرت این طوری شده؟

از فرماندهان دوران جنگ بود، الآن هم چند ساله که خدمتش تمدید شده. با شناختی که از خانواده‌اش داشتم، همیشه به خاطر پسرش ناراحت بودم؛ چون راه صد درصد مخالف پدر را در پیش گرفته بود. از او پرسیدم چرا پسرت این طور شده؟ کمی به فکر فرو رفت! انگار سختش بود جواب بدهد؛ در نهایت گفت: من وقتی این بچه به دنیا آمد، مشغول جبهه و کار بودم و به خانواده خیلی رسیدگی نکردم؛ متأسفانه همسرم هم به تنهایی توانایی تربیت صحیح فرزندان را نداشت و پسرم طور دیگری تربیت شد.

گزارش خبری صبح صادق از ششمین آیین اهدای جایزه ملی شهید دکتر رهنمون و هشتمین کنگره علمی طب رزم

طب رزمی و اخلاق پزشکی در دفاع مقدس به هم آمیخته شد

□ **حسن ابراهیمی/ ششمین آیین اهدای جایزه ملی شهید رهنمون در اردوگاه شهید باکری خرمشهر و هشتمین کنگره ملی طب رزم و تروما در بیمارستان صحرایی علی‌ابن‌ابی‌طالب(ع) آبادان برگزار شد.**

در ششمین آیین اهدای جایزه ملی شهید رهنمون سردار سرلشکر صفوی، دستیار و مشاور عالی فرمانده کل قوا، سردار عبداللهی، معاون بهداشت، امداد، درمان و آموزش پزشکی سپاه پاسداران و مسعود پزشکیان، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی سخنرانی کردند و از کتاب «آن یک نفر» زندگینامه شهید دکتر احمد آتش‌دوست رونمایی شد. همچنین از ۲۵ خانواده شهید و جانبازان عرصه بهداشت و درمان دفاع مقدس تقدیر به عمل آمد. در پایان این مراسم، رزمایش امداد و انتقال و جنگ نوین بهداری رزمی معاونت بهداشت بهداری رزمی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیمارستان امام حسین(ع) آبادان برگزار شد.

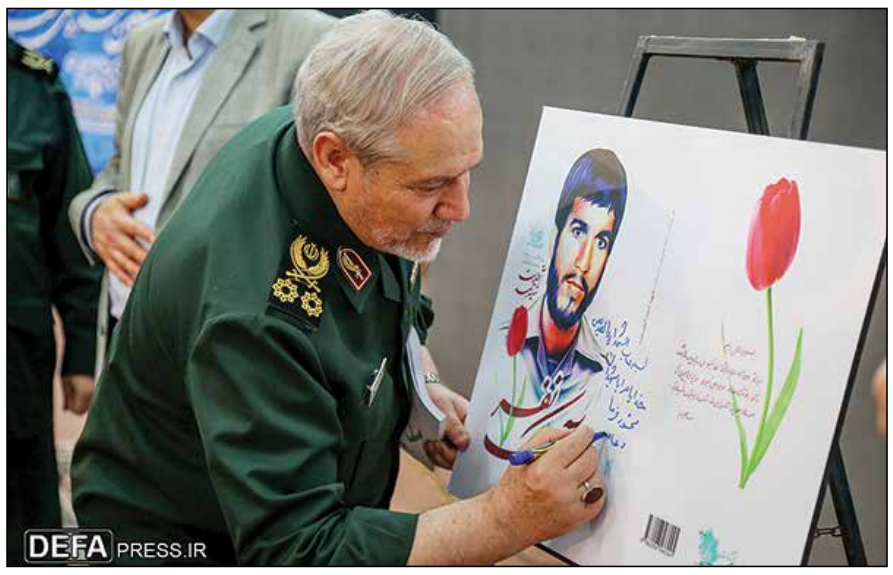

۱۰۰ هزار نفر کادر پزشکی در دفاع مقدس حضور داشتند

سرلشکر صفوی در این آیین درباره نقش و حماسه جامعه پزشکی در دفاع مقدس، اظهار داشت: «کار پزشکان در دفاع مقدس افتخاری برای تمام ملت ایران و جامعه پزشکی است؛ چرا که انسان‌هایی در این مجموعه حضور داشتند که شاخص و برگزیده خداوند متعال بودند و دارای تخصص و احساس مسئولیت، شجاعت و شهامت نیز بودند.»

دستیار و مشاور عالی نظامی فرمانده کل قوا یادآور شد: «در هشت سال دفاع مقدس حدود ۱۰۰ هزار نفر از پزشکان، داروسازان، جراحان و امدادگران و به طور کلی کادر پزشکی در جنگ شرکت کردند و آنها در دوران دفاع مقدس سه هزار شهید را نیز تقدیم انقلاب کرده‌اند.»

وی اضافه کرد: «کمک ۱۰۰ هزار کادر پزشکی در دوران دفاع مقدس به ۹۰۰ هزار نفر از رزمندگان حماسه بزرگی است که روی داده است. در همین دوران ۱۰۰ هزار عمل جراحی حیات‌بخش صورت گرفته که در تاریخ جنگ‌های طولانی بی‌سابقه است؛ چرا که آمریکا در جنگ ویتنام که ۴۸ هزار کشته داد، در زمانی که می‌خواستند مجروحی را به عقب منتقل کنند، حداقل دو ساعت و نیم زمان می‌برد و این در حالی است که ما برای نمونه در کربلای ۵ مجروحان را به فاصله زمانی یک ساعت به عقب منتقل می‌کردیم و بیمارستان‌های صحرایی را در نزدیک‌ترین فاصله ممکن از خط مقدم جبهه‌ها احداث کرده بودیم.»

پزشکان دفاع مقدس همچنان در متن انقلاب اسلامی حضور دارند

سردار احمد عبداللهی، معاون امداد، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سپاه اظهار داشت: «ما در بیمارستان‌های صحرایی دوران دفاع مقدس، برای اولین بار در جهان اقدامات و جراحی‌های بسیار پیچیده از جمله جراحی مغز و اعصاب انجام می‌دادیم.»

وی در تشریح اهداف برگزاری آیین اهدای جایزه ملی شهید دکتر رهنمون گفت: «یکی از مهم‌ترین اهداف و مقاصدی که در برگزاری این آیین داریم، پاسداشت مقام شامخ شهدای عرصه بهداشت و درمان کشور است.»

وی با برشماری شرایط و شاخصه‌های انتخاب برگزیدگان برای دریافت جایزه ملی شهید رهنمون، افزود: «شاخص‌های عمومی ما مشهور بودن به اخلاق اسلامی است. فرد باید اسوه و الگوی اخلاق، ایثارگری و فداکاری و به تعبیری مدافع و مروج ارزش‌های دینی باشد. یک پزشک متدین باید با اندیشه، اخلاق و عملکرد خود، ارزش‌های دینی و انسانی را ترویج دهد.»

شکافی عمیق نسبت به آرمان‌های شهدا در جامعه قابل قبول نیست

مسعود پزشکیان، نایب‌رئیس اول مجلس شورای اسلامی در این آیین اظهار داشت: «وظیفه داریم که راه شهدا، ارزش‌ها و خواست‌های شهدا را ادامه داده تا شرمنده آنها نشویم.»

وی افزود: «جامعه ما و پزشکی در وضعیتی قرار داریم که با شعارها، فکرها و ایده‌هایی که شهدا داشتند، فاصله و شکاف عمیقی وجود دارد و این قابل قبول نبوده و خدا از ما نخواهد پذیرفت.»

همایش طب نظامی در آسیا و اقیانوسیه سال آینده در تهران

هشتمین کنگره علمی طب رزم نیز در بیمارستان صحرایی علی‌ابن‌ابی‌طالب(ع) آبادان با حضور فرماندهان و مسئولان بهداشت و درمان نیروهای مسلح و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی استان خوزستان برگزار شد.

در این کنگره سردار حسن عراقی‌زاده، رئیس اداره بهداشت و درمان ستاد کل نیروهای مسلح، سردار احمد عبداللهی، معاون بهداشت، امداد، درمان و آموزش پزشکی سپاه و دکتر رئیس‌زاده، رئیس سازمان بسیج جامعه پزشکی کشور سخنرانی کردند و سه نشست تخصصی برگزار شد. سردار حسن عراقی‌زاده، رئیس اداره بهداشت و درمان ستاد کل نیروهای مسلح در آیین افتتاحیه این کنگره اظهار داشت: «طب نظامی و تروما با یکدیگر عجین هستند، کنگره‌های طب رزم و تروما تحت عناوین گوناگون در جهان برگزار می‌شود و ما تاکنون بیش از ۱۰ کنگره بین‌المللی درباره حوادث غیرمترقبه برگزار کرده‌ایم و در این زمینه پیشرو هستیم. همچنین تاکنون حدود پنج کنگره تخصصی تروما برگزار کرده‌ایم که متخصصان ایرانی و خارجی در آن شرکت کردند.»

سردار عراقی‌زاده در ادامه با اشاره اینکه ایران از نظر تعداد مقاله جزء برترین کشورها در کنگره‌های برگزار شده تروما و طب رزم بوده است، بیان کرد: «همایش بین‌المللی طب نظامی در آسیا و اقیانوسیه در مهر ماه سال آینده در تهران برگزار خواهد شد.»

وی افزود: «با توجه به تجارب دفاع مقدس و همچنین جبهه مقاومت اسلامی در منطقه، جمهوری اسلامی ایران در حوزه طب رزم جزء برترین کشورهای جهان به شمار می‌رود.»

جامعه پزشکی نیازمند فراگیری طب رزم

محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان بسیج جامعه پزشکی کشور هم در این کنگره تصریح کرد: «اگر چه جنگ تحمیلی به پایان رسیده، ولی کشورمان همواره درگیر تروما در اقسام و ابعاد مختلف بوده است. جامعه پزشکی و مردم نیازمند این هستند که در هر مکانی موضوع برخورد با بیمار ترومایی را به عنوان یک مهارت فرا گیرند.» وی گفت: «حضور جامعه پزشکی در جبهه مقاومت در پنج سال اخیر همچون دوران دفاع مقدس، تجربه گران‌بهایی در حوزه امداد و نجات، انتقال و مداوای مصدومان در جنگ‌های نوین را نصیب پزشکان و متخصصان کشور کرده است.»

جراحی‌های پیچیده در بیمارستان‌های صحرایی

سردار احمد عبداللهی نیز در این کنگره گفت: «ما در بیمارستان‌های صحرایی دوران دفاع مقدس، برای اولین بار در جهان اقدامات و جراحی‌های بسیار پیچیده از جمله جراحی مغز و اعصاب انجام می‌دادیم.» وی اظهار داشت: «با توجه به سوابق ارزشمند و قابل تحسین جامعه جراحان در دوران دفاع مقدس و نجات جان مجروحان، از چند سال پیش تصمیم گرفته شده است، کنگره‌های علمی جامعه جراحان در همان بیمارستان‌های صحرایی که زمانی جلوه‌گاه خدمت مقدس جامعه پزشکی به ویژه جراحان بوده است، برگزار شود.» دبیر این کنگره افزود: «همین ایده به پایه‌گذاری یک حرکت حماسی و جهادی با صبغه علمی منجر شد که به فضل الهی تاکنون ادامه یافته و امسال هشتمین دوره کنگره علمی طب رزم به همت عزیزان‌مان در جامعه جراحان و قطب ترومای دانشگاه بقیه‌الله(عج) در بیمارستان صحرایی حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) در آبادان در حال برگزاری است.»

سه نشست تخصصی

گفتنی است، هشتمین کنگره علمی طب رزم با ارائه مقالات پزشکان شاخص و ممتاز کشور و بهداران جبهه مقاومت اسلامی، در سه نشست تخصصی با موضوعات «امداد و نجات»، «طب و قانون» و «مدیریت بحران» در بیمارستان صحرایی علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) آبادان برگزار شد.

پاسداران خورشید

همسر شهید مدافع حرم عبدالصالح زارع

عاشق شب عاشورای فکه بود

□ **احسان امیری**/ شهید مدافع حرم «عبدالصالح زارع» در ۱۸ بهمن ماه ۱۳۹۴ در سوریه به شهادت رسید. پیکر مطهرش پس از انتقال به میهن اسلامی ابتدا در استان مازندران و سپس در قم تشییع و پس از اقامه نماز به امامت آیت‌الله نوری‌همدانی، مرجع تقلید شیعیان در گلزار شهدای امامزاده علی‌بن‌جعفر(ع) به خاک سپرده شد.

سرکار بانو «زهرا کمالی» همسر شهید زارع است. وی در ادامه از دوران کوتاه زندگی با همسر شهیدش می‌گوید: «بسیار آدم ساده‌زیست، باگذشت، شوخ‌طبع، پرتلاش و اهل خدمت به دیگران بود. وقتی از محل کار به خانه می‌آمد، خستگی کار را پشت در خانه می‌گذاشت و با حالت مهربانی و چهره‌ای خندان و بشاش وارد می‌شد. با ورود ایشان فضای ساکت منزل کاملاً شکسته می‌شد. همه اعضای خانواده او را دوست داشتند. برای مادرم مثل پسر بود، نه داماد. همیشه دوست داشت به دیگران خدمت کند و تا جایی که در توانش بود دستگیری می‌کرد. می‌گفت: «خشنودی خدا در خدمت به خلق اوست.» به طور ویژه به پدربزرگ و مادربزرگش کمک می‌کرد و آنها حتی بیشتر از فرزندان خودشان او را دوست داشتند. از قبل‌ها، ایام محرم را به منطقه عملیاتی فکه می‌رفت. این روند بعد از ازدواج هم ادامه داشت و تا شهادتش ترک نشد. با دوستانش به آن منطقه می‌رفتند تا مقدمات پذیرایی اعم از علم کردن خیمه‌ها، آب‌رسانی، تهیه غذا، اجرای برنامه‌های فرهنگی و... را برای مهمانان شهدا مهیا کنند. به شدت عاشق شب عاشورای منطقه فکه بود. سفر اولم با ایشان سفر به مشهد مقدس بود. بیشتر از ساعات کاری خود فعالیت می‌کرد. برای ساعات اضافه، برگه مأموریت پر نمی‌کرد و داوطلبانه آن ساعات را می‌گذراند و هیچ پاداشی قبول نمی‌کرد. البته اهل تفریح و مسافرت بود و در همین مدت کوتاه زندگی‌مان برای معیشت و تفریح بنده از هیچ چیزی دریغ نکرد.

قرار بود اربعین به کربلا برود. روز چهارشنبه ۲۶ آبان ماه ۱۳۹۴ بود که گفت: «هماهنگی‌هایی با دوستانم انجام شده و ان‌شاءالله دو روز بعد راهی کربلا هستیم...» من هم دوست داشتم در این سفر زیارتی همراه ایشان باشم؛ ولی متأسفانه به خاطر فرزند خردسالم این همراهی برایم امکان‌پذیر نبود. از طرفی به شهید هم نمی‌توانستم بگویم که به کربلا نرود. به او گفتم: «صالح جان، دلم نیست که تنها به کربلا بروی. دوست دارم با هم به زیارت امام حسین(ع) برویم. اما اگر مانع رفتن تو شوم، حس می‌کنم نمی‌توانم روز قیامت مسئولیت این کار را به عهده بگیرم و جوابگو باشم... .»

ظهر پنج‌شنبه ۲۷ آبان ماه ۱۳۹۴ با ذوق و شوق به خانه آمد و گفت: «بالاخره کارم درست شد.» من با تعجب سؤال کردم مگر در سفرتان به کربلا مشکلی بود که حالا می‌گویی کارم درست شد! ایشان با قدری مکث گفت: «کربلا که ان‌شاءالله ردیفه، اما شاید از همانجا، جای دیگری هم بروم» که من با تعجب پرسیدم کجا؟ و ایشان گفت: سوریه... یک لحظه جا خوردم و انتظار شنیدنش را نداشتم. دقیقاً روز جمعه ۲۸ آبان ماه ۱۳۹۴ که قرار بود به کربلا برود، به سوریه اعزام شد. دیگر قدرت تصمیم‌گیری نداشتم. شروع کرد با من حرف زدن و تلاش داشت مرا آرام کند. از وضعیت سوریه برایم می‌گفت و همین حرف‌های منطقی و قانع‌کننده او بود که جای حرف برای من باقی نگذاشت. لحظه رفتنش آرامش خاصی داشت. آرامشی عجیب و دوست‌داشتنی که آن لحظه همیشه جلوی چشمانم است. قرآن را بالای سرش گرفتم و با صلوات بدرقه‌اش کردم. پس از شهادتش، فقط به حضرت زینب(س) گفتم: «من بهترین‌ها را برای شما داده‌ام، از من پذیرا باشید.»

تریبون

جمع‌بندی تریبون ۲۲

مهم‌ترین موضوعی که سال آینده باید محور برنامه‌های کشور قرار بگیرد، چیست؟

آخرین هم‌اندیشی پیامکی تریبون سال ۱۳۹۶ را با موضوع مهم‌ترین اولویت کشور برای سال آینده جمع‌بندی می‌کنیم. در یک نگاه کلی می‌توان چنین تحلیل کرد که عمده همراهان گرامی، یعنی حدود ۸۰ درصد بر موضوع اقتصادی تأکید دارند. موضوعی که احتمالاً باز هم یکی از اولویت‌های شعار سال آینده از سوی رهبر معظم انقلاب اعلام خواهد شد.

اقتصاد مقاومتی/ بیشتر همراهان اقتصاد مقاومتی و اجرای سیاست‌های آن را موضوع اصلی پیام خود قرار دادند که می‌توان به «فتاحی نیارکی» از قزوین، «خلیل میراحمدی» از کرمان، «کوهستانی»، «کیانفر حمیدی» از مازندران، «سیدمحمد خدایی» از اردکان، «مجید رحیمی» از اصفهان، «مصطفی صالحی» از کهنوج، «زهرا خدامرادی» و «محسن نورعلی‌پور» از هرسین، «منصوره بخشی» از مشهد، «رضا شمسی» از شازند، «ظاهر مرادی» از جوانرود، «ابوذر خداجو» از بندرعباس، «جمال کشاورزی» از خرامه و «سیدامین سیدی» از لالی اشاره کرد.

موضوعات اقتصادی/ اشتغال، تولید ملّی، محرومیت‌زدایی، بهبود وضعیت کسب‌وکار، مهار تورم و در کل حل مشکلات اقتصادی مردم هم در رتبه بالایی بود؛ به گونه‌ای که «محمد عباسقلی‌پور» و «صغری عباسقلی‌پور» از املش، «علیرضا افشار» از ابهر، «نیلوفر هادی‌طلب» از زنجان، «غلام‌رسول کریمی» از دلند، «عبدالله کیا» از نوشهر، «رسول وطن‌زاده» از تهران، «مرتضی امیری‌نژاد» از بوئین‌زهرا، «رسول سلیمانی» از زنجان، «محمد کریم‌زاده» از اصفهان، «محمدجعفر پوراکبری» از ابرکوه، «موسی پندارهفشجانی» از چهار محال و بختیاری، «مقصودی‌فر» از خوانسار، «شفیعی» از شیراز، «مصطفی خراسانی» از نجف شهر سیرجان، «سلیمی‌فر» از هفشجان، «فرامرز غلامحسینی» از ارومیه، «مرتضی غفاری» از قم، «ولی‌زاده» از ارومیه، «علی مجیدی» از آذرشهر، «علی محمدلو» از خوی، «پاک» از تبریز، «مهدی حیدری» از گرمه، «محمد زارع‌برآبادی» از خواف، «بهمن مقنی‌زاده» از بجنورد، «سعیده بنام» از دهدشت، «حسین حسنوند» از کرمانشاه، «فرامرز الیاسی» از سنقر، «جواد آبی» از همدان، «حیدر زوار» از آبدانان، «گلبس رستمی» از صحنه، «یاسر اکبری» از ایلام، «محسن طاهری» از اصفهان و «علیرضا میرزایی» از تهران در پیام‌های خود به آن اشاره کرده و در برخی موارد موضوعات دیگری را هم بیان کرده‌اند.

برخورد با فساد/ برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی و مبارزه با فساد اداری و مالی و مبارزه با اشرافی‌گری و مسابقه اشرافیت نیز در پیام عده دیگری از همراهان آمده بود که در این میان به نام‌های «حسینعلی آین» از اصفهان، «فتاح عبداللهی» از شیراز، «عیسی رحیمی‌نیا» از زاهدان، «حسینعلی جعفرزاده» از اصفهان و «فاطمه کلوانی» از کمیجان اشاره می‌شود.

تقویت بنیه دفاعی کشور/ تقویت بنیه دفاعی کشور و اقتدار موشکی هم در پیام‌های «حسین پورشاهرودی» از مشهد مقدس و «محسن لطفی» از بجنورد وجود داشت.

مسائل فرهنگی/ توجه به مسائل فرهنگی هم بخش اصلی پیام‌های «موسی‌الرضا حیدری» از مشهد مقدس و «سیما ساریخانی» از خرمی بود.

حمایت از محرومان/ حمایت از محرومان هم در پیام «اکبر کریمی» از صفاشهر و «حلیمه گلوی» از روستای سرسبز قلمی وجود داشت.

ارتقا و پیشرفت علمی/ ارتقای رتبه علمی کشور را هم «علی عزیزخانی» از ابهر و «زهره شهریاری» از اهواز مطرح کردند.

دیگر دیدگاه‌ها/ «زهرا صحرایی» از صحنه مقابله توطئه‌های داخلی، «ایمان آباد» از برازجان حل کردن اوضاع نابسامان فضای مجازی، «علیرضا سبحانی‌نسب» از بوشهر القای امید به مردم، «مریم وفایی» از زرین‌شهر ایجاد تحول در نظام اداری کشور و «سامانی» از اصفهان مبارزه با کم آبی و خشکسالی با انتقال آب از شمال و جنوب به فلات مرکزی را به عنوان برنامه اولویت‌دار سال آینده برشمرده‌اند.

برندگان تریبون ۲۲

«کیانفرحمیدی» از مازندران؛ «جمال کشاورزی» از خرامه؛ «فرامرز غلامحسینی» از ارومیه.

گلی از باغ

«کردار اهل صومعه» در دفاع مقدس

جامعه ارامنه ایران با شروع جنگ تحمیلی در جبهه‌ها حضور داشته و شهدای گرانقدری را تقدیم ایران اسلامی کردند. توجه به این شهدا و خانواده‌های معظم آنان نه تنها بخشی از حفظ و اشاعه ارزش‌های دفاع مقدس است؛ بلکه گامی مهم در جهت حفظ وحدت و همدلی ملی نیز محسوب می‌شود. کتاب «کردار اهل صومعه» در همین راستا گردآوری و تدوین شده است. این اثر حاوی خاطرات هشت سال دفاع، پشتیبانی و حضور هم‌وطنان ارمنی در دفاع مقدس است. در پشت جلد این کتاب از قول رهبر معظم انقلاب در دیدار شورای خلیفه‌گری آمده است: «هرگز فراموش نمی‌کنم زمانی که در اهواز در سنگر با سربازان گفت‌وگو داشتم و از وضع آنها جویا می‌شدم، یکی از سربازها رو به من کرد و گفت که من ارمنی هستم. من فوق‌العاده احساس شادی کردم که این ارمنی در کنار مسلمانان می‌جنگد. چنان برادرانه و صمیمانه در کنار هم می‌جنگیدند که او هیچ احساس نمی‌کرد که در کنار این همه مسلمان قرار دارد و دیگران هم در فکر نبودند که همرزم آنها یک ارمنی است و هر دو نیز برای یک هدف می‌جنگند.» «کردار اهل صومعه» به کوشش «اعظم حمزه‌ای‌خسرقی» در ۲۰۰ صفحه مصور نوشته شده و نشر «پلاک هشت» در سه هزار نسخه منتشر کرده است. در قسمتی از کتاب می‌خوانیم: «یک سال از آغاز جنگ گذشته بود. توی کتابخانه مربوط به انجمن ارامنه نشسته بودیم که آقای سمبات آبکاریان آمد و گفت: پطروس! می‌آیی برویم جبهه؟من فکر کردم دارد شوخی می‌کند. گفتم که لابد منظورش این است که برویم باغ، سیب بچینیم! ... از این شوخی‌ها می‌کرد و آدم را سر کار می‌گذاشت! همین طوری فکر کردم. ساعت شش صبح بود که آمد دنبالم. در زد و پرسید که حاضری؟ گفتم: بله. کجا برویم؟ گفت: بیا برویم، توی راه برایت می‌گویم. رفتم باهاش؛ تا هجده کیلومتری کرج که مقر سپاه بود. آنجا تازه شستم خبردار شد...»

قبیله عشق

شرایط کارش را در خواستگاری اعلام کرد

شهید دوست داشت کسی را برای زندگی انتخاب کند که در همه شرایط همراه وی باشد. همان روز خواستگاری شرایط کاری‌اش را در جمع اعلام کرد و گفت: «اگر به من بگویند دربان آن منطقه جنگی باش، باید سریع خودم را برسانم. من دوست دارم فقط برای جنگ باشم. باید همسرم با این شرایط من سازگار باشد و دوری خانواده اذیتش نکند.» خداوند این لطف را در حق ما کرد و هم‌نفس شهید شدیم. ما ۱۰ دی ماه ۱۳۶۱ محرم شدیم. خطبه عقد را حضرت امام(ره) خواندند.

به نقل از همسر شهید ولی‌الله چراغچی‌مسجدی

اول شهریور سال ۱۳۳۷ در مشهد به دنیا آمد. برای گذراندن دوره ابتدایی وارد مدرسه شد. پس از پایان دوره ابتدایی، تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان «دانش بزرگ‌نیا» در رشته ریاضیات آغاز کرد و دوران متوسطه را با بهترین نمره‌ها به پایان رساند. در سال ۱۳۵۶ پس از شرکت در کنکور، در رشته مهندسی علوم دانشگاه بیرجند پذیرفته شد. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره)، فعالیت‌های سیاسی- مذهبی خود را قوت بخشید و در صحنه مبارزه با رژیم منفور پهلوی مشتاقانه گام نهاد. در سال ۱۳۵۸ با تعطیلی دانشگاه‌ها فعالیت خود را در ارتش آغاز کرد و در کلاس‌های نظامی افراد را تعلیم می‌داد. با تشکیل سپاه، وارد این نهاد شد. با اولین خیانت‌های داخلی ضد انقلاب در گنبد، به این منطقه رفت و از خود در آنجا دلاوری‌ها به جا گذاشت. با شروع جنگ تحمیلی، عراق علیه ایران به جبهه‌های نبرد شتافت. فرمانده گردان، مسئول طرح و عملیات منطقه ۶ سپاه، مسئول طرح و عملیات نصر ۵ خراسان و قائم‌مقام فرمانده لشکر ۵ نصر از مسئولیت‌های او بود. در سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد. در عملیات بدر بر اثر اصابت گلوله به ناحیه سر مجروح شد و در بیمارستان شهدای تهران بستری و پس از ۲۳ روز بیهوشی، سرانجام در ۱۸ فروردین سال ۶۴ به شهادت رسید و پیکر مطهرش در گلزار شهدای بهشت رضا(ع) مشهد آرام گرفت.

گزارش خبری

در یادواره ۳۷ شهید شهر ماماهان همدان تأکید شد

گزینه‌های فرهنگی و اقتصادی دشمن به جای گزینه نظامی

یادواره ۳۷ شهید شهر ماماهان شهرستان فامنین همدان برگزار شد که در این مراسم سردار سرتیپ حسین دقیقی، مشاورعالی فرمانده کل سپاه و امیر خجسته، نماینده مردم همدان و فامنین در مجلس شورای اسلامی به ایراد سخنرانی پرداختند.

به گزارش صبح صادق سردار دقیقی در این یادواره اظهار داشت: «استان همدان همواره پیشتاز مبارزه و جهاد علیه دشمنان اسلام، چه قبل از پیروزی انقلاب، چه بعد از انقلاب و ان‌شاءالله همچنان نیز خواهد بود.»

وی ادامه داد: «جای جای این استان از جمله منطقه بسیار ارزشمند ماماهان دلیرمردانی را در خود پرورش داد که سینه خود را برای جهاد در برابر دشمنان اسلام سپر کردند.»

مشاورعالی فرمانده سپاه پاسداران خطاب به جوانان امروز جامعه اظهار کرد: «سخنان پدران شهدا سند زنده‌ای است که امروز باید جوانان از گفتمان آنها استفاده کنند؛ زیرا خانواده شهدا جگرگوشه‌های خود را با اعتقاد به آرمان‌های نظام و انقلاب تقدیم اسلام و انقلاب کردند.»

سردار دقیقی با بیان اینکه امروز انقلاب اسلامی از مرزهای ایران بیرون رفته است، تصریح کرد: «امروز خط مقدم ما دیگر شلمچه نیست؛ بلکه خط مقدم ما امروز دریای مدیترانه است؛ امروز ایران به شدت با جبهه کفر درگیر است و دشمنان این را تاب نمی‌آورند.»

سردار دقیقی با بیان اینکه شهرستان فامنین و منطقه ماماهان در زمان جنگ حدود ۱۰ هزار نفر جمعیت داشت، گفت: «بیش از یک درصد جمعیت این شهرستان شهید هستند و عده بسیاری نیز جانباز، ایثارگر و مفقودالاثر دارند که باید اینها را ارج نهاد.»

اقتصاد مقاومتی علاج مشکل اقتصادی

امیر خجسته، نماینده مردم همدان و فامنین در مجلس شورای اسلامی هم در این مراسم اظهار داشت: «یکی از بهترین راه‌های زنده نگه داشتن آرمان‌های شهدا، برگزاری یادواره‌ها است.»

وی افزود: «گزینه نظامی هیچ‌گاه گزینه روی میز آمریکایی‌ها نبوده و نخواهد بود و همیشه از رزمندگان جمهوری اسلامی هراس داشته‌اند.»

وی هوشیاری مردم را بسیار مهم خواند و خاطرنشان کرد: «در این زمان بزرگ‌ترین مشکل جامعه بی‌توجهی به این فرهنگ است و بیشترین آسیب‌ها از این طریق وارد می‌شود.»

نایب‌رئیس کمیسیون شوراهای مجلس بیان داشت: «در موضوع سیاست باید به امام امت اقتدا کنیم و کاری به خط و خطوط سیاسی نداشته باشیم و با حفظ روحیه توان دفاعی کشور، اقتدار و عزت نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابل بیگانگان باید جزء اهداف مهم مسئولان قرار بگیرد.»

تجلیل از خانواده‌های شهدا و برپایی نمایشگاه در حاشیه این یادواره از دیگر برنامه‌های این مراسم بود.

صبح صادق

دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۶
۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۴۰
۱۲ صفحه

Mon. 26 FEB 2018 www.sobhesadeghweekly.ir

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

تلفن: ۱۱۰-۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱)
صندوق پستی: ۱۷۳۸۵/۱۸۵
سایت اختصاصی: ssweekly.ir
رایانامه: sobhesadegh@iran.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
کانال پیام‌رسان سروش: @ssweekly
کانال تلگرام @SobheSadeghWeekly

صبحانه

خانه تکانی

وقتی خانه تکانی می‌کنی
چیزهایی پیدا می‌شوند که
مدتی برای پیدا کردن‌شان
زمین و زمان را بهم ریخته‌ای
و از نبودن‌شان اعصابت خط خطی بود.
وقتی که آن گمشده‌ها را می‌بینی،
می‌بینی که زندگی بدون آنها
هم جریان خود را داشته
دنیا هم همین‌طور است
امروز هستیم، فردا نه!
در نبودمان جایگزین‌هایی هستند
که دنیا از حرکت نایستد!
خانه تکانی این مزیت را دارد که
به ما یاد می‌دهد که هیچ تقدیری فاجعه نیست
باور کنید، امیدوارم از ما جز نیکی چیزی به یادها نماند.

صادقانه

دوری کنید!

امام صادق(ع) فرمود:
برادران خود را با دو صفت امتحان کنید،
که اگر آن دو صفت را داشتند
به دوستی و رفاقت خود با آنها ادامه دهید
اگرنه از آنان دوری کنید،
دوری کنید، دوری کنید:
۱ـ مراقبت بر نماز اول وقت؛
۲ـ نیکی به برادران
چه در سختی و تنگدستی،
چه در هنگام آسایش و گشایش.»
وسائل‌الشیعه ج ۸، ص ۵۰۳

تلخند

یادداشت

انحراف در نمایش خانگی

□ احسان سالمی/ اگر بخواهیم سریال‌های شبکه نمایش خانگی را در یک جمله توصیف کنیم، آنها به طبل‌های توخالی شبیه هستند که بیشتر از آنکه محتوایی داشته باشند، هیاهو دارند.

بی‌توجهی به ترسیم خط قرمزهای مشخص در ساخت این‌گونه آثار و البته استفاده حرفه‌ای سازندگان این آثار از موقعیت‌های تبلیغاتی و فضاسازی رسانه‌ای دو عاملی است که سبب شده است سریال‌های شبکه نمایش خانگی با وجود همه ضعف‌های فنی و تکنیکی تا حدی دیده شوند.

بیشتر این سریال‌ها از داستانی قوی و استوار بی‌بهره هستند. این در حالی است که معمولاً در سریال‌های موفق و مهم جهان اولین پیش‌فرض برای جذب مخاطب، استفاده از داستان‌هایی قوی و جذاب است و اصولاً سریال‌ها به واسطه داستان جذاب خود توانسته‌اند هم مخاطبان را به خود جذب کنند و هم برای بازیگران گمنام خود اعتبار و شهرت فراهم کنند.

اما در کشور ما استفاده از ظرفیت حضور سلبریتی‌ها در کنار داستان‌هایی که بسیاری از آنها هیچ‌گاه نمی‌تواند با وجود ممیزی‌ها، در رسانه ملی طرح شوند، حربه سازندگان سریال‌های شبکه نمایش خانگی برای جذب مخاطب است. حربه‌هایی که شاید بتواند مخاطب را جذب کند؛ ولی برای او محتوا و پیام مناسبی ندارد.

در کنار بحث فنی در ارتباط با محتوای این آثار می‌توان به این موضوع اشاره کرد که فضای ترسیم شده در این سریال‌ها، دور از زندگی عموم مردم جامعه است. فضایی که محو نمایش زندگی روشنفکرانه است یا زندگی لاکچری و مرفه با آدم‌هایی که دغدغه‌های‌شان از زندگی مردم جامعه فاصله دارد و اصلاً نوع نگاه‌شان به زندگی با مردم عادی متفاوت است. وقتی سطح دغدغه شخصیت‌های این آثار در این حد است که برای نمونه فردی به سگش بیشتر از همسرش اهمیت می‌دهد و سگش را همچون فرزندش دوست دارد، آیا می‌توان این اثر را به عنوان یک محصول فرهنگی به مردم و خانواده ایرانی معرفی کرد؟

در کنار این مسئله، ترسیم فضای روشنفکری و گاه حتی فمینیستی نیز در برخی از این آثار به شکل چشمگیری وجود دارد. برای نمونه، می‌توان به شخصیت اصلی یکی از این سریال‌ها اشاره کرد که زن جوانی است که در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد زندگی می‌کند و در برنامه‌هایی همچون کلوپ بانوان حضور فعالی دارد و در ارتباط با حقوق زنان و ظلم مردان به زنان سخنرانی می‌کند و شخصیت‌های سریال نیز از او به عنوان یک زن نمونه و فعال یاد می‌کنند که همه به او غبطه می‌خورند!

این در حالی است که این سریال‌ها وارد منازل مردم می‌شوند و مخاطب اصلی آنها خانواده‌ها هستند.

به بهانه برگزاری شصت‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم برلین

دلالان سینمایی؛ پشت پرده وطن‌فروشی در جشنواره‌ها

□ مهدی امیدی/ حواشی پیش آمده در شصت‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم برلین، بار دیگر مسئله جشنواره‌های غربی را پررنگ کرد. جشنواره‌هایی که سال‌هاست به محل تجلیل از فیلم‌هایی با مضامین ضدملی و سیاه‌نمایی تبدیل شده‌اند و افزون بر این، از متهمان امنیتی داخل ایران نیز حمایت می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که جشنواره فیلم برلین در چند دوره اخیر خود، افزون بر نمایش چنین فیلم‌هایی، برای این متهمان صندلی خالی تعیین کردند و حتی با وجود ممنوع‌الخروج بودن، آنها را به عنوان مهمان ویژه و داور هم دعوت کردند.

امسال نیز سینماگرانی که به نمایندگی از سینمای ایران در جشنواره برلین حضور یافتند، تن به هر کاری دادند تا مورد توجه قرار گرفته و جایزه بگیرند؛ اما برخلاف گذشته این بار تیر آنها به سنگ خورد و به دلیل ضعف شدید آثارشان، دست خالی برگشتند. فیلم «خوک» که مهم‌ترین فیلم ایرانی حاضر در برلیناله بود، در نظرسنجی صورت گرفته از منتقدان حاضر در این جشنواره، نمره‌ای بسیار پایین کسب کرد و در بین سه فیلم آخر جدول این نظرسنجی قرار گرفت. این فیلم هر چند ضعیف است؛ اما به محورهایی اشاره کرده که همواره به منزله نقض حقوق بشر علیه ایران مطرح می‌شود. از قتل‌های زنجیره‌ای نخبگان تا سانسور و...؛ موضوعاتی که در یک فیلم بسیار ضعیف و سطح پایین به نمایش درآمده‌اند. اتفاقی که بار دیگر نشان داد، ملاک اصلی جشنواره‌های غربی برای توجه به سینمای ایران ـ به ویژه در یک دهه اخیر ـ سیاسی بوده است؛ اما عوامل فیلم خوک به همین هم بسنده نکردند و در نشست خبری خود در جشنواره برلین، یک شوی سیاسی راه انداختند تا شاید از این طریق بتوانند به دستمزدی برسند.

اما این اولین بار نیست که چنین مسائلی در محافل به اصطلاح سینمایی در غرب پیش می‌آید و بدون تردید در آینده نیز باز هم شاهد چنین حاشیه‌هایی خواهیم بود. هر چند نمی‌توان رفتار غلط برخی از سینماگران در این جشنواره‌ها را نادیده گرفت (رفتارهایی که گاه مصداق بارز وطن‌فروشی است)؛ اما باید ریشه و منشأ اصلی به وجود آمدن چنین اتفاقاتی را هم شناخت. اگر قرار است تغییری در رویکرد ایران به جشنواره‌های خارجی پیش بیاید، چاره‌ای نیست جز تغییر اساسی در ساختار انتقال فیلم به خارج از کشور.

وقتی فهرست آثار را که از ایران به جشنواره‌های غربی راه یافته‌اند، مرور می‌کنیم، به چند فیلمساز ثابت برمی‌خوریم. در مقابل، بسیاری از سینماگران مطرح ایرانی که آثار شاخصی ساخته‌اند، هیچ‌گاه در چنین جشنواره‌هایی دیده نشده‌اند. برای نمونه، در جشنواره‌هایی چون برلین، کن، ونیز، مراسم اسکار و... هیچ اسمی از ابراهیم حاتمی‌کیا، ابوالقاسم طالبی و... نمی‌بینیم؛ اما در مقابل، همیشه اسم جعفر پناهی، مانی حقیقی، محمد رسول‌اف و... در این جشنواره‌ها به چشم می‌خورد. برای بسیاری از مردم جای سؤال است که چرا چنین وضعیتی پیش آمده است؟ در این باره می‌توان گفت، به جز جنبه سیاسی، مسائل اقتصادی نیز دخیل است؛ یعنی ما با واسطه‌هایی مواجه هستیم که با دلالی فیلم به خارج از کشور، به سود مالی می‌رسند. این واسطه‌ها در اصطلاح عامیانه به دلال شناخته می‌شوند. البته این افراد هیچ‌گاه خود را دلال یا واسطه معرفی نمی‌کنند؛ بلکه نام «پخش‌کننده بین‌المللی» را بر خود نهاده‌اند. آنها معمولاً آثاری را معرفی می‌کنند که به دلیل جنبه‌های سیاسی و تبلیغاتی علیه ایران، با استقبال مسئولان جشنواره‌ها و جوایز خارجی روبه‌رو می‌شود.

از اتفاقات منفی این دوره از جشنواره فیلم برلین، این بود که یکی از نمایندگان سینمای کشورمان در بخش فیلم‌هایی با محتوای دگرباشی نامزد دریافت جایزه شد! هر چند که قبلاً هم فیلم‌هایی به کارگردانی فیلمسازان ایرانی مقیم خارج در این بخش نامزد شده بودند؛ اما این اولین بار است که فیلمی رسمی که با مجوز وزارت ارشاد ساخته شده و به نمایش درآمده، در بخش آثاری درباره همجنس‌خواهی نامزد شده است. در این اتفاق نیز ردّ پای همان دلال‌ها دیده می‌شود و این افراد، فیلم مذکور را به منظور ترویج همجنس‌خواهی به جشنواره برلین معرفی کرده‌اند. نکته مهم این است که سیاست‌گذاری خاص جشنواره‌های غربی در حمایت از فیلم‌هایی با مضامین این‌چنینی و همچنین فعالیت دلال‌ها برای انتقال آثاری با محتوای انحرافی سبب شده است برخی از فیلمسازان دست به کار ساختن فیلم‌هایی شوند که از آنها برداشت همجنس‌بازی می‌شود. حتی یکی از فیلم‌های سی‌وششمین جشنواره فجر نیز که در چند بخش نامزد سیمرغ شد، به چنین موضوعی آلوده است.

کشکیات

آزادی کم است!

می‌کنم اصرار هی اصرار، آزادی کم است
می‌کند هی دلبرم انکار آزادی کم است
ظرف‌های شام را شستم به زور جیغ‌هاش
ظرف شستن با چنین اجبار، آزادی کم است
دستپختش را به یاد عهد خدمت می‌خورم
کلهم در محضر دلدار، آزادی کم است
جست‌وجویی کردم از اوضاع آزادی شبی
آمد از غیبم ندا هشدار! آزادی کم است
گفتمش هشدار را طبق چه فرضی گفته‌ای؟
گفت: طبق آخرین آمار، آزادی کم است
آن‌ور آب است قطعاً غرق آزادی، ولی
این‌طرف از خشکی بسیار، آزادی کم است
پهلوی جان، روسری را از سر مردم کشید
دید چون در دوره قاجار، آزادی کم است
اصل آزادی فقط در دوره قاجار بود
یک تن و صدها، هزاران یار آزادی کم است؟
در پی دل دادنی بانو زلیخا طرد شد
آه که در قصر پوتیفار آزادی کم است
از زبان حضرت حافظ شنیدم دوش گفت:
نیست چون میخانه و میخوار، آزادی کم است
در خیابان، انقلابی شد به پا با روسری
روسری را برده او بر دار، آزادی کم است
دلبرم تریاک هم ای کاش بر چوبی رود
تا نگوید یک نفر شرکار، آژادی کم است
دوربین‌های مدارِ بسته را کاهش دهید
گفت دزدی بر سر بازار، آزادی کم است
بودن شلوار، خود ضد حقوق مردهاست
تا که باشد بر تنم شلوار، آزادی کم است
تا که شاید از غم این عقل آزادم کنند
می‌کنم تکرار هی تکرار، آزادی کم است.

محمدرضا شکیبایی‌زارع

چکامه عشق

پیش آهنگ...

دلنوشته‌ای از رضا نبی‌ئی برای استاد فرج‌الله سلحشور به مناسبت دومین سالگرد درگذشت علمدار سینمای انقلاب

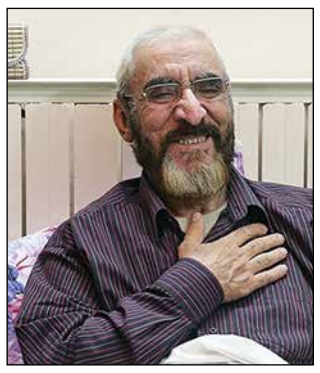

استاد عزیزم حاج فرج‌الله سلحشور

استاد عزیزم چه سخت بود دو سال بدون شما

شما دیگر نیستید و سینمای متعهد و انقلابی که برگرفته از فرهنگ حزب‌اللهی کشور است، به شدت احساس تنهایی می‌کند.

در این وضعیت اسفناک فرهنگی، نبود هنرمند متعهدی چون شما برای سینمای اسلامی خسارتی جبران‌ناپذیر است.

به ویژه برای ما که داشتیم انقلابی‌گری و ثابت قدم ماندن بر روی آرمان‌ها را از شما می‌آموختیم.

شما می‌دانستید که هنر به ویژه فیلم و سریال یکی از تأثیرگذارترین ابزارها برای تبلیغ است که هالیوود و سینماهای غربی از آن به بهترین شکل برای به انحراف کشیدن ذهن‌های مردم جهان استفاده می‌کنند و به همین دلیل فریاد می‌زدید مراقب نفوذ استکبار و صهیونیست‌ها در هنر باشید.

ولی جریان روشنفکر غرب‌زده سینما به شما طعنه می‌زدند و شما را افراطی و تندرو خطاب می‌کردند.

ولی شما چون اقیانوسی پرعمق و آرام به فعالیت‌های خود ادامه دادید و ساده‌زیستی و انقلابی‌گری خود را حفظ کردید و اجازه ندادید غرب‌زدگی و فرهنگ غربی که تجملات دنیایی را به همراه دارد، در روحیه شما تأثیر بگذارد.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی احساس تکلیف کردید و وارد میدان پرخطر سینما شدید و از آن به بهترین شکل استفاده کردید.

در دهه شصت مجاهدت و رشادت‌های رزمندگان را به تصویر کشیدید و فرهنگ بسیجی و دفاع مقدس را ترویج دادید.

در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ سریال‌های فاخر قرآنی را که زبانزد بسیاری از مردم دنیاست، کار کردید که واقعاً سریال‌هایی در شأن جمهوری اسلامی است.

در دهه نود نیز جریان فیلم سریال‌سازی اسلامی را در کشور راه انداختید که در کنار آن نیروهای مذهبی زیادی را تربیت کردید.

افزون بر آن، در این دهه فیلمنامه سریال جهانی حضرت موسی را نیز به نگارش درآورید که امیدوارم این فیلم هرچه زودتر ساخته شود و مردم را آگاه‌تر کند.

بله، استاد گرانقدر شما به موقع به خط زدید و رشادت آفریدید.

برای جلوگیری از نفوذ فرهنگی دشمن به سلحشورهای زیادی احتیاج داریم که شما این راه را برای نسل جوان مؤمن انقلابی هموار کرده‌اید.

در وصف شما همین بس که رهبر حکیم انقلاب امام خامنه‌ای(حفظ‌الله) فرمودند: «شهید آوینی و مرحوم سلحشور از پیش‌آهنگان فرهنگی کشور بودند.»

این تمجید امام امت خود مهر تأییدی بر عملکرد انقلابی شماست.

امیدوارم بتوانم راه‌تان را ادامه دهم.

روح‌تان شاد و یادتان گرامی باد.

راش اضافه

تقریظ امام خامنه‌ای بر کتاب «سرباز کوچک امام(ره)»

متن تقریظ حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای بر کتاب «سرباز کوچک امام(رحمهُ‌الله)» منتشر شد. در این کتاب، خاطرات دوران اسارت آزاده سرافراز مهدی طحانیان در سنین نوجوانی در زندان‌های رژیم بعث عراق (۱۳۶۱ تا ۱۳۶۹) روایت شده است.

بسمه تعالی

سرگذشت این نوجوان شجاع و باهوش و صبور در اردوگاه‌های اسارت، یکی از شگفتی‌های دفاع مقدّس است؛ ماجراهای پسربچّه سیزده چهارده ساله‌ای که نخست میدان جنگ و سپس میدان مقاومت در برابر مأموران درنده‌خوی بعثی را با رفتار و روحیه‌ای اعجاب‌انگیز، آزموده و از هر دو سربلند بیرون آمده است. دل بر مظلومیّت او می‌سوزد؛ ولی از قدرت و تحمّل و صبر او پر می‌کشد؛ این نیز بخشی از معجزه بزرگ انقلاب اسلامی است. در این کتاب، نشانه‌های خباثت و لئامتِ مأموران بعثی آشکارتر از کتاب‌های مشابهی است که خوانده‌ام. به هر حال این یک سند با ارزش از دفاع مقدّس و انقلاب است؛ باید قدر دانسته شود. خوب است سست‌پیمان‌های مغلوب دنیا شده، نگاهی به امثال این نوشته صادقانه و معصومانه بیندازند، شاید رحمت خدا شامل آنان شود.(۱۲/۴/۱۳۹۶)گفتنی است؛ کتاب «سرباز کوچک امام(رحمهُ‌الله)» به قلم فاطمه دوست‌کامی و در ۷۶۱ صفحه، از سوی انتشارات پیام آزادگان منتشر شده است.

استقبال مردم منطقه از کتاب خاطرات قاسم سلیمانی

کتاب خاطرات فرمانده نیروی قدس سپاه با نام «قاسم سلیمانی ذکریات و خواطر» به زبان عربی در لبنان منتشر و با استقبال عرب زبان‌ها مواجه شد. این کتاب به کوشش جمعیت المعارف لبنان منتشر شده و شامل خاطرات سردار سلیمانی از دوران دفاع مقدس است که از زبان خود او نقل شده است.

در مقدمه این اثر از سردار سلیمانی به عنوان اصلی‌ترین کابوس داعش و غرب یاد شده است و نویسنده این کتاب می‌گوید که اما ما سردار سلیمانی را همراه متواضع شهید همت، مهدی باکری و علی هاشمی می‌شناسیم، فرمانده‌ای که اخلاق و اوصافش نیکو است.

بخش نخست کتاب با معرفی سردار از زبان خودش آغاز می‌شود، کتاب در دیگر بخش‌ها به نقل خاطراتی از او در عملیات‌های مختلف مانند کربلای ۵ و همچنین صحبت‌های سردار سلیمانی درباره برخی از شهدا و فرماندهان هشت سال دفاع مقدس مانند شهید زین‌الدین، شهید همت و... می‌پردازد. انتشار این اثر با استقبال خوبی از سوی مخاطبان همراه بود و در این مدت، برخی از مخاطبان کتاب با انتشار بخشی از اثر یا اظهارنظر درباره مطالب مندرج در این کتاب، نسبت به انتشار این اثر واکنش نشان دادند.

قسمت دوم مستند جنجالی «فروشنده» تولید شد

مستند «فروشنده» که به جریان‌ها و افراد فعال در پشت صحنه مذاکرات هسته‌ای ایران پرداخته بود، اوایل سال جاری تولید و به نمایش درآمد. مستندی که برای اولین بار ناگفته‌هایی را درباره برجام افشا کرد. کار تولید مستند «فروشنده ۲» از سوی مرکز رسانه‌ای «فانوس فردا» به پایان رسیده است.

این مستند به زودی رونمایی خواهد شد. هر چند که از هم‌اکنون می‌توان پیش‌بینی کرد که این قسمت از فروشنده نیز با فشارهای بسیاری مواجه خواهد شد؛ چرا که «فروشنده ۲» در ادامه قسمت اول این مستند به زمزمه‌های مذاکرات جدید و فشار بر صنعت موشکی ایران می‌پردازد و ماجراهای ناگفته‌ای را در این باره افشا می‌کند.

رونمایی از کتاب «سینمای اسلامی» سلحشور

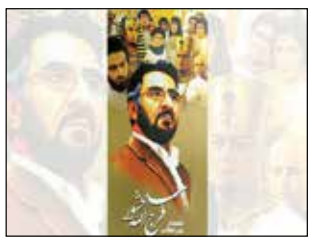

دومین سالگرد درگذشت مرحوم فرج‌الله سلحشور با حضور چهره‌های فرهنگی و هنری در خبرگزاری فارس برگزار شد. در این مراسم چهره‌هایی چون حسن رحیم‌پورازغدی، حسن عباسی، جمال شورجه و پیام تیرانداز سخنرانی کردند و از کتاب «سینمای اسلامی» رونمایی به عمل آمد. «سینمای اسلامی» مجموعه‌ای از گفتارها و نوشته‌های مرحوم فرج‌الله سلحشور درباره سینما و تلویزیون است که در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. «سینما، بازوی تهاجم فرهنگی»، «خلاق کیست؟ حقیقت چیست؟»، «علل انحراف و سطحی‌نگری در سینما»، «اصول و مبانی فیلم‌سازی غربی»، «پیش‌نیازهای تأسیس دانشگاه فیلم‌سازی اسلامی» و... از جمله سرفصل‌های این کتاب است.

آرزوی بازیگر زن برای ایفای نقش یک قهرمان

فاطمه معتمدآریا در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه اعلام کرد؛ دوست دارد نقش فرنگیس حیدرپور، یکی از زنان مؤثر در جبهه‌های غرب کشور طی هشت سال دفاع مقدس را بازی کند. در زمان حضور هنرمندان و جانبازان کشورمان برای شاد کردن کودکان مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه در قالب دوازدهمین دوره جشنواره دانش‌آموزی فیلم دفاع مقدس، فاطمه معتمدآریا بازیگر معروف سینمای ایران با در دست گرفتن کتاب خاطرات خانم فرنگیس حیدرپور و معرفی آن به معلمان و دانش‌آموزان شرکت‌کننده اعلام کرد: «یکی از آرزوهای بزرگ زندگیم ایفای نقش فرنگیس است.» از دیگر نکات جالب معرفی این زن قهرمان به نوجوانان شرکت‌کننده کُرد کرمانشاهی به صورت عینی با همراهی و صحبت‌های ساده و بی‌تکلف خود، فرنگیس حیدرپور در این جشن‌ها بود.

مستند «قهرمانان عدالتخواه انقلابی» ساخته می‌شود

واحد مستند دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی برای تولید اثر درباره «قهرمانان عدالتخواه انقلابی»، در فراخوانی از مردم دعوت کرد که سوژه‌های خود را به این مرکز معرفی کنند.

این سوژه‌ها می‌توانند شامل تلاش قهرمانانه مسئولان و مردم شهرهای مختلف در زمینه اقتصاد مقاومتی، عملکرد قابل توجه مسئولان و قضات شهرهای مختلف در مبارزه با تخلفات اقتصادی و اقدامات شایسته کارکنان و مسئولان بهزیستی و کمیته‌های امداد شهرها در حوزه فقرزدایی و... باشد.

علاقه‌مندان می‌توانند سوژه‌های خود را در این زمینه به آی‌دی تلگرامی ganjineh_sooje @ معرفی کنند.

حسن ختام

الفبای مهدوی

از بوستان واژه‌ها می‌آیم
گل‌واژه‌ای یافته‌ام که خود گلستانی است
نگاهش کن
ترجمان لطافت است
و کلیدواژه محبت...
او مترادف عشق است
و هم‌معنای زندگی...
اصلاً فراتر از معین و دهخدا
او خود یک دایره‌المعارف ناب است
و جمع‌الجمع همه لغات ناب‌تر
مهدی جان!
نام پرمسمایت
سرسلسله همه واژگان است
و البته تاج سر ما...
ادبیات زندگی‌مان تو را کم دارد
و آیین نگارش‌مان، آیین تو را
بیا و فرهنگ لغات‌مان را از نو بنویس
و الفبای‌مان را مهدوی کن...
من، «انتظار» را در حروف الف
«فرج» را در حروف ف
«وصال» را در حروف واو
«میعاد» و «میقات» را در حروف میم
طور دیگری می‌خواهم
مولا جان! ای شایسته‌ترین
بیا تا از واژه واژه قامتت
عشق املا کنیم...